

### سایه سنگین منافع شخصی

حسین از فعالان مدنی شهر با اشاره به این نکته که «شورای چهارم پس از شش سال حکمرانی شورای سوم، زمام امور کارهای دزفول را برعهده گرفت» می‌گوید: «متأسفانه کارنامه شورای سوم از دید خیلی از کنش‌گران مدنی منطقه، پراز ایراد بود؛ شورایی که فرصتی برای برخی اعضا فراهم کرد تا به پروژه‌های شخصی خودشان بپردازند.»

به عقیده حسین: «متأسفانه در انتخابات شوراهای چهارم هم رقابت‌های قومی و قبیله‌ای و فامیلی و باندی، جایگزین انتخاب افراد متخصص و شایسته و نخبه شد.»

او اضافه می‌کند: «برخی اعضای شورای چهارم، مثل سلف‌های خود در شورای سوم، به دنبال تحقق منافع شخصی خودشان رفتند؛ از ساخت و ساز گرفته تا لابی با استفاده از عنوان حقوقی‌شان برای اخذ امتیازهای حکومتی.»

وی هم چنین می‌گوید: «متأسفانه پاسخ‌گویی به انتقادات و سئوال‌هایی که از شورا و کارنامه‌اش می‌شود نیز چنان که باید نبوده و یک جور بی‌اعتنایی به موکلان و شهروندان در نگاه اغلب اعضای شورا وجود دارد.»

او درعین حال تأکید می‌کند که «قصد صفر و صد کردن کارنامه شورا را ندارم؛ اما ارزیابی عمومی من، مثبت نیست.»

### توسعه شهر یا عزل و نصب؟

یاسر، یکی دیگر از فعالان مدنی منطقه که فعال رسانه‌ای هم هست، عقیده دارد که «در شورای چهارم رویکرد غالب، عزل و نصب شهردار و دخالت مستقیم در امور اداری و کارهای بوروکراتیک مرتبط با شهرداری بود؛ نه تلاش برای طراحی و تدوین برنامه‌های توسعه پایدار برای شهر یا اولویت‌بندی مشکلات دزفول و یا پیش‌بینی راه‌های افزایش منابع و درآمدهای شهرداری بدون اعمال فشار زیادی بر شهروندان.»

او هم چنین از اینکه امکان بالقوه شهر برای جذب گردشگر و استفاده از منافع مترتب بر آن، چنان که باید و شاید، مورد توجه شورا قرار نگرفته، گلایه‌مند است.

وی اضافه می‌کند که شورای شهر دزفول می‌توانست از پتانسیل نیروی انسانی و نخبگان شهر برای بهبود کیفیت زندگی دزفول خیلی بیشتر و بهتر استفاده کند.

یاسر به مشکل انتخاب شهردار در ابتدای استقرار شورای چهارم اشاره می‌کند و توضیح می‌دهد که حضور برخی اعضای خانواده شهردار پیشین در شورا و هم چنین برخی هم‌لیستی‌های شهردار قبلی، منجر به اتلاف زمان و انرژی‌ای شد که می‌توانست و می‌بایست برای بهبود کیفیت وضع شهر صرف شود. مشکلی که به گزارش وی، در سال ۱۳۹۵ نیز ادامه یافت.

### بی‌اعتنایی به مهندسی شهری

رامین، مهندسی خوانده و در عمران و ترافیک شهری صاحب‌نظر است. او با تأکید می‌گوید که نه تنها در شورای چهارم که حتی در شوراهای قبلی هم اقدام موثر و جدی برای بهبود وضع ترافیک شهر صورت نگرفته است.

وی اضافه می‌کند: «اهالی شهر خوب خبر دارند که چطور وقتی باران می‌آید، خیابان‌های اصلی شهر قفل می‌شود و آمد و شد برای حتی موتورها، دشوار می‌شود. حالا من به وقت‌هایی که رود دز طغیان می‌کند و حجم آب زیادی روانه شهر می‌شود کاری ندارم.»

او هم چنین به کمی فضای سبز شهری با وجود خاک حاصلخیز و بارش خوب در منطقه اشاره می‌کند و درباره توسعه شهر هم می‌گوید: «زمین‌هایی در اطراف شهر واگذار شده؛ مثلاً کوی زیباشهر

یا کوی مهرشهر یا کوی پیام نور. ولی خدمات شهری لازم و اولیه به آن‌ها اختصاص نیافته است. از آسفالت و فضای سبز و زمین بازی و مدرسه و مسجد گرفته تا آب و فاضلاب، این مناطق درگیر کاستی‌های متعدد هستند. درحالی‌که مثلاً در همین زیباشهر حدود ۲۰ هزار نفر ساکن هستند.» وی اضافه می‌کند: «ساخت‌وساز صورت گرفته در این مناطق هم بدون مهندسی شهری و نظارت فنی صورت گرفته و واقعا به جهت زیبایی و نیز فنی، پراز ایراد است.» او به ساخت‌وسازهای بدون مجوز در برخی نقاط (ازجمله کوی پیام نور) اشاره می‌کند و نحوه مدیریت شورا و شهرداری را بر این وضع، ضعیف می‌خواند.

### طرح‌های پرتعداد؛ بدهی‌های شهرداری دزفول

صبا حسابداری یکی از شرکت‌های فعال در استان و پیمانکار برخی پروژه‌های شهری در شهرستان دزفول است؛ او از بدهکاری‌های شهرداری می‌گوید و دلیل آن را علاوه بر مشکلات اقتصادی موجود در کل کشور و رکود و بحران اقتصاد برنامه‌ریزی و مدیریت مالی ضعیف شهرداری و نظارت ناکافی شورای شهر می‌خواند.

او توضیح می‌دهد: «البته چند ماه پیش، شورای شهر دخالت کرد و تلاش کرد برای تقلیل بدهی‌های شهرداری، طرح‌های عمرانی و خدمات شهری را درجه‌بندی و اولویت‌بندی کند؛ اما به نظر من این کار دیرانجام شد و واقعیت، طلبکارشدن خیلی شرکت‌ها و افراد (ازجمله کارگران خود شهرداری) از شهرداری است.»

صبا تاکید می‌کند که متاسفانه طرح‌های پرتعدادی در شهر کلید خورد، اما پیشرفت و عملیاتی شدن بیش از نیمی از آن‌ها به ۵۰ درصد هم نرسیده است.

وی می‌گوید: «شهرداری مدعی است که بدهی حدود ۴۰۰ میلیارد ریالی دارد؛ ولی کارشناسان معتقدند بدهی شهرداری خیلی بیشتر از اینهاست. حتی برخی اعضای شورای شهر رقم واقعی را دو برابر ادعای شهرداری می‌دانند.»

صبا به خارج شدن بیش از ۸۰ طرح از اولویت کاری شهرداری در سال ۱۳۹۵ می‌گوید و ازجمله به احداث ساختمان شورای شهر دزفول اشاره می‌کند. او می‌افزاید: «واقعا چه نیاز فوری به این ساختمان بود؟ و خارج شدن آن از اولویت هم نشان‌دهنده اعتراف شورا به تصمیم غیرکارشناسی و غیرواقع‌بینانه اول خودش است.»

او اضافه می‌کند که «من مطلقاً نمی‌خواهم کارنامه شورا و شهرداری را «سیاه» توصیف کنم؛ اما معتقد است «فاصله موجود تا وضع مطلوب زیاد است.»

### عزم جوانان برای اصلاح ترکیب شورا

اغلب مطلعان و کنش‌گرانی که در این گزارش مورد پرسش قرار گرفتند و ارزیابی‌های خود را از وضع شورای شهر و شهرداری دزفول بیان کردند، به ضرورت تغییر ترکیب شورای شهر دزفول و اصلاح و تقویت آن اشاره کردند.

آن‌ها جملگی از عزمی در کنش‌گران مدنی برای حضور فعال در انتخابات آتی خبر می‌دهند. هرچند اذعان می‌کنند که دشواری‌ها و موانع جدی برای فائق آمدن بر نگاه قوم و قبیله‌ای و بانندی و خانوادگی و سیاسی مسلط در منطقه وجود دارد.

با وجود این، کنش‌گران مدنی دزفول امیدوارند که بتوانند پیرامون افرادی که متخصص و باتجربه هستند، به اجماع برسند و با استفاده از شبکه‌های اجتماعی آنلای، اطلاع‌رسانی کنند.

نتیجه کار البته بستگی به نوع انتخاب اکثریت رای‌دهندگان دزفولی و کیفیت مشارکت آن‌ها در انتخابات شوراها و پنجم دارد.

## تبدیل پاتوق بزهکاران به بوستان زیبا در رشت



۲۴۲



نویسنده: امید روستایی

استان: گیلان

شهر: رشت

چالش‌ها:

• آسیب‌های اجتماعی

• توسعه شهری

• زیباسازی شهر

«بوستان ملت» که تا اواخر دهه هفتاد با وجود درختان کهن سال و فضایی سبز، باغی متروکه و بیشتر محلی برای تجمع افراد بزهکار بود و بین اهالی به «سیاه باغ» شناخته می‌شد، مدتی است که رنگ و بوی دیگری به خود گرفته است. بهینه‌سازی این پارک در دوره‌های سوم و چهارم شورای شهر یکی از پروژه‌ها و قراردادهای مساله ساز بود. بین سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۳ نحوه اجرا و نارضایتی از پیشرفت طرح و ارائه خدماتی که شرکت کارفرما تعهد داده بود، هم چنان موضوع رفت‌وآمدهای بین شهرداری و شورای شهر بود ولی در نهایت به نتیجه رسید.

از قدیم حاشیه‌های این پارک، محلی بود برای اسکان مسافران نوروزی که چادرنشینی را به هتل و مسافرخانه ترجیح می‌دادند. کارکردی که هنوز هم مورد توجه است، هرچند در سال‌های گذشته نارضایتی بسیاری از مسافران در زمینه ارائه برخی خدمات، از جمله احداث

آلاجیق، حمام و ... هم گزارش شده است. احداث امکانات ورزشی به عنوان بخش مهمی از این پروژه به مراحل پایانی خود رسیده است. در حال حاضر زمین چمن فوتبال، زمین مناسب برای والیبال آماده بهره برداری است و سالن سرپوشیده آن نیز قرار است به اتمام برسد. مکانی که روزگاری محل تجمع افراد بزهکار بود، حالا هم صاحب امکانات ورزشی شده، هم قرار است جشنواره های محلی هم چون جشنواره غذای و موسیقی محلی را میزبانی کند. هم چنین قرار است این بوستان، محل «بزرگ ترین آب نمای موزیکال کشور» باشد. تصاویری از آخرین وضعیت زمین چمن فوتبال و زمین والیبال این بوستان را می بینید.



۲۴۳



## داوری مشهدی ها و فضای شهر در نوروز



نویسنده: ماندگاری  
استان: خراسان رضوی  
شهر: مشهد  
چالش ها:

- گردشگری
- ضعف مدیریت شهری
- زیباسازی شهر

مشهد مهم ترین مقصد سفرهای نوروزی در میان شهرهای کشور است. در دومین روز فروردین ماه جاری، استان دار خراسان رضوی از ورود بیش از ۲ میلیون و ۶۸۸ هزار زائر و مسافر به مشهد طی یک هفته خبر داد. بدیهی است که شمار مسافران و گردشگران و زواری که راهی مشهد می شوند، تا پایان تعطیلات نوروزی بسیار بیشتر از رقم پیش گفته خواهد شد. پیش بینی می شود که تا پایان تعطیلات نوروزی افزون بر ۸ میلیون نفر به مشهد سفر کنند.

اما آیا شهرداری و شورای شهر مشهد توانسته اند سیمایی نوروزی به شهر ببخشند؟ فراتر از مسافران و زوار، آیا تمامی ایرانیان (اعم از اهالی مشهد و مسافران دیگر نقاط کشور) در مشهد با چهره های بهاری و خوش سیما از شهر روبرو می شوند؟

پاسخ به پرسش آسان نیست؛ چرا که نیازمند نظرسنجی مستقلى است. اما به نظر مى‌رسد مى‌توان مبتنى بر نظرخواهى از برخى شهروندان مشهد، به جمع‌بندى اجمالى رسيد.

## ۱۸ از ۲۰

جواد فروشنده آجيل و خشکبار و زعفران و نبات در اطراف فلکه آب (ميدان بيت المقدس) است؛ او مى‌گويد که «استقبال شهردارى و شوراي مشهد از بهار و گل‌کاري صورت گرفته در سطح شهر خوب بوده»؛ و قوتى از او مى‌خواهم از ۲۰ به کارنامه بهارى شهردارى نمره بدهد، مى‌گويد: «نمره‌اش به نظرم مى‌شود ۱۸».

او مى‌گويد: «کيفيت رسيدگى به سيمای شهر نسبت به نوروز سال پيش تغيير محسوسى نکرده»؛ اما توضيح مى‌دهد: «به نظرم در کل نمره قابل قبولى دارد؛ اما نهای خوبى نصب کرده‌اند هرچند به نظرم تعدادش از سال قبل کمتر است.»

## ۱۳ از ۲۰

امير، کارشناس ارشد معماری است؛ او برخلاف جواد مى‌گويد که به شوراي شهر و شهردارى از ۲۰ بيشتر از ۱۳ نمى‌دهد؛ او توضيح مى‌دهد: «نسبت به سال پيش، تغيير محسوسى به چشم نمى‌آيد. به نظرم اقدامات بهارى در سطح شهر، معمولى هستند و نه فوق‌العاده».

وى اضافه مى‌کند که «هرسال سعى شده با گذاشتن المانهای نوروزى، رنگ و لعاب خاصى به شهر داده بشود. اما متأسفانه هر سال شاهد کمتر شدن اين زيباسازى بوده‌ايم».

به عقیده او، جز نقاط مهم و شاهراه‌های اصلی شهر، در ديگر بخش‌های مشهد اتفاق نوروزى خاصى رخ نداده است.

وى مى‌افزايد: «شهردارى مى‌تواند به سادگى و با هزينه کم، و با فراخوان‌های نوروزى يا برگزارى جنگ‌های شادى به اهميت نوروز و نيز بهارى کردن شهر بپردازد.»

## ۱۵ از ۲۰

جميله، معلم است؛ او هرچند هم‌دلى‌اى با تركيب شوراي شهر مشهد ندارد و کارنامه آن را ضعيف مى‌داند اما درباره کيفيت زيباسازى شهر در نوروز معتقد است که «نسبت به سال قبل بهتر شده، و مثلاً نمادهای نوروزى بهتر و با مسأله‌تر شده‌اند».

او معتقد است که آستان قدس رضوى مى‌تواند به کمک شهردارى و شورا بيايد چرا که «مشهد شهرى توريستى است و رسيدگى به آن و بهبود وضع آن، نیازمند هزينه‌کرد بيشتر است».

وقتى از جميله مى‌خواهم به کارنامه شورا و شهردارى در نوروز نمره بدهد، با كمى مکث مى‌گويد: ۱۵.

## خير خاصى نيست

مجيد در چهارراه خسروى طلافروشى دارد؛ او در رابطه با فعاليت‌های شهردارى در نوروز مى‌گويد: «معمولاً روال اين بوده که شهردارى با اجراى يک يا چند المان و معمولاً نوستالژيک كمى حال و هواى شهر را عوض مى‌کرده؛ اما متأسفانه من هنوز متوجه کار خاصى نشده‌ام؛ نمى‌دانم اين بخاطر گرفتارى زياد من است يا عدم انجام کارى خاص در سطح شهر».

مجيد با اشاره به اين نکته که «شهردارى متأسفانه نهادى است که فقط به فکر اندوختن مال است و پاسخ مناسب نسبت به دريافتهای خودش نداشته و ندارد» مى‌گويد: «نمونه بارز آن بنظرم هزينه‌های سنگين کسر پارکينگ است که به نسبت تأمين کسرى پارکينگ در سطح

عمومی بسیار ناچیز یا گران است.»  
او تاکید می‌کند که «من جزو مخالفان شدید فعالیتهای شهرداری و کارنامه شورای شهر مشهد هستم و شاید در بیان نظر و ارزیابی ام زیادی غرض‌ورزی کرده باشم!»

### باز هم ۱۸ از ۲۰

سوسن علاقمند به طبیعت و عکاسی است؛ او می‌گوید: «به نظرم شهرداری امسال هم از اِلمان‌ها و نمادهای جالبی استفاده کرده و به نسبت بیشتر هم هستند؛ تقریباً در خیلی از میادین و خیابان‌های اصلی شهر، سبدهای گل با شکل‌های مختلف و نمادی از نوروز و سبزه دیده می‌شود.»

او هم مثل جواد از ۲۰ به کارنامه نوروزی شهرداری مشهد نمره ۱۸ می‌دهد. البته توضیح می‌دهد که «به نسبت سال گذشته تغییر چشمگیری نمی‌بینم ولی چراغانی و نورپردازی در شب در بعضی خیابان‌ها جالب و جدید است.»  
وی هم چنین اضافه می‌کند که «به نظرم در مجموع خوب کار کرده‌اند و به خصوص، شهر تمیز است.»

### باز هم ۱۳ از ۲۰

کیوان مثل امیر دانشجو است؛ او به قدر لازم در شهر گشته و این طرف و آن طرف رفته است. او هم مثل امیر معتقد است که از ۲۰ بیشتر از ۱۳ نمی‌دهد؛ هرچند توضیح می‌دهد که «در مجموع کار شهرداری مشهد خوب بود و خیلی از مسافران یا حداقل اوانایی که من دیدم جلوی اِلمان‌ها جمع می‌شوند و عکس می‌گیرند.»

وی هم چنین اضافه می‌کند: «می‌شد دیوارهای فرسوده و خراب را رنگ زد یا نقاشی کرد.» او به نقاشی‌های دیواری نزدیک میدان فردوسی اشاره می‌کند که چند سال پیش دیده بود و می‌افزاید: «متأسفانه شنیدم که بعداً این نقاشی‌ها را که به شاهنامه فردوسی ربط داشت با رنگ سفید پوشانده‌اند... کاش آن‌ها می‌ماند و بود و در سطح شهر مشهد اضافه می‌شد.»  
کیوان می‌گوید: «اگر در مشهد نشانی از شاهنامه فردوسی نبینیم در کجا باید ببینیم؟»

### مشهد بهاری تر شده

هومن در بازار و بخش خصوصی فعال است و دانش‌آموخته اقتصاد؛ او می‌گوید که هرچند از کلیت کارنامه شورای شهر و شهرداری مشهد در دوره اخیر راضی نیست اما «واقعیت این است که شهر با تزیینات انجام شده» بهاری تر شده است.

او تاکید می‌کند که به هر علت و دلیل مشهد در سه سال پیش کمتر شاهد چنین چیزی بوده اما «ظاهراً امسال و به خاطر انتخابات پیش رو، شورا و شهرداری تکانی به خودشان داده‌اند.» وی اضافه می‌کند که «هرچند شورای مشهد در اختیار اصول‌گرایان است، اما به نظر می‌رسد در تبلیغات نوروزی و اِلمان‌های کار شده در سطح شهر، چندان ایدئولوژیک اقدام نشده است.»

هومن معتقد است که در دوره شهردار پیشین و شورای سوم، تبلیغات و به‌سازی شهر برای نوروز و زیباسازی، بهتر و بیشتر بود؛ اما در دوره اخیر، سال جاری از سه سال پیش بهتر است. او به نکته جالب دیگری هم اشاره می‌کند: «یک دلیل این که در چند سال اخیر زیباسازی و تبلیغات اینچنینی کم‌رنگ بود شاید ایام فاطمیه و سوگواری‌های غالب بود. ترکیب شورای شهر هم جوری بود و هست که این را به نوروز و شادی ترجیح می‌داد. ولی امسال با توجه به هم‌زمانی تولد حضرت فاطمه با نوروز و نیز بحث انتخابات، فضا فرق داشت.»

## این کارها را هم نکنند؟

سوسن فارغ التحصیل جامعه شناسی است؛ او می‌گوید که از گل‌کاری و تزیینات سطح شهر راضی است؛ اما بلافاصله می‌افزاید: «واقعاً اگر همین کارها را هم نکنند پس می‌خواهند چه کنند؟ یعنی اینها وظایف اولیه و تکالیف شهرداری و شورای شهر است.»

او به ترافیک سنگین مشهد و ازدحام خیابانها و شلوغی اغلب مسیرهای اصلی شهر اشاره می‌کند و می‌گوید: «هرچند مسافر زیادی به مشهد آمده، اما کاملاً مشخص است که شهر توان ترافیکی ضعیفی دارد و خیابان‌ها و امکانات حمل و نقل شهری متناسب با نیاز شهروندان مشهد و نیز مسافران و وضع شهر توریستی و مذهبی نیست.»

به عقیده سوسن شهر تفاوت محسوسی با نوروهای پیش ندارد؛ هرچند که «درمجموع تمیز شده» و «تبلیغات ایدئولوژیک و سوگیری‌های فرهنگی و سیاسی شورا و شهرداری هم در اقدامات نوروزی و المان‌های کار شده، قابل ردیابی و مشهود است و متأسفانه کمتر نشانی از نمادهای ملی و بومی وجود دارد.»

## داوری آسان نیست

حسن، مهندسی خوانده و مدیر یک شرکت است و پیمانکار شهرداری؛ وی می‌گوید: «به نظر تبلیغ بهار مانند سال‌های قبل بوده و البته برجسته‌ترین آن‌ها را شاید بتوان همان المان‌های شهری در نظر گرفت که در سطح شهر نصب شده که به نظر بسیار جالب و زیبا است.»

او البته در مقام مقایسه با اقدام مشابه در سال پیش می‌گوید: «تفاوت محسوسی نسبت به سال قبل ندیده‌ام.»

حسن معتقد است که «فکر می‌کنم از جهت محتوا، افراد مذهبی به تبلیغات و زیباسازی نوروزی نمره بالای ۱۵ بدهند و شهروندان غیرمذهبی حداکثر نمره ۱۰.»

وی هم چنین توضیح می‌دهد که به عنوان پیمانکار، و با توجه به ارتباطات محدودی که در گذشته و حال با شهرداری داشته، کلاً از سیستم شهرداری راضی نیست و اقدامات و خروجی آن را ضعیف و پراز ایراد و اشکال و کاستی می‌بیند و می‌داند.

## جمع‌بندی؟

جمع‌بندی نظرات شهروندان مشهدی درباره فعالیت شهرداری و شورای شهر در نوروز سال ۱۳۹۶ کار آسانی نیست؛ اما به نظر می‌رسد که بتوان در مجموع به این خروجی رسید که یک نوع احساس رضایت مقطعی و نسبی از فعالیت‌های انجام شده برای نوروز غالب است. هرچند که درباره انگیزه‌های آن (از جمله انتخابات پیش رو) و نیز کیفیت آن (عدم استفاده از نمادهای ملی و بومی) نقدها محسوس و برجسته است. ضمن این‌که به شکل محسوسی اغلب افراد بر این نظرند که کار می‌تواند از این بسیار بهتر باشد و شود.

این ملاحظه هم قابل برجسته‌سازی است که به نظر می‌رسد اغلب شهروندان مشهدی بر این باورند که اگر شورا ترکیبی تخصصی‌تر و غیرایدئولوژیک و غیرسیاسی داشته باشد، می‌تواند کارنامه موفق‌تری در مدیریت شهری و خدمات‌رسانی (از جمله در مناسبت‌های این چنینی: نوروز) داشته باشد و احساس رضایت و شادی بیشتری به مردم منطقه که در شهری توریستی زندگی می‌کنند اهدا کند.

آیا این جمع‌بندی خودش را در انتخابات شورای پنجم مشهد، آشکار خواهد کرد و به «کرسی» خواهد نشانند؟

## کودکان کار به حال خود رها شده‌اند



### در غفلت شورا و شهرداری کرج

نویسنده: عاطفه مرادی

استان: البرز

شهر: کرج

چالش‌ها:

- کودکان کار
- ضعف نظارتی شورا
- حقوق شهروندی

وجود تنها دو مرکز نگهداری از کودکان خیابانی در کلان‌شهری به نام کرج، با ظرفیتی بسیار محدود، یعنی کودکان کار در این شهر به حال خود رها شده‌اند. کودکان سرمایه‌های اجتماعی فردا هستند. این شاید مهم‌ترین ویژگی‌ای است که سبب می‌شود یک جامعه به آن‌ها توجه ویژه داشته باشد. برای داشتن فردایی بهتر، جوامع توسعه یافته، اهمیت خاصی به برنامه‌ریزی برای کودکان قائلند و علاوه بر خانواده که مسئولیت رشد کودکان را در سنین آغازین به عهده دارد، نهادهای اجتماعی از جمله شورای شهر و شهرداری نسبت به رشد صحیح و سلامت روانی و جسمی آن‌ها مسؤول‌اند. کودک به طور رسمی از پنج سالگی با شروع تحصیلات پیش‌دبستانی وارد جامعه می‌شود، بسیاری از کودکان شهرنشین

به واسطه شغل والدین‌شان حتی پیش‌تر از آن وارد جامعه می‌شوند و مسئولیت نهادهای اجتماعی نسبت به آن‌ها از سنین بسیار پایین آغاز می‌شود. مطابق کنوانسیون حقوق کودک که دولت ایران نیز یکی از امضاکنندگان آن است، انسان‌ها تا پایان ۱۸ سالگی کودک به حساب می‌آیند و هیچ کودکی نباید از تبعیض رنج ببرد؛ اما متأسفانه در جامعه کنونی ما همین نخستین اصل از کنوانسیون حقوق کودک در بسیاری موارد نقض می‌شود. کودکانی که به واسطه فقر و یا بی‌سرپرست و بدسرپرست بودن، مجبور به کار می‌شوند، از جمله کسانی هستند که مورد تبعیض واقع می‌شوند و بخش زیادی از حقوق آن‌ها از جمله حق رشد و تحصیل‌شان، نقض می‌شود.

### فعالیت شهرداری نسبت به تعداد کودکان بی‌خانمان هیچ است

فربیا د. فعال حقوق کودکان در کرج می‌گوید: میزان کودکان کار در کرج بسیار زیاد است و متأسفانه آمار دقیقی از تعداد آن‌ها وجود ندارد. این کودکان هم شامل پسران و هم دختران می‌شود. برخی از آن‌ها دارای سرپرست هستند و به دلیل فقر به عنوان کمک‌خرج خانواده کار می‌کنند اما عده چشم‌گیری از آن‌ها بی‌سرپرست و اغلب بی‌خانمان هستند. سال گذشته مطابق توافقی که بین سازمان بهزیستی و شهرداری صورت گرفت، شهرداری موظف شد مراکزی برای سامان‌دهی کودکان خیابانی در گستره استان البرز در نظر بگیرد، اما تاکنون آنچه انجام شده، نسبت به میزان نیاز استان تقریباً هیچ است.

او که عضو یک سازمان مردم‌نهاد فعال در زمینه حقوق کودکان در این استان است، توضیح می‌دهد: براساس اذعان مدیرکل بهزیستی استان البرز تاکنون تنها ۲ مرکز برای نگهداری کودکان خیابانی در نظر گرفته شده که یکی دولتی و دیگری خصوصی است. مرکز دولتی تنها در طول روز به کودکان خدمات ارائه می‌دهد و مرکز خصوصی شبانه‌روزی است که در حال حاضر فقط ۳۰ کودک را نگهداری می‌کند. صرف نظر از کیفیت خدمات ارائه شده در آن مراکز، هزاران کودک بی‌خانمان در استان البرز وجود دارد و شاید بتوان گفت صدها برابر این تعداد است. این کودکان در معرض خطرهای جسمی و روحی گوناگونی هستند. خدمات آموزشی و بهداشتی ندارند. اغلب در سرما و گرما، سرپناه مناسب ندارند و در معرض اعتیاد، بزه، و بیماری‌ها و لطمات جنسی هستند.

این فعال حقوق کودک با تأکید بر این که مراکز موجود فقط پسران را می‌پذیرد، می‌گوید: تبعیض مضاعف علیه دختران حتی این‌جا نیز مشهود است، در حالی که با توجه به فرهنگ اجتماعی ما، دختران بیشتر در معرض آسیب هستند. متأسفانه سازمان‌های مردم‌نهاد نیز آن قدر بی‌بضاعت و ضعیف هستند که کار موثری نمی‌توانند برای این کودکان انجام دهند. از طرفی سرعت افزایش بی‌خانمانی و فقر چنان زیاد است که هر تلاشی موثر واقع نمی‌شود. متأسفانه روزانه به تعداد کودکان کار اضافه می‌شود و چاره‌ای جز ورود نهادهای مسئول و برنامه‌ریزی ستادی برای مهار این بحران نیست. اکنون که در آستانه انتخابات شوراها هستیم باید به برنامه‌های کاندیداها توجه داشته باشیم و کسانی را انتخاب کنیم که به مسائل مربوط به کودکان اهمیت دهند و از دغدغه‌هایشان باشد. بحران کودکان کار و بی‌خانمان یک مسئله جدی برای سلامت شهری محسوب می‌شود. موضوعی که تنها به اکنون مربوط نیست؛ این کودکان فردای شهرهای ما را می‌سازند و در فقدان آموزش و بهداشت مناسب، فردای روشنی برای شهر نمی‌توان متصور بود.

### طیف سیاسی شورای شهر مهم نیست

مریم س. معلم یک مدرسه خودگردان که به کودکان افغان درس می‌دهد، می‌گوید: علاوه بر کودکان مهاجر ثبت نشده که از ترس اخراج حتی جرات نمی‌کنند به مدارس رسمی مراجعه کنند، دانش‌آموزان زیادی نیز داریم که از مادر ایرانی و پدر افغان هستند اما شناسنامه و هویت قانونی ندارند، برای همین نمی‌توانند به مدرسه رسمی بروند. بضاعت ما نیز در حد آموزش استاندارد نیست و بچه‌ها چند سال طول می‌کشد که تنها خواندن و نوشتن یاد بگیرند. به گفته او این کودکان در معرض آسیب‌های اجتماعی قرار دارند و بی‌توجهی به آن‌ها زمینه‌ی آسیب‌های اجتماعی فردا را به وجود خواهد آورد.

به گفته این معلم، مهم نیست که اعضای شورای شهر از کدام طیف سیاسی باشند یا اصلاً گرایش سیاسی داشته باشند یا نه؛ آنچه اهمیت دارد این است که آیا آن‌ها واقعا دغدغه مردم را دارند؟

### شورای شهر فعالان حقوق کودک را حمایت کند

فرزاد ش. فعال سیاسی، می‌گوید: شورای شهر در کرج به اندازه پایتخت اهمیت دارد و باید مورد توجه مردم قرار گیرد. اما متأسفانه این اتفاق نمی‌افتد و به خاطر توجه مردم این منطقه به مسائل تهران، خیلی‌ها در بزنگاه انتخابات رای خود را به صندوق‌های تهران می‌ریزند. این اتفاق در انتخابات پیشین مجلس هم افتاد و دودش به چشم مردم کرج رفت. او با ابراز امیدواری نسبت به انتخابات شوراها ادامه می‌دهد: امیدوارم انتخابات سنتی در این دوره جای خود را به انتخابات هدفمند بدهد و اعضای شوراها از میان کسانی برگزیده شوند که دغدغه‌های اجتماعی مردم را محور برنامه‌های خود قرار داده‌اند. از جمله این دغدغه‌ها مسئله کودکان کار و کودکان بی‌خانمان و بی‌سرپرست است.

او حمایت از سازمان‌های مردم‌نهاد مرتبط با حقوق کودکان را از وظایف مهم شوراها می‌داند و می‌گوید: متأسفانه خود شهرداری نیز از کودکان به عنوان نیروی کار استفاده می‌کند. هرچند این اتفاق در حوزه پیمان‌کاری شهرداری می‌افتد، اما مسئول آن شهرداری است و شورای شهر باید به این موضوع رسیدگی کند. از طرفی، انتظار این که شورای شهر بخواهد بودجه‌ای را به نگهداری کودکان بی‌سرپرست اختصاص دهد، منطقی نیست. یعنی با توجه به تعداد زیاد آن‌ها عملی نیست. بهترین کار تقویت و حمایت سازمان‌های مردم‌نهاد است، که می‌توانند کمک‌های مردمی را نیز جلب کنند و علاوه بر برنامه‌های آموزشی و بهداشتی برای این کودکان، آموزش محیطی را نیز جزو برنامه‌هایشان قرار دهند و برای والدین نیز دوره‌های آموزش تربیتی بگذارند.

این فعال سیاسی می‌گوید: راهکارهای پیشنهادی امثال من ممکن است پخته و دقیق نباشد، اما دست کم چیزی که به فکریک شهروند مسئول می‌رسد، وظیفه مستقیم شورای شهر نسبت به کودکان است و اکنون باید مردم و سازمان‌های مردمی این را در غالب مطالبات‌شان از کاندیداها بخواهند.

# شورای شهر کرج، رسوایه‌های مالی و انتخابات پیش رو



نویسنده: مهرداد آهنگر

استان: البرز

شهر: کرج

چالش‌ها:

• فساد مالی

• ضعف نظارتی شورا

• رقابت‌های انتخاباتی

فساد گریبان‌گیر برخی از شوراهای شهر شده، در حالی که شوراهای خود وظیفه نظارت بر شهرداری‌ها و جلوگیری از تخلفات احتمالی این سازمان‌ها را به عهده دارند. یک نمونه از این مصداق شورای شهر کرج است. کمتر از دو ماه دیگر پنجمین دوره انتخابات شوراهای شهر و روستا برگزار خواهد شد، در این حال در روزهای منتهی به پایان سال ۹۵ خبری مبنی بر رسوایی مالی در شورای شهر کرج منتشر شد. منابع خبری از کلان‌شهر کرج گزارش دادند که با انتشار خبر واریزهای نجومی به عنوان «کارانه» به اعضای شورای شهر کرج، رییس این شوراطی نامه‌ای اقدامات مالی اداری را فعلاً متوقف کرده است.

در این نامه که محمد دادگو، رییس شورا خطاب به مدیر امور مالی اداری شورای اسلامی شهر کرج نوشته، آمده است: «با توجه به ابهامات پیش آمده در مورد پرداخت کارانه به اعضای

شورا جهت بررسی متمم بودجه سال ۹۵ و بودجه پیشنهادی سال ۹۶ شهرداری و سازمان های تابع آن به مدت سه ماه مجموعاً ۱۳۳۶ ساعت طبق لیست پیوست و خارج از ساعت جلسات رسمی و کمیسیون ها بوده و مدت کارکرد اعضای شورا و احساس مسئولیت آن ها مشخص شده است، لذا تا تعیین تکلیف قانونی اقدامی صورت نپذیرد.»

### گفتم پرداخت ها خلاف قانون است گفتند به شما ارتباطی ندارد

براساس این گزارش امیرحسام عباسی به جای امضای خود برای دریافت این پول نوشته «به ریاست شورا بابت تقسیم این مبلغ بدون مصوبه شورا اعتراض کامل دارم و هرگونه پرداخت مازاد طی این لیست خلاف قانون است و دریافت نخواهم کرد.»

در واقع در پی این نوشته امیرحسام عباسی بود که اعتراض به این پرداخت ها شروع شد و خبر به رسانه ها راه یافت و مشخص نیست اگر آقای عباسی مبلغ پیشنهادی را قبول می کرد، اصلاً کسی خبردار می شد که چنین اتفاقی در شورای شهر کرج افتاده است؟

عباسی پرداخت پول را تصمیم هیات ریسه شورا دانسته، می گوید: «بر اساس قانون حق جلسه هر ساعت عضو شورای شهر یک شصت حقوق شهردار محاسبه می گردد و حداکثر ساعاتی که برای عضو شورای شهر محاسبه می شود ۶۰ ساعت است که با برخی از اعداد این لیست همخوانی ندارد. این سنت غلطی است که در شورا باب شده که بابت حضور در کمیسیون تلفیق هر ساله مبلغی تعیین و با اعمال فشار و با مذاکره با شهردار پرداخت می شود. این رقم قبلاً تحت عنوان پاداش پرداخت می شد که با دورزدن قانون از سوی رئیس کمیسیون تلفیق، دبیر و رئیس شورا کارانه تعیین شد.» آقای عباسی می گوید بارها تذکر داده اما به او گفته اند: «به شما ارتباطی ندارد.»

۲۵۲



### در شوراهای شهرهای دیگر چه خبر است؟

فساد مالی در شوراهای شهر سراسر کشور امری بدیع و تازه نیست و مسبوق به سابقه است. در دور چهارم شوراهای شهر و روستا خبرهای متعددی از تخلف و فساد مالی منتشر شد. در مرداد ماه سال ۹۵ هفت عضو شورای شهر آبادیه به اتهام تخلفات مالی دستگیر شدند. اواخر سال ۹۴ نیز سه عضو شورای شهر تبریز در میان گروه ۳۵ نفره متخلفان مالی دستگیر شدند. تابستان سال ۹۳ اختلاس شهردار و عوامل شهرداری سیرجان سبب به دادگاه کشیده شدن چند تن از اعضای شورای شهر شد. آذر ماه ۹۵ یکی از اعضای شورای شهر بومهن با تغییراتی که در صورت جلسه شورا ایجاد کرده بود به عنوان متهم اصلی فروش قبرستان، غسل خانه و کتابخانه بومهن برای تغییر کاربری به ویلای شخصی دستگیر شد. رسوایی مالی شورای شهر تهران نیز در سال ۹۵ چنان دامنه دار بود که ماه ها رسانه های ملی و بین المللی و ارگان هایی مثل مجلس شورای اسلامی را درگیر خود کرده بود. مسئله تحقیق و تفحص از پرونده املاک نجومی سرانجام با رای نیاوردن در پارلمان مسکوت ماند.

عجیب آن که علاوه بر شوراهای شهرداری ها، رسوایی های مالی در مناصب بالاتر و در سطح ملی نیز جریان دارد و با وجود اعلام جسته و گریخته اخبار آن، تحقیقی درباره اش انجام نمی شود و به جای پی گیری و جلوگیری از آن، افشاءکنندگان مورد مواخذه و بازخواست قرار می گیرند و با آن ها برخورد می شود. اما شوراهای به عنوان مردمی ترین نهاد قدرت آن هم در شکل منطقه ای از موقعیت ممتازی برای نظارت مستقیم مردم برخوردارند و انتظار می رود مردم نسبت به آن حساس تر و پی گیرتر باشند.

### مشکلات شورای شهر کرج چند برابر تهران است

ایران فقط تهران نیست، شهرهای دیگر نیز مصائب و مشکلات فراوانی دارند که لا به لای اخبار منتشر شده از تهران در رسانه‌ها گم می‌شود و اگر همین شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی نبود، معلوم نبود، اصلاً کسی از مشکلات شهرهای دیگر خبردار می‌شد یا نه.

کامران ش. یک فعال سیاسی و رسانه‌ای در شهر کرج با اعلام این مطلب می‌گوید: یک نمونه کوچک از تخلفات در شورای شهر کرج همین رسوایی مالی اخیر بود که اگر رفتار مسئولانه یک عضو شورا نبود، باز هم معلوم نبود کسی باخبر شود یا نه. شورای شهر کرج در دوره چهارم مشکلات فراوانی داشت و تخلفاتی در جریان بود و هست؛ طوری که اگر هر مشکلی را در شورای شهر تهران می‌بینید، بدانید که در کرج چندین برابر وجود دارد؛ اما پوشش خبری داده نمی‌شود. همین مورد اخیر هم که خبری شد، لا به لای اخبار ثبت نام انتخابات اخیر گم شد و البته امیدوارم کاندیداهای مسئول و دغدغه‌مند چنین مواردی را رها نکنند و حتماً افشا کنند. او به زمین‌خواری، تخریب باغ‌های کرج مثل باغ سیب، ترافیک و آلودگی هوا، و مشکلات اجتماعی فراوان در کرج اشاره می‌کند و می‌گوید: در هر یک از این موارد رد پای همه اعضای شورا و یا دست کم چند تن از اعضاء دیده می‌شود. در برخی موارد، تخلف عیان و در برخی دیگر بی‌کفایتی و بی‌توجهی محرز است. البته چیزی که بسیار مهم‌تر است جلوگیری از راه یافتن افراد بی‌کفایت و متخلف به شورای پنجم شهر است؛ اما در کنار آن نباید و نمی‌توان به سادگی از تخلفات پیشین گذشت. به گفته این فعال رسانه‌ای و سیاسی، این که محمد دادگو، رئیس شورا صرفاً از پرداخت‌های نجومی این دوره جلوگیری کند، آن هم وقتی که موضوع به رسانه‌ها کشیده شده، کافی نیست. باید مدارک مالی سال‌های قبلی شورا نیز بررسی شود و به تخلفات پیش از این نیز رسیدگی شود.

او تأکید کرد: متأسفانه اختلاس به یک رویه در سیاست و مدیریت در سطوح مختلف در کشور ما تبدیل شده و آن قدر زیاد شده که از کنار اخبار آن به سادگی می‌گذریم. گویی همگی به آن عادت کرده‌ایم. اما باید این رویه را تغییر دهیم و این زنجیره تخلف را جایی بشکنیم. مثلاً شورای شهر سوم کرج نیز در سال‌های پایانی کار خود تخلفی میلیاردی داشت. همان زمان اباذر خدابین، یک عضو شورا اعلام کرد که شهرداری تخلف ۲۰۰ میلیارد تومانی در حوزه نظافت شهری داشته، اما آیا این تخلفات پی‌گیری شد؟ یا مثل بقیه موارد مشمول مرور زمان شد؟ شوراهای شهر قرار است به عنوان نهاد نظارتی منتخب و مورد اعتماد مردم انجام وظیفه کنند، اما بروز چنین تخلفاتی بدون آن که منشأ آن مشخص بشود و به طور شفاف پی‌گیری شود می‌تواند به جایگاه نظارتی شوراها خدشه وارد کند و از سوی دیگر اعتماد عمومی نیز از آن سلب شود.

## مسجد جامع و بازار عنبران، تالار گفت و گوی عمومی شهر



۲۵۴

شهروند  
خبرنگار

### ابتکار منحصر به فرد عنبرانه‌ها

نویسنده: حسام نوروزی

استان: اردبیل

شهر: عنبران

چالش‌ها:

• مشارکت مدنی

• گفت و گو

• مسوولیت پذیری

یکی از ملزومات دموکراسی، نظارت پذیری سازمان‌ها و دستگاه‌های اجرایی، دولتی و عمومی است تا امکان تخلف و فساد به حداقل برسد و اگر فساد رخ داد گزارش شود و با متخلفان برخورد شود. شورای شهر همین مسوولیت نظارتی را بر شهرداری ایفا می‌کند، اما بر خود شورای شهر چه نهادی نظارت دارد؟

مناطقى که در سال‌هاى گذشته از روستا به بخش و از بخش به شهر تبدیل شده‌اند، هرچند مشکلات و مصائب اجتماعى، فرهنگى و اقتصادى گوناگونى دارند، اما بستر مناسبى برای تمرین مردم‌سالارى هستند. نهادهای مسئول به دلیل کوچکی محیط و آشنا بودن همگان با همدیگر، از میان همان مردم، انتخاب و یا منصوب می‌شوند و مردم دسترسی بیشتری به آن‌ها دارند.

شهرمرزى عنبران و مراودات میان مردم و مسئولان آن یک نمونه خوب از تمرین دموکراسى است. عنبران یکی از شهرهای تابع شهرستان نمین در استان اردبیل است که در سال‌های نخستین دهه هشتاد از روستا به شهر تبدیل شد. مردم عنبران به زبان تالشی عنبرانی صحبت می‌کنند و اکثریت پیرو مذهب اهل تسنن هستند. شاید همین اقلیت بودن در محیط ترک‌زبان و شیعه مذهب استان اردبیل، سبب شده آن‌ها مردمی خودساخته باشند و به داشته‌های فرهنگی و مدنى‌شان بیشتر توجه کنند.

### نظارت مستقیم اهالی عنبران بر شورای شهر و شهرداری

مردم عنبران از فضای عمومى شهرى برای گرهمایی و بیان مشکلات، یافتن راه‌کار، و رفع آن‌ها استفاده می‌کنند. علاوه بر مسجد جامع عنبران، بازار این شهر که فضایی سنتی و روستایی دارد، محل عمومى دیگری برای جمع شدن اهالی و سخن گفتن است. این گرهمایی‌ها در سال‌های اخیر شکل مدون و پخته‌تری به خود گرفته است.

این‌ها را فواد ر. شهروند جوان عنبرانی می‌گوید و اضافه می‌کند: اعضای شورای شهر که خود برآمده از شهروندان عنبرانی هستند، باید خواسته یا ناخواسته خود را موظف به پاسخ‌گویی بدانند چرا که مردم عهد کرده‌اند بر عملکرد مسئولان منطقه‌ای نظارت دائمی داشته باشند. همچنین برنامه‌ریزی‌های شهرداری باید مطابق نیازها و خواسته‌های مردم محلی صورت بگیرد و چنانچه مسئول یا مسئولانی دغدغه‌های مردمی و مسائل اجتماعى را مد نظر قرار ندهند طی روندی دموکراتیک حذف می‌شوند.

او که دانشجوی رشته مدیریت دولتی است، می‌گوید: شهروند مسئول بودن فقط به اعتراض و اعلام نیاز نیست و ما می‌دانیم که برای رفع مشکلات خودمان نیز باید آستین‌هایمان را بالا بزنیم. مثلاً روستای عنبران علیا که منطقه‌ای تاریخی و مناسب گردشگری است، مدت‌هاست که مورد توجه مردم منطقه است. اهالی شهر عنبران که ریشه اجدادی اغلب‌شان از عنبران علیاست، نسبت به آن منطقه عرق دارند و برای تجهیز آن ضمن حفظ بافت فرهنگی تاریخی‌اش می‌کوشند. اما در عین حال زیرساخت‌هایی نیاز هست که تامین آن وظیفه و کار شهرداری و شورا است.

فواد با اشاره به مسیر گردشگری عنبران علیا و تفرج‌گاه خان بلاغی می‌گوید: چشمه خان بلاغی با جنگل باغ طبیعی اطرافش منطقه‌ای کمترشناخته شده است، هرچند در اخبار و رسانه‌های گوناگونی هر ساله گزارشی درباره اثر طبیعی تاریخی بابا داوود یا همان ابولهلول ایرانی منتشر می‌شود، اما امکانات ساده‌ای مثل جاده برای آن وجود نداشت. اما مردم از ظرفیت‌های جدید مثل شبکه‌های اجتماعى استفاده کردند و مطالبات‌شان را مطرح کردند و به نتیجه هم رسیدند.

### شبکه‌های اجتماعى پل ارتباطی مردم و شورای شهر

فواد با اشاره به کمپین مردمی برای مطالبه راه‌سازی برای خان بلاغی می‌گوید: ابتکار آدمین‌های چند کانال تلگرامی در انعکاس نظرات مردمی با نام یا بدون نام اعضای شورای

شهر را وادار به پاسخ‌گویی مکتوب کرد. درست است که اعضای شورای شهر و شهردار در فضای واقعی نیز با مردم وارد گفت و گو می‌شوند و حرف‌های آنان را می‌شنوند، اما گفت و گوی مکتوب اثر مهم‌تر و بیشتری دارد و در مقابل چشم همگان است. همین باعث شد طرح چند مطالبه در کانال‌های تلگرامی عنبران و اکنش اعضای شورای شهر را به دنبال داشته باشد. هرچند یکی از اعضای این شورا در صدد توجیه و لاپوشانی کاستی‌ها برآمد، و منع قانونی را دلیل عدم توجه به ایجاد راه برای خان بلاغی اعلام کرد، اما هم‌صدایی مردم سبب شد در فاصله دو روز از این گفت و گوها، شهرداری با ارسال لودر به آن منطقه زیرساخت‌های لازم برای جاده‌کشی را فراهم کند.

او ادامه می‌دهد: این پایان کار نیست، بلکه مردم هم چنان خواستار توضیح عضو شورای شهر برای توجیهات بی‌پایه او هستند و خواستار توضیح او هستند که اگر منع قانونی وجود دارد، چطور شهرداری توانسته در عرض دو روز ماشین‌آلات صنعتی را برای ساخت جاده به آن جا ارسال کند؟

شهریارخ. یکی دیگر از فعالان مدنی جوان عنبران، با اشاره به سیل‌بند عریض این شهر می‌گوید: روی مسیل عنبران (مسیر عمیق گذر سیل، یا سیل‌بند که در بیشتر فصول سال خشک است، اما ماه‌هایی نیز پر از آب است) پلی وجود ندارد و در فصل‌هایی که رودخانه جاری است، مردم برای عبور و مرور دچار دردسر و زحمت می‌شوند. در کناره‌های مسیل عنبران حتی حفاظ وجود نداشت و این برای مردم، خصوصا برای کودکان بسیار خطرناک بود که با تغییر شهردار به این خواسته مردم توجه شده و در حال حفاظ‌گذاری روی مسیل هستند؛ اما احداث پل روی مسیل خواسته دیگری است که مردم از شهردار و شورای شهر آینده دارند و آن را پی‌گیری خواهند کرد.



### کمپین مجازی «کاشت نهال» و ایجاد فضای سبز در محیط واقعی

شهریار درباره این اقدام عمومی مردم عنبران می‌گوید: در واقع کمپین کاشت نهال به ابتکار علی‌ف. یکی از کسبه محل آغاز شد. او عکسی از خود در فضای مجازی منتشر کرد در حالی که روی کاغذی نوشته بود «همه با هم برای عنبران سبز» و بدین ترتیب سعی کرد مردم را نسبت به ایجاد فضای سبز و درخت‌کاری ترغیب کند. با انتشار عکس‌های دیگری از سوی افراد دیگر، مردم تشویق شدند در این طرح مشارکت کنند و روز گذشته در عنبران علیا بیش از هفتصد اصله نهال کاشته شد. حال وظیفه شهرداری و ده‌داری است که همراه مردم از این درخت‌ها نگهداری کند و برای ایجاد فضای سبز بکوشد.

او با ابراز امیدواری نسبت به آینده عنبران می‌گوید: در این دوره از انتخابات شوراها، نامزدهای جوان و تحصیل‌کرده که شور خدمت به شهر و دیار خود را دارند در کنار پیش‌کسوتان حضور دارند و امیدواریم با آمدن آن‌ها، که در میان‌شان زنان شایسته و دانش‌آموخته هستند، شهری آبادتر و شادتر داشته باشیم.

به نظر می‌رسد استفاده از ابزارهای مدرن رسانه‌ای نظیر شبکه‌های اجتماعی توانسته، نقش بسزایی حتی در شهرها و بخش‌های کوچک ایفا کند تا جایی که می‌توان به جرئت گفت این کارکرد در شهرهای کوچک‌تر به مراتب موثرتر و واقع‌بینانه‌تر از کلان‌شهرها بوده است.

# لودرهای شهرداری زیرستون سینماهای اردبیل



**وقته شورا چشم خود را بسته است**

نویسنده: سارا میکائیلی

استان: اردبیل

شهر: اردبیل

چالش‌ها:

• سینما

• زیرساخت‌های فرهنگی

• تخریب میراث فرهنگی

داشتن شهری پرشور و زنده پیش شرط‌هایی دارد که یکی از آن‌ها فضای مناسب فرهنگی و هنری است. بخش بزرگی از مسوولیت تامین و نگهداری فضای پر نشاط فرهنگی که شهر اردبیل تشنه آن است، بر عهده مدیریت شهری است؛ وظیفه‌ای که انگار در این شهر متولی ندارد.

مطابق قانون شوراها، بررسی و شناخت کمبودها، نیازها، نارسایی‌های اجتماعی، فرهنگی و رفاهی و هم‌چنین تهیه طرح‌ها و پیشنهادهای اصلاحی و راه‌حل‌های کاربردی در این زمینه‌ها برای برنامه‌ریزی و ارائه آن به مسئولان مربوطه از جمله وظایف و اختیارات شوراهای شهر است. هم‌چنین از دیگر وظایف نهاد شورا می‌توان به همکاری با مسئولان اجرایی و نهادها و

سازمان‌های کشوری در زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی و آموزشی، برنامه‌ریزی برای بالا بردن مشارکت مردم در انجام خدمات اجتماعی و فرهنگی و امور رفاهی، و تشویق مردم به گسترش مراکز تفریحی و فرهنگی با هماهنگی نهادهای مرتبط اشاره کرد. برای یک بررسی اجمالی در خصوص فرهنگ و هنر شهرداری، به عنوان نمونه به سراغ هنر سینما برویم. آیا مردم اردبیل از آنچه در حوزه فرهنگی سینما در حال اتفاق افتادن است راضی هستند؟

### بی‌خانمانی هنر هفتم در اردبیل

سال ۹۵ با خبر تلخی در حوزه فرهنگ و هنر برای اردبیلی‌ها پایان یافت. در روزهای آخر سال قدیمی‌ترین سینمای شهردارییل تخریب شد و خبرش در سطح ملی توجه رسانه‌ها را به خود جلب کرد. با وجود این که از مدتی پیش رسانه‌ها از وعده‌های مسئولان نسبت به تعمیر و بازگشایی این سینما خبر می‌دادند، اما شهرداری منطقه یک اردبیل به بهانه «فرسودگی» ساختمان، این سینما را با خاطرات هفتاد ساله آن تخریب کرد.

حدود هفتاد و دو سال پیش در شهردارییل سینمایی با نام سینما جهان ساخته شد که بعدها به سینما ایران تغییر نام داد. این محل فرهنگی از ابتدای تأسیس با فراز و نشیب‌هایی همراه بود. رشید ف. شهروند اردبیلی با شرح تاریخچه‌ای از سینما ایران می‌گوید: بعد از حدود پنج سال از گشایش سینما جهان (ایران) ساختمان آن دچار آتش سوزی مشکوکی شد که علت آن روشن نشد. مالک سینما دوباره آن را ترمیم و با ظرفیت کمتر بازگشایی کرد. سینما ایران مدتی کژدار و مریز کار می‌کرد و در یک دوره‌هایی نیز پررونق شد و برای چند نسل از مردم این منطقه خاطرات به یاد ماندنی ساخت؛ اما بعدها در پی تغییر فضای فرهنگی و هم‌چنین مسائل شخصی و خانوادگی مالک، این سینما کم‌کم رونق خود را از دست داد تا این که ۲۶ سال پیش به کلی تعطیل شد. به گفته رشید که در دهه هشتاد در رشته کارگردانی دانشگاه سوره فارغ التحصیل شده، متأسفانه بسترهای فرهنگی، خصوصاً نسبت به هنر مدرن که خاستگاه غیر بومی دارد، چندان در این شهر فراهم نیست. او توضیح می‌دهد: بسترسازی برای فرهنگ به حمایت مسوولان نیاز دارد. این که مالکان و سرمایه‌داران شهر بارها در این بخش سرمایه‌گذاری کرده‌اند، نشان می‌دهد مردم خواهان آن هستند. اما برای رونق گرفتن سینما در شهرهای سنتی‌تر لازم است حمایت‌هایی صورت بپذیرد که متأسفانه یا اتفاق نمی‌افتد یا کافی نیست.

به نظر می‌رسد تخریب و یا تغییر کاربری سالن‌های سینما در اردبیل به امری متداول تبدیل شده و در واقع حوزه سینما امامزاده‌ای بی‌متولی است. رشید با بیان این مطلب و با اشاره به وجود چند سینما در شهردارییل و تخریب یا تغییر کاربری آن‌ها در سال‌های گذشته می‌گوید: سینما سهیلا را تخریب کردند و به جایش مجتمع تجاری ملل را ساختند. سینما لاله مدتی به خوابگاه تبدیل شد و حالا معلوم نیست چه بلایی سرش آمده و احتمالاً در لیست تخریب قرار دارد. سینما مغان را خراب کردند و جایش فرهنگ‌سرا ساختند. سینما حافظ که نسبت به بقیه سینماها نوسازتر است و در آغاز دهه هشتاد با هزینه و امکانات دولتی در دوره اصلاحات ساخته شد به عنوان تالار عروسی استفاده می‌شود و حتی اسم سینما را هم از تابلوی آن حذف کرده‌اند و تبدیل به تالار حافظ شده تا محلی برای برگزاری جشن‌ها و مراسم مردم باشد. حالا هم که در پی توجهی و خواب‌آلودگی شورا، شهرداری، سینما ایران را بر سر فرهنگ و هنر استان اردبیل خراب کرده و باید منتظر بود و دید کی نوبت سینماهای فرسوده، قدیمی و کم امکانات قدس و انقلاب فرا می‌رسد.

### سینما هنر خاص شهرنشینی است

ملیحه ک. جامعه شناس، سینما را هنری مردمی می‌داند و می‌گوید: سینما بیشتر از هنرهای دیگر به صنعت آغشته است. در واقع شاید بتوان به آن استفاده هنری از صنعت گفت. چرا که در پی انقلاب صنعتی و توسعه شهرنشینی با سبک مدرن اتفاق افتاد و خواه ناخواه ویژگی‌های مدرنیته را به خود گرفت.

او با بیان این که بنا بر اقتضای کارکرد سینما مسئولان شهری باید توجه ویژه‌ای به آن داشته باشند، می‌گوید: ویژگی هنر سینما و تاثیر نسبت به بقیه هنرها، جمعی بودن آن است و شورای شهر هوشمند باید از این امکان بالقوه برای تقویت فضای شهری استفاده کند. این فقط مختص اردبیل نیست و نکته‌ای است که کلا شوراها باید به آن توجه کنند و از این ظرفیت بهره ببرند.

ملیحه ک. در تبیین ویژگی سینما به عنوان فضای شهری توضیح می‌دهد: این که عده قابل توجهی از مردم که لزوماً همدیگر را نمی‌شناسند، برای دیدن یک فیلم حدود دو ساعت وقت را کنار هم می‌گذرانند، اتفاق کوچکی نیست. در نظر بگیرید یک سینما با ظرفیت پانصد نفر، حتی اگر نیمی از صندلی‌های آن هم پر شود، یعنی دویست و پنجاه انسان دو ساعت کنار هم نشسته‌اند و دیدن یک روایت با هر موضوعی، اعم از طنز، درام، یا هر سبک دیگری را با هم تجربه کرده‌اند. از آن حس مشترک گرفته‌اند. با هم خندیده‌اند، غمگین یا خشمگین شده‌اند و احساسات برانگیخته شده خود را که ناشی از فیلم بوده با هم تقسیم کرده‌اند. این یک ویژگی خاص است که مدنیت و مدرنیته خلق کرده و به سینما و البته تاثیرات بازی برتری می‌دهد.

او اضافه می‌کند: یک ویژگی دیگر سینما سرگرم‌کننده بودن و جمعی بودن آن است. فضایی که افراد از جمله خانواده‌ها و دوستان در گروه‌های کوچک چند نفره برای گذران اوقات خوش به آن جا می‌روند. ایجاد و تقویت فضای خانوادگی در سینماها مثلاً از طریق در نظر گرفتن تسهیلاتی مثل تخفیف‌های جزئی سبب تشویق خانواده‌ها و حتی گروه‌های دوستانه زنان در سینماها می‌شود. در گذشته در شهرهای کوچک و یا سنتی معمولاً فضایی مثل سینما برای زنان مناسب شمرده نمی‌شد اما تقویت فضای خانوادگی سینما برای حضور زنان محیطی امن فراهم می‌کند و به فرهنگ‌سازی به طور کلی منجر می‌شود. وجود فضای هم‌دلی در شهر، یک ضرورت است و مسئولان شهری موظفند به آن توجه و آن را تقویت کنند.

این جامعه‌شناس با اشاره به مسئله تخریب سینما ایران، می‌گوید: هر چند ساختمان آن سینما فرسوده بود و مسائلی مثل اختلاف نظر مالکان که وراثت مالک اصلی بودند سبب تعطیلی بلند مدت سینما شده بود، اما شورا به عنوان متولی شهر و ناظر اقدامات شهرداری کوتاهی کرد و متأسفانه شهرداری به جای سعی بر حفظ آن بنا، که دیگر تاریخی محسوب می‌شد، اقدام به تخریب آن کرد. در حالی که شهرداری می‌توانست با حمایت شورا، آن ملک را بخرد و حتی اگر آن ساختمان امکان رونق گرفتن به عنوان سینما را نداشت، می‌توانست مثلاً آن را به موزه تاریخ سینمای شهر و یک مکان گردشگری تبدیل کند. فرصتی که با ندانم‌کاری مسئولان از بین رفت.

### شورای شهر مسئول چه باید بکند؟

بجنورد یک مثال خوب برای فعالیت مناسب شورای شهر در حوزه فرهنگی و به طور خاص سینما است. اعضای شورای شهر بجنورد با همکاری اداره فرهنگ و ارشاد و همچنین حوزه هنری، بر آن شده‌اند که کاستی‌های فرهنگی شهر را رفع کنند و برای ساخت یک پردیس سینمایی برنامه‌ریزی کرده‌اند. رییس کمیسیون فرهنگی شورای شهر بجنورد می‌گوید: این

شهرزمانی که یک دهم جمعیت اکنون را داشت، دو سینما داشت، اما حالا حتی یک سینما هم ندارد، یک مثال خوب برای عملکرد مناسب شورای شهر در حوزه فرهنگی و به طور خاص سینما است. او با اشاره به کم رونق شدن سینماها در پی افزایش امکانات، برای تماشای فیلم در خانه‌ها، تاکید می‌کند: «آنچه که سینما براساس رسالت خود به جامعه القا می‌کند، از توان سایر رسانه‌ها خارج است.» به گفته او سرمایه‌گذاری برای ساخت سینما توجیه اقتصادی ندارد و باید برای جذب سرمایه جهت ساخت سینما حمایت کرد. برخلاف شورای شهر بجنورد که در حال احیای فضای فرهنگی شهر است، در سوی دیگر کشور، سینماها در اردبیل یک به یک دارند نابود می‌شوند و آنچه در شهر تاریخی و فرهنگی اردبیل در حوزه هنری اتفاق افتاده چندان امیدوارکننده به نظر نمی‌رسد، مگر این که امیدوار باشیم شورای شهر آینده تغییر رویه محسوسی در پاسداری از فضای هنری این شهر، به ویژه در حوزه سینما داشته باشد.

# نوروز تمام شد، خستگی ترافیک

## نوروزی باقی است



نویسنده: مهتاب سمیعی

استان: مازندران

شهر: رامسر

چالش‌ها:

• ترافیک

• گردشگری

• ضعف مدیریت شهری

نوروز و فصل تعطیلات برای بسیاری از شهرهای ایران فرصتی است برای جنب و جوش. کاسب‌ها به امید رونق بازار به استقبال مسافران می‌نشینند و مسافران به امید تفریح بار سفر می‌بندند. اما برخی بحران‌ها این معادله را برهم می‌زنند مثل بحران ترافیک در شهر کوچکی به نام رامسر. شهری که نوروزش تمام شد ولی خستگی ترافیک آن برگردیده ساکنان این شهر هنوز سنگینی می‌کند.

ترافیک شهری که یکی از معضلات اصلی بسیاری از شهرهای ایران است، وقتی به شهرهایی هم چون رامسر که بزرگراه‌های کمربندی برای مسافران گذری آن تعبیه نشده و یا هنوز به واقعیت تبدیل نشده‌اند، این معضل دوچندان می‌شود.

## ترافیک معضل تکراری هر نوروز

این مشکل موضوعی نبود که از دید بسیاری از مسوولین شهری غیر قابل پیش بینی باشد، اما جالب است که هر ساله شاهد بروز مکرر همان مشکلات هستیم. اسفند ماه سال قبل، فرماندار رامسر به عنوان یکی از مسوولین به این موضوع اشاره کرده و خواهان اقدامی برای بهبود شرایط شده بود. محمد آزاد در جلسه شورای ترافیک رامسر، با اشاره به اینکه ایام نوروز در رامسر به دلیل میزبانی از گردشگران با شهرستان های دیگر متفاوت است، گفته بود: «مسافران فراوانی در روزهای نوروز به رامسر وارد می شوند و باید شرایط عبور و مرور در جاده های این شهرستان فراهم شود.» وی با بیان اینکه باید بسترهای لازم برای خدمات رسانی مطلوب به مسافران فراهم شود، تاکید کرده بود: «ستاد تسهیلات سفر در این شهرستان راه اندازی شد و جلسات به طور منظم برگزار شده و یا در حال برگزاری است. ترافیک موجب توقف نکردن مسافران در این شهرستان می شود و به همین دلیل باید بسترهای لازم برای روان سازی ترافیک صورت بگیرد.»

با همه این وعده ها، آن هایی که در ایام نوروز رامسر را تجربه کردند، ترافیک سرسام آور آن رنگ و بوی نوروزی این شهر را با «طعم» صف های طولانی و معطلی های بی انتها و صدای متداوم بوق اعتراض رانندگان همراه کرده بود. طعمی که تنها به رامسر اختصاص نداشت و شهرهای دیگر هم چنین تجربه های تکراری را از سر گذرانده اند.

حالا تصور کنید، شهری که به دلیل جاذبه های تفریحی و طبیعی، مقصدی برای مهمانان و توریست هاست و باید بهترین بهره را از این فرصت ببرد، ترافیک شهرش تبدیل می شود به یکی از موانع بهره برداری مفید از فرصت. شاید بخشی از این معضل دامن مسافران را بگیرد و فراری شان دهد، اما بخش دیگری از آن دامن ساکنان شهر را هم می گیرد و در عمل بخش های زیادی را هم ناراضی می کند. تاکسیران های شهر یکی از ناراضی های این وضعیت هستند که از عملکرد ضعیف مسوولین شهری بشدت شاکی هستند.

## کساد تاکسی رانی

مهدی یکی از تاکسی ران های رامسر است که در خصوص وضعیت این شهر در ایام نوروز در پاسخ به نظرخواهی ام گفت: «ترافیک در شهر در روزهای نوروز بیداد می کند، اما برای ما راننده تاکسی ها بدترین زمان کاری است، همه فکر می کنند وقتی که مسافر در شهر زیاد می شود وضعیت درآمد ما بهتر می شود، در صورتی که شاید برای اصناف دیگر اینطور باشد اما برای صنف تاکسی ران ها اصلا شرایط خوب نیست.»

او با اشاره به اینکه اکثریت مسافرانی که به شهر می آیند با خودروهای شخصی شان می آیند می گوید: «۹۹ درصد مسافرانی که وارد شهر می شوند خودشان وسیله نقلیه دارند و احتیاجی به سوار شدن به تاکسی ندارند، بنابراین بیشتر تاکسی ها در ایام نوروز درآمد ندارند، فقط ترافیک و معطلی برای ما می ماند.»

جواد یکی دیگر از کارکنان این صنف است که نوروز را بدترین زمان کاری برای تاکسی ران ها می داند. «فقط ضرر می دهیم نه مسافر آنچنانی داریم نه به کارهای اصلی زندگی می رسیم، شدت ترافیک آنقدر بالاست که یک مسیر ۱۵ دقیقه ای، ۲ ساعت طول می کشد.»

او با اشاره به ناآشنایی مسافران با مسیرهای درون شهر می گوید: «مسافران مسیرها را بلد نیستند و همین مساله باعث می شود که هر جایی ترمز کنند و از دیگران سوال بپرسند، این ترمز ناگهانی و توقف بد خودش باعث ایجاد ترافیک می شود و اگر هم اعتراض کنیم، ناراحت می شوند.»

جواد البته از عملکرد راهنمایی و رانندگی در دو سال اخیر تا حدودی راضی است اما اعتقاد دارد که فقط اداره راهنمایی و رانندگی نباید به فکر این مساله باشد و «بقیه مسئولین هم باید بیشتر به فکر این معضل باشند تا دید و بازدید عیدشان».

### چاله‌های ترافیک را

وضعیت آسفالت خیابان‌ها هم یکی دیگر از نکاتی است که جواد یادآور می‌شود. هرچند معاون عمرانی شهرداری رامسر در روزهای منتهی به پایان سال «لکه‌گیری و آسفالت خیابان‌ها و معابر شهر» را یکی از اقدامات خود اعلام کرد، اما ظاهراً رضایت شهروندان و مسافران نوروزی تامین نشده و هم‌چنان یکی از گله‌ها دست‌اندازها و آسفالت‌های خراب شهر است. آقای مقدسی یکی از گردشگرانی است که برای گذراندن تعطیلات سال نوبه رامسر سفر کرده بود. او در مورد ترافیک این شهر با تاکید بر اینکه «رامسر شهر بسیار زیبایی است و یکی از اولویت‌های خانواده ما برای سفر» می‌گوید: «ولی وقتی وارد شهر می‌شویم واقعا ترافیک خسته‌مان می‌کند».

او یکی از معضلات شهر را مشکل مهندسی خیابان‌های شهر می‌داند و می‌گوید: «اصلا خیابان‌های رامسر مشکل مهندسی دارند، شاهراه‌های ورودی شهر بسیار باریک هستند و به نظرم این موضوع باعث پررنگ‌تر شدن موضوع ترافیک در این شهر زیبا شده است». آقای توکلی یکی دیگر از توریست‌ها در این باره به همکاری نکردن شهروندان بومی با توریست‌ها اشاره دارد و می‌گوید: «شهروندان بومی با توریست‌ها همکاری نمی‌کنند، وقتی که توریست شهر را به طور کامل بلد نیست و باید راه بگیرد راننده‌های شهری به توریست‌ها راه نمی‌دهند». او با تاکید بر خرابی آسفالت‌های خیابان‌ها یادآور می‌شود: «خیابان‌های رامسر نسبت به شهرهای دیگر خیلی باریک است، آسفالت خیابان خیلی خراب است. لذا وقتی آسفالت مشکل دارد همین‌که ماشین‌ها مجبورند برای رد کردن دست‌اندازهای وحشتناک، سرعت خود را خیلی کاهش دهند، خواه ناخواه ترافیک ایجاد می‌شود. امیدوارم شهردار این شهر در این زمینه فکری برای توریست‌ها و بومی‌ها کند».

### معضلات شهری و مطالبه محوری در آستانه انتخابات

هرچند در اطلاعیه‌های ارگان‌های مختلف ادعاهای زیادی مطرح شده بود و آمادگی سازمان حمل و نقل همگانی برای استقبال از مهمانان نوروزی یکی از آن‌ها بود، اما وضعیت شهر هم نارضایان زیادی در بین ساکنان شهر ایجاد کرد و هم در بین مسافران نوروزی. در حالی که مدیریت درست و کارشناسی شده می‌تواند و باید ظرفیت‌های یک شهر توریستی را هم برای ساکنان آن تحقق بخشد و هم رفاه گردشگران را تامین کند. واقعیت این است که اگر شهرداری و نهادها و ارگان‌های مربوطه ده‌ها اعلامیه و بخشنامه صادر کنند ولی از امکانات رفاهی و تدابیر پیش‌بینی شده خبری نباشد، احساس نارضایتی باقی می‌ماند.

آیا وقت آن نرسیده است که در آستانه انتخابات، وقتی نامزدها برای کسب رای به سراغ ساکنان و کسبه و کارگران می‌روند، برنامه‌هایشان برای رفع مشکلاتی از این دست را مطالبه کنند؟ و آیا وقت آن نرسیده که کارنامه آن‌هایی که در حال حاضر در کرسی‌های نمایندگی مردم تکیه زده‌اند با همین معیارها سنجیده شود؟ ترافیک نوروزی یکی از تکراری‌ترین معضلات این شهر است، به عنوان نمونه، شورای شهر و شهرداری در طول دوره مدیریت‌شان چه اقدامی صورت داده‌اند که در عمل به کاهش مشکلات و بالا رفتن رضایت شهروندان انجامیده باشد؟

## انتظارات یزدی ها از شورای پنجم



۲۶۴

شهروند

نویسنده: ماندگاری

استان: یزد

شهر: یزد

چالش ها:

• رقابت های انتخاباتی

• توسعه شهری

• ضعف مدیریت شهری

انتخابات شوراهای پنجم در یزد نیز با ثبت نام داوطلبان، مرحله ای جلوتر رفت. استقبال شهروندان یزدی از انتخابات شوراهای در مرحله ثبت نام برای رقابت، قابل توجه بود. چنان که رئیس ستاد انتخابات یزد اعلام کرد که به ازای هر کرسی در شهر یزد، حدود ۳۵ نفر داوطلب ثبت نام کرده اند. وی هم چنین از افزایش محسوس کیفیت و سطح تحصیلی داوطلبان شوراهای خبر داده است.

فرماندار یزد نیز از افزایش حضور و مشارکت زنان در مقطع ثبت نام برای شورای شهر یزد و نیز رشد مشارکت شهروندان در این مرحله گفته است.

باید دید در نهایت کدام داوطلبان برای شرکت در انتخابات، از هیات اجرایی و هیات نظارت مجوز حضور می گیرند و یازده نفری که بر کرسی های شورای شهر یزد تکیه خواهد زد، چه کسانی خواهند بود.

### چه کسانی ثبت نام کردند؟

۳۸۷ نفری که داوطلب نشست بر کرسی های شورای شهر یزد شده اند از طیف های مختلف جامعه و گروه های اجتماعی گوناگون و با نگاه و گرایش سیاسی و اجتماعی متفاوت و مدارک تحصیلی رنگارنگ هستند.

نکات جالب در حوزه ثبت نام نامزدها، کم نیست؛ به عنوان نمونه، از استان دار پیشین یزد گرفته تا کارمند معمولی در میان داوطلبان مشاهده می شود. همین طور از خبرنگار و فعال فرهنگی گرفته تا مشاور رسانه ای امام جمعه یزد در بین نامزدها حضور دارند. اعضای سابق و اسبق شورای شهر یزد نیز در میان داوطلبان کم نیستند؛ هم چنین از بین روسا و اعضای هیات مدیره برخی صنوف مهم یزد هم افراد متعددی داوطلب حضور در شورا شده اند.

مدیر مسئول برخی نشریات محلی و سایت ها و پایگاه های خبری استان و شهر یزد و نیز ادمن ها و مدیرهای برخی کانال های تلگرامی هم از دیگر متقاضیان شورای شهر یزد محسوب می شوند.

در میان داوطلبان، مقام های ارشد و مشاوران استان داری و شهرداری نیز کم نیست؛ هم چنان که نماینده مجلس و روسای سابق برخی ادارات کل شهر و استان یزد. از وابستگان به جناح ها و گروه های سیاسی فعال کشور تا شهروندان مستقل و بدون سابقه فعالیت سیاسی، اما دارای پیشینه کار در سازمان های غیردولتی و مردم نهاد نیز در میان داوطلبان شورای یزد فراوان است.

۲۶۵



### چرا دست از جاه و قدرت بر نمی دارند؟

چهره های تکراری مدیریت و سیاست یزد که اینجا و برای انتخابات شوراها نیز بار دیگر نامزد و فعال شده اند، کم نیستند؛ این اتفاقی است که موجب انتقاد بسیاری از کنش گران مدنی منطقه شده است.

عماد، یکی از فعالان سیاسی و مدنی یزد ضمن انتقاد شدید از این وضع، می گوید: «معنی حضور برخی افراد و چهره های سیاسی قدیمی و البته تکراری شهر در انتخابات شوراها، یعنی این که دو جناح سیاسی اصلی کشور (اصلاح طلبان و اصول گرایان، هر دو) فاقد توان و نیروی جوان برای اداره کشور و یا مدیریت شوراها هستند.»

او به این وضع به شدت نقد دارد و اضافه می کند: «واقعاً چه زمانی این بزرگان خدمت به مردم را رها خواهند کرد؟ آن هم خدمتی که نتیجه اش اغلب نارضایتی عمومی است.»

عماد با اشاره به این نکته که کم نیستند میان سالانی که حدود ۱۵ تا ۲۰ سال سابقه کار و مدیریت دارند و دارای تجربه و تخصص توأمان هستند، می افزاید: «متأسفانه اینها باید هم چنان پشت جبهه طلبی و منزلت جویی و قدرت خواهی بعضی بزرگ ترها و موسسیدها که ول کن قدرت نیستند، بمانند. تا کی و چرا؟ معلوم نیست...»

### مطالبات مردم یزد از شورای آتی

اما اهالی یزد چه انتظاراتی از داوطلبان و در مرحله بعد، منتخبان شورای پنجم دارند؟ دیدگاه ها متفاوت و قابل توجه است.

مهدی از فعالان فرهنگی یزد نظر جالبی دارد؛ او می گوید: «خیلی ها معتقد هستند افرادی که وارد شورا می شوند باید از مسائل عمرانی و شهرداری بدانند؛ من به این نظر احترام می گذارم اما آنچه می تواند شورای شهر را پویا و شهر را آباد کند توجه به شادی مردم و فرهنگ سازی در

امور جاری است.»

او تاکید می‌کند که «اگر شورای شهر جدید به شادی مردم توجه نکند حکایت غمگینی و غمزدگی پابرجا می‌ماند؛ متأسفانه افسردگی دامن مردم شهر یزد را گرفته و عوارض آن کم نیست.»

محمدرضا، مهندس عمران و فعال مدنی است؛ او می‌گوید: «کسانی باید در شورا حضور یابند که از برخی مسایل مطلع باشند؛ از جمله طرح‌های آمایش سرزمین یزد، طرح تفصیلی شهر یزد، طرح جامع حمل و نقل و ترافیک یزد، طرح جامع فرودگاه و راه آهن یزد، و نیز قانون شهرداری‌ها و شرح وظایف شورا و شهرداری.»

علی که سابقه همکاری با یکی از شوراهای یزد را در کارنامه دارد معتقد است: «متأسفانه بخش مهمی از مردم به افرادی رای می‌دهند که به نظر آن‌ها، "خوب" هستند مانند ورزشکار خوب، پزشک خوب، قاری قران و یا چهره زیبا و حتی نامزدی که فرزند مدیر یا شخصیت خوبی بوده است؛ کمتر می‌شود که به تخصص رای دهند و همین امر بعداً مشکلاتی را برای اداره شهر و شورای یزد بوجود می‌آورد.»

او به نکته ظریفی نیز اشاره می‌کند: «واقعیت تلخ این است که منتخبان مردم بعد از انتخاب شدن در عمل شورای شهرداری می‌شوند و نه شورای شهر، و مردم و شهروندان فراموش شدگان این حلقه هستند.»

عفت، آموزگار است؛ به عقیده او: «با یک نگاه کلی به یزد می‌شود ناکارآمدی شورای کنونی را دید؛ مثلاً خیابان آزادشهر با بودجه نه چندان کمی پیاده‌رودار شده؛ چند ماه نگذشته آن را خراب کردند و دوباره پیاده‌رو، خیابان شد! در همین خیابان که ترافیک آزاردهنده و تردد ماشین‌ها دشوار است، مجوز ساخت پاساژ داده شده؛ اتفاقی که در خیابان طالقانی یا خیابان قیام هم شاهدیم. تمام اینها ناشی از نگاه نادرست شورای شهر است و برای همین، ضروری است کسانی وارد شورا شوند که دارای تخصص و نگاه علمی و درستی به مسائل شهری باشند.»

او هم چنین از عدم پاسخ‌گویی سریع و خوب به نقدها و پرسش‌ها و مشکلات شهروندان یزدی می‌گوید و تاکید می‌کند که شورای پنجم باید برای بهبود روابط شورا با مردم شهر فکری جدی بکند.»

شیوا، از فعالان فرهنگی شهر هم می‌گوید: «امیدوارم شورای آتی یزد جلوی ائتلاف بودجه و نیز هزینه‌تراشی‌های بیهوده را بگیرد؛ کاهش بودجه نهادهای فرهنگی که از بودجه شهری استفاده می‌کنند و خروجی آن‌ها برای یزد و مردم مشخص نیست، ضروری است.»

او هم چنین از سوءاستفاده ایدئولوژیک و سیاسی از شهدای جنگ و دفن شهدای گمنام در میدان امیرچخماق و برگزاری دعای کمیل و دعای ندبه در آن، به شدت انتقاد می‌کند.

رامین که کارشناس حسابداری است نیز می‌گوید: «آیا داوطلبان شورای شهر چیزی از گزارش تفریغ بودجه شهرداری می‌دانند؟ آیا می‌دانید چگونه ممکن است در شهرداری‌ها مناقصه‌ها را ترک کرد بدون آن‌که جایی در بند گزارش حسابرسی آورده شود؟!»

او می‌پرسد: «چند نفر از اعضای شورای فعلی تخصص مالی و حسابرسی دارند؟» به نظر رامین: «شورا باید ترکیبی از افراد متخصص در حوزه‌هایی نظیر شهرسازی، حقوق، حسابداری، مدیریت، فضای سبز و منابع طبیعی باشد.»

وی البته به تلخی اضافه می‌کند: «تا وقتی که تعصب باندی و گروهی و قومی و قبیله‌ای بر انتخاب تخصصی غلبه دارد، وضع همین طور خواهد بود.»

محمدرضا، دیگر شهروند یزدی، کارشناس ارشد مدیریت دارد؛ او معتقد است که «نداشتن

استراتژی جامع برای آینده شهر و اتخاذ تصمیم‌هایی که برآیند آن‌ها صفر است در شورای قبلی محسوس بوده و باید کوشید شورای پنجم به آن دچار نشود.» وی تاکید می‌کند که «مشکلات یزد به خصوص در حوزه ترافیک، قابل تکذیب نیست.»

او از اینکه یزد یک شهر بازی «به روز» و مدرن و در خور شهروندان یزدی ندارد، ابراز تأسف می‌کند و می‌افزاید: «کاملاً مشخص است که طرح جامعی در خصوص زیباسازی شهر وجود ندارد. مثلاً در میدان معلم، پنج المان در کنار هم قرار گرفته است.» وی می‌افزاید: «هزینه المانهای نصب شده در شهر چقدر بوده است؟ مثلاً المان کاروان شتر بلوار جانباز چقدر هزینه برده است؟ اینها پرسش‌های مهمی است که نه فقط شورای بعدی باید آن‌ها را پاسخ دهد بلکه جلوی خطا و اقدام غیرعلمی را هم بگیرد.»

او از اقدام‌های پرایرد شهرداری در حوزه پل سازی (از جمله پل باهنر) یاد می‌کند و از کمبود فضای سبز هم بشدت می‌نالد: «یک مثال: از میدان معلم تا انتهای شهرک دانشگاه امامشهر چقدر فضای سبز داریم؟ این، وضع اسف‌بار را در یزد نشان می‌دهد که شورای آتی باید برای آن تدبیر جدی بیاندیشد.»

خروجی مجموعه این دیدگاه‌ها و نظرات انتقادی، تغییر محتمل ترکیب شورای یزد تا حد امکان است؛ آیا چنین چیزی رخ خواهد داد؟

## مدیران شهری و معضلات فصلی



۲۶۸

شهروند

نویسنده: مهتاب سمیعی

استان: مازندران

شهر: رامسر

چالش‌ها:

• گردشگری

• زیرساخت‌های توریستی

• ضعف مدیریت شهری

«بررسی و شناخت کمبودها، نیازها و نارسایی‌های اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، بهداشتی، اقتصادی و رفاهی حوزه انتخابیه و تهیه طرح‌ها و پیشنهادهای اصلاحی و راه‌حل‌های کاربردی در این زمینه جهت برنامه‌ریزی و ارائه آن به مقامات مسئول ذیربط» یکی از مهم‌ترین کارکردهای نهاد شوراها در ایران است. تعطیلات نوروزی هم یکی از فرصت‌هاست تا بخشی از مشکلات، نیازها، و کمبودها که در مقطعی از سال بیش از بقیه سال بروز پیدا می‌کنند، برجسته شده و نگاهی دوباره به آن انداخته شود.

وقتی مردم یک شهر برای گذران زندگی درآمد ثابتی نداشته باشند و تنها ۶ ماه از سال را بتوانند برای خود درآمدزایی کنند، معضلی پیش می‌آید تحت عنوان «گرانی فصلی» که در ایام تعطیلات از جمله نوروز، هم دامن اهالی شهر را می‌گیرد و هم مسافران را. آیا شورای شهر، شهرداری و ارگان‌های شهری نقشی در رفع نواقص و کمبودها و بهبود امور ندارند؟ آیا اقدامی

که در عمل تأثیرش برای شهروندان ملموس باشد صورت داده‌اند؟

### اقتصاد تک بعدی؟!

شهرهای توریستی بیشتر در آمد خود را در ایام نوروز و تابستان بدست می‌آورند و رونق بازار این شهرها نیمه اول سال است. نبودن ساختارهای زیربنایی برای تولید و ایجاد مشاغل بادوام و غیر فصلی، بسیاری از شهرهای توریستی خطه شمال ایران را تا حدودی تک بعدی کرده است. رامسر هم جزو شهرهایی است که صنعت توریسم در آن حرف اول را می‌زند، بیشتر مردم نیمه از سال را درآمد دارند و نیمه دیگر سال را، به جز اصناف خاص، با درآمد اندکی می‌گذرانند. همین مساله باعث بروز مشکلاتی در زمان تعطیلات می‌شود. گرانی فصلی یکی از مشکلاتی است که در این دوره زمانی بروز چشم‌گیری پیدا می‌کند و ظاهراً تدبیری هم برای کنترل این موضوع صورت نگرفته است. در این ماجرا هم ساکنان شهر ناراضی هستند و هم مسافران و گردشگران.

### جهش قیمت مایحتاج روزانه مردم در ایام عید

مرتضی در بازار میوه و تره بار شهر رامسر که معمولاً شنبه‌ها و یکشنبه‌ها برگزار می‌شود غرفه دار است. او در خصوص این مشکل در ایام تعطیلات می‌گوید: «شغل ما طوری است که مایحتاج روزانه مردم را تأمین می‌کنیم اما متأسفانه آنقدر به خاطر وجود مسافران قیمت‌ها تغییر می‌کند که بومی‌ها به سختی می‌توانند در این ایام خرید کنند.»

مرتضی قیمت بادمجان را مثال می‌آورد و می‌گوید: «بادمجانی که ما تا هفته گذشته کیلویی ۱۵۰۰ تومان می‌فروختیم، الان کیلویی ۵۰۰۰ تومان می‌فروشیم و دلیلش هم این است که در میدان اصلی شهر می‌دانند که فصل گردشگری در رامسر است و بادمجان را کیلویی ۴۲۰۰ به ما می‌فروشند و ما باید برای خودمان هم سود کمی در نظر بگیریم و قیمت گذاری کنیم.»

او ادامه می‌دهد: «این قیمت بالا باعث می‌شوند که ما مشتریان همیشگی خود را از دست بدهیم و فقط مسافران از ما خرید کنند و مشتریان از دست ما ناراحت باشند و حق هم دارند. اگر شهرداری و صنف میوه و تره بار مدیریتی بر روی قضیه قیمت‌ها داشته باشد و قیمت‌های معقولی تعیین شود، برای وقتی که مسافر در شهر است با اصطلاح نه سیخ می‌سوزد نه کباب.»

### می‌خواهند درآمد یکسال را در همین ایام کسب کنند!

در بازار میوه و تره بار با یکی از گردشگران که برای خرید به بازار آمده بود برخورد کردم. خانم داوری که برای تعطیلات نوروزی به رامسر آمده، در این زمینه به من می‌گوید: «به نظرم قیمت‌ها برای بازار میوه در شهرستان خیلی گران است، اینجا موز کیلویی ۷۲۰۰ در صورتی که در شرایط عادی قیمتش اینقدر بالا نیست.»

او با اشاره به اینکه «این‌گونه برداشت می‌شود که می‌خواهند درآمد سالیانه را از گردشگران کسب کنند» می‌گوید: «وقتی در ایام عید به این شهر می‌آییم قیمت میوه و حتی سوغاتی‌هایشان خیلی بالاست، وقتی به یک مغازه صنایع دستی می‌رویم تا خرید کنیم، متوجه می‌شویم که قیمت‌ها دو برابر آن چیزی است که در ایام غیر تعطیل به این شهر می‌آییم.»

خانم داوری با طعنه یادآور می‌شود: «قیمت هر چیزی که در این شهر به توریست‌ها مربوط شود چند برابر می‌شود. اینطوری خرید حتی برای توریست هم سخت می‌شود. ما زمانی که به سفر می‌رویم دلمان می‌خواهد یک سوغات با خود ببریم، ولی وقتی قیمت‌ها را می‌بینیم پشیمان می‌شویم.»

### چاره‌ای نداریم جز بالا بردن قیمت‌ها!

بهزاد در رامسر یک مغازه صنایع دستی دارد. او در خصوص قیمت اجناس می‌گوید: «کاسی ما در رامسر فقط زمانی است که گردشگران به این شهر سفر می‌کنند، در حالت عادی ما هیچ فروشی نداریم.»

برداشت او این است که «امسال قدرت خرید برای همه پایین آمده است» و به همین خاطر «ما مثل همیشه فروش نداریم». بهزاد فصلی بودن درآمد را یکی از دلایل افزایش قیمت‌ها می‌داند و می‌گوید: «وقتی می‌بینیم که فقط ۶ ماه از سال را می‌توانیم برای خود درآمدزایی کنیم، معلوم است که قیمت‌ها را بالا می‌کشیم. مقصر این موضوع هم خودمان هستیم که هیچ وقت از بالا دستی‌ها که همان مسئولین شهری و استانی هستند نخواستیم که فکری به حالمان کنند. آن‌ها که فقط به فکر خودشان هستند بالاخره زندگی‌شان تامین است دیگر!»

### اجاره بهاء برای ویلا و سوئیت، همه ناراضی!

وقتی که وارد رامسر می‌شویم قدم به قدم با تابلوهایی که روی آن نوشته «ویلا، سوئیت اجاره داده می‌شود» مواجه می‌شویم که قیمت اجاره بهای آن‌ها بالاست.

رامین یکی از دکه‌های اجاره ویلا را اداره می‌کند. او در خصوص قیمت‌ها می‌گوید: «قیمت اجاره ویلا معمولی است بالاخره شهری که تمام درآمدش به صنعت توریسم برمی‌گردد باید مردمش در زمانی که توریست‌ها هستند زندگی را تامین کنند.»

او هم می‌گوید که «ما تمام سال امیدمان به تعطیلات و تابستان است که مسافران زیاد شوند و بتوانیم ویلاها و سوئیت‌هایی که به ما سپرده شده یا خودمان اجاره کردیم را به مسافر بدهیم. همیشه هم مسافران می‌گویند که قیمت‌ها چرا بالاست و همیشه ناراضی هستند.»

رامین با بیان اینکه مسافران فکر می‌کنند که همین یکی دو شبی که آنجا می‌خوانند ما تمام هزینه را به جیب می‌زنیم می‌گوید: «اما واقعا اینطور نیست، بالاخره این کار برای ما هزینه‌های جانبی زیادی دارد، بعد از رفتن هر مسافر باید برای مسافر بعدی خانه تمیز باشد، پول آب و برق و گاز به عهده ماست، دیگر چیزی نمی‌ماند.»

او می‌افزاید: «ما هم چاره‌ای نداریم گردش درآمد برابمان فقط در این ایام است و بقیه سال را بی‌کاریم. رامسر شهری نیست که مسئولین به فکر تولید یا انجام کاری باشند تا بتوانیم درآمدزایی کنیم. این شهر فقط بر پاشنه توریست می‌چرخد و ما هم باید زندگی کنیم.»

آقای حشمتی یکی دیگر از توریست‌هاست که در خصوص اجاره بهاء ویلاها یا سوئیت‌ها می‌گوید: «اجاره ویلا و خانه برای مسافران نجومی است. از سفر کردن پشیمان شدیم.» او با دلخوری می‌گوید: «انگار تمام تلاش‌شان را می‌کنند تا بالاخره با همین قیمت مردم را مجاب کنند و مسافر بیچاره که نمی‌تواند زیر باران بیرون بخوابد. تمام درآمد یکسال زندگی‌شان را از مسافران در می‌آورند، این دیگر کارش زرنگی است نه کاسی.»

بنابر گزارش‌ها اجاره بهاء ویلاها در ایام نوروز سال گذشته تا مرز دو میلیون تومان در شب رسیده بود. باید دید این آمارها در سال جاری به کجا رسیده است.

### توریستی بودن یک شهر؛ مثبت یا منفی؟!

بسیاری از این معضلات نیازمند بررسی‌های کارشناسی و ارائه راهکارهای عملی از سوی صاحب‌نظران است که باید در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری‌های مدیران و مسوولین شهری تاثیر مستقیم داشته باشند. توریستی بودن یک شهر مزیت مثبتی برای آن است، اما اگر به نگاهی درست و کارشناسی به آن نگرسته نشود، می‌تواند عاملی برای نارضایتی باشد. آیا

نمایندگانی که به کرسی شورای شهر دل بسته‌اند، نگاه راهبردی به این موضوع دارند؟ آیا وقتی که معضلی تکراری و هر ساله، مانند گرانی فصلی، هم نارضایتی ساکنان و هم نارضایتی مسافران را در پی دارد، نباید در برنامه‌ریزی‌های شهری و منطقه‌ای به توسعه مشاغل بادوام هم فکر کرد؟

اینکه بنا به ظرفیت‌های توریستی یک شهر یا منطقه، به تقویت امکانات صنعت توریست توجه شود، نافی نگاه کلان به تقویت دیگر امکانات و توسعه ابعاد دیگر شهر و منطقه نیست. تصور کنید شهری مانند رامسر، تنها نقطه تکیه‌گاه‌اش درآمدزایی در ایام تعطیلات نبود و در طول سال هم ظرفیت‌ها و ابعاد دیگر آن هم در خدمت اشتغال و درآمدزایی و رفاه ساکنان‌اش قرار داشت. آیا در ایام تعطیلات هم ساکنان و هم مسافران شادتر و راضی‌تر از گذران روزهای خود نبودند؟!

### انتخابات و نقش شوراها

شوراهای شهر و روستا یا به تعبیری، پارلمان‌های محلی، بهترین مکان برای شناخت مشکلات خُرد محلی و شناسایی ظرفیت‌های منطقه برای طرح‌ریزی و برنامه‌ریزی برای بهبود وضعیت است. نزدیکی زمان برگزاری انتخابات شوراهای پنجم به ایام نوروز در عمل فرصتی است برای نگرش دوباره به نواقص و مشکلاتی که به‌طور فصلی بروز پیدا می‌کند، اما بخشی از بدنه شهر و روستا هستند که ساکنان آن همواره با آن دست و پنجه نرم می‌کنند.

تسهیل امکانات برای مسافران نوروزی، یا تقویت ارائه خدمات به شهروندان در طول سال، نظارت و کنترل قیمت‌ها برای جلوگیری و یا محدود کردن جهش نامتناسب قیمت‌ها به‌خصوص مایحتاج روزانه مردم، موضوعاتی هستند که یا به‌طور مستقیم با مدیریت شهری مرتبط هستند و یا غیر مستقیم و در همکاری با دیگر نهادها تأثیرگذاری غیرقابل انکاری دارند. وقتی کارآیی شوراها برای انجام وظایف‌اش، به‌خصوص وظیفه مهم شناسایی کمبودها و نواقص و ارائه طرح‌ها و پیشنهادها برای رفع آن‌ها، بیشتر می‌شود که ترکیب اعضای آن مجموعه متوازی از کارشناسان و متخصصان حوزه‌هایی باشد که با مقولات و معضلات شهری آشنا باشند. درست همین جاست که اهمیت برگزیدن نمایندگان براساس نیازها و ظرفیت‌های شهر برجسته می‌شود. اعضای شورای شهر در هر جایی، گوش و چشم و بازوی شهروندان در جایگاه مدیریت و نظارت بر پیشبرد امور شهری هستند. بی‌تردید، یک شورای شهر با ترکیب متوازن بر اساس نیازهای شهر، هم می‌تواند دریچه شناخت کمبودها و مشکلات شهر و منطقه را گسترده‌تر کند و هم به دلیل داشتن تخصص قادر است از بدنه کارشناسی کارآتری بهره بگیرد و راه‌کارهای واقع بینانه‌ای ارائه دهد و در نهایت نظارت مفیدتری بر اجرای صحیح طرح‌ها داشته باشد. تجربه همین چند دوره شورای شهر به خوبی نشان داده که کم‌توجهی یا بی‌توجهی به این معیارها در عمل نه تنها به بهبود امور نینجامیده، که معضلات و بحران‌ها و کاستی‌های مضاعفی را به شهروندان تحمیل کرده است.

به زودی شاهد جنب و جوش افراد و گروه‌هایی بسیاری خواهیم بود که سودا نشستن بر کرسی شوراهای شهر را دارند. خوب است که هر بار عکسی، پوستر تبلیغاتی، نشست انتخاباتی و یا داوطلب انتخاباتی روبه‌رو شدیم، اول به این موضوع فکر کنیم که آیا این شخص، این لیست و یا این گروه، براساس کارنامه گذشته و یا توانایی‌های فعلی، قادر است باری از دوش شهر بردارد؟ یا قرار است میدانی برای کسب تجربه و عنوانی در رزومه‌کاری‌اش باشد.

## چرا «تکاب» کیسولے از مشکلات شهری است؟



**شورا و شهرداری شهر معادن طلای ایران پاسخ دهند:**

نویسنده: رضا نادری  
استان: آذربایجان غربی  
شهر: تکاب  
چالش‌ها:

- محیط زیست
- آلودگی
- زیرساخت‌های شهری

آفریقای ایران! روستایی به بزرگی یک شهر! اینها عناوینی است که جوانان تکابی برای توصیف وضعیت شهر خود از آن استفاده می‌کنند. ترکیب آفریقای ایران بیش از حد دراماتیک به نظر می‌رسد اما نگاهی به وضعیت این شهر که با جمعیتی حدود هشتاد هزار نفر در جنوبی‌ترین نقطه آذربایجان غربی و در محل ارتباط این استان با استان‌های زنجان و کردستان قرار گرفته، چرایی این نام‌گذاری را آشکار می‌کند.

تکاب با دارا بودن دو معدن بزرگ طلا و ذخیره‌های وسوسه‌انگیز یکصد تن طلا در دل کوه‌هایش، یکی از غنی‌ترین منابع معدنی ایران را دارا است. معدن طلای زره شوران در فاصله ۲۷ کیلومتری و معدن طلای آق‌دره در ۳۰ کیلومتری شهر تکاب واقع شده و نزدیک به ۱۰ سال

است از این معادن طلا و نقره استخراج می‌شود. معدن طلای زره شوران که از نظر ذخیره خاک طلا دار بزرگ‌ترین معدن طلای خاورمیانه به شمار می‌رود، دارای ۷ میلیون تن ذخیره کانسنگ طلا و ۵۰ تن طلای خالص با عیار ۲۴ گرم در تن است. از این معدن تنها در سایت آزمایشگاهی کوچک روزانه ۱۰۵ کیلو طلا و ۵۰ کیلو نقره تولید می‌شود علاوه بر این کارخانه‌ای عظیم در دل کوه‌های تکاب از سال ۸۳ راه‌اندازی شده که زحمت استحصال و فرآوری طلا از معدن طلای آق‌دره را به دوش می‌کشد و با نزدیک به سیصد کارگر سالانه بیش از ۲۰۲ تن طلا از این معدن تولید می‌کند.

اما این تنها طبیعت نیست که چهره بخشنده خود را به تکاب نشان داده است. به لحاظ تاریخی نیز این شهر با دارا بودن آثار باستانی مانند مجموعه تخت سلیمان که یادگار دوران ساسانی و شامل یکی از چهار آتشکده معروف آن دوران است، در موقعیت ممتازی قرار دارد. این مجموعه چهارمین اثر تاریخی و فرهنگی ایران است که به وسیله یونسکو ثبت جهانی شده است. تکاب هم چنین محل بافت یکی از معروف‌ترین صنایع دستی ایران یعنی فرش افشار است. سالانه بیست هزار تخته فرش افشار در این شهر تولید و بیشتر آن به خارج از کشور صادر می‌شود. تا اینجا، پتانسیل‌ها و منابع این شهر نوید یک شهر توسعه یافته را می‌دهد. شهری که از محل درآمدهای ناشی از منابع معدنی، توریسم، و صادرات صنایع دستی نمونه‌ای از توسعه و زندگی‌پذیری برای شهرهای اطراف فراهم کرده، اما حقیقت کاملاً متفاوت است، شهر تکاب در تمام منطقه با عناوینی چون عقب افتادگی، محرومیت، و کمبود و کاستی به یاد آورده می‌شود.

### مشکل چیست؟ تقریباً همه چیز!

یکی از جوانان تحصیل کرده مدیریت شهری، که به عنوان کاندیدا در انتخابات شورای پنج‌م ثبت نام کرده، در پاسخ به این سوال که عمده مشکلات شهری تکاب چیست، می‌گوید: «نبود امکانات رفاهی، ورزشی، فضای سبز شهری، مشکلات مربوط به جاده‌های درون شهری و برون شهری، عدم تخلیه فاضلاب شهری، مشکلات مربوط به طرح ترافیک و حمل و نقل شهری، کمبود عرض پیاده‌روها، سامان‌دهی دست‌فروش‌ها، مسائل مربوط به بهداشت محیط درون شهری، و کمبود امکانات درون پارک‌ها و بوستان‌ها از مهم‌ترین مشکلات شهر تکاب است» وقتی با لحن دوستانه به او می‌گوییم همه مشکلاتی را که یک شهر می‌تواند داشته باشد را ردیف کردی، با لحن جدی جواب می‌دهد، واقعاً این شهر کیسولی از تمام مشکلات شهری است. گفت‌وگو با اهالی شهر، مشکلاتی که حسام به آن‌ها اشاره کرد را ملموس‌تر می‌کند. عباس، کارگر جوانی است که قبلاً در معدن طلای آق‌دره کار می‌کرد و حالا به علت بیماری خانه‌نشین شده (همان معدنی که حکم شلاق کارگرانش سال گذشته خبرساز شد) می‌گوید: محله که ما در آن زندگی می‌کنیم اصلاً جای زندگی نیست. شهر فاقد سیستم فاضلاب است و فاضلاب همین‌طور در کوچه‌ها جاری است. او که هم خود و هم همسرش بیمار هستند می‌گوید علت اصلی بیماری ما همین محیط آلوده است.

در کنار این محیط شهری آلوده، نبود امکانات بهداشتی و درمانی نیز در شهر بیداد می‌کند. افتتاح بیمارستان ۶۴ تخت خوابی این شهر دیگر به داستانی کسل‌کننده تبدیل شده است. بعد از گذشت ده سال از آغاز پروژه این بیمارستان هنوز افتتاح نشده است. نبود امکانات بیمارستانی به ویژه در ترکیب با آمار بالای تصادف در این شهر که ناشی از استاندارد نبودن جاده‌های درون و برون شهری است هر ساله خانواده‌های زیادی را عزادار می‌کند. فاطمه، زنی که پدرش را در یک تصادف مینی‌بوس از دست داده، در این باره می‌گوید: «وقتی پدرم را به همراه بقیه مصدومان به مرکز درمانی منتقل کردند حالش خوب بود، راه می‌رفت و به بقیه

دلداری می‌داد. اما هیچ پزشک متخصصی در شهر نبود و تا رسیدن تیم پزشکی از بوکان و شاهین دژ، پدرم در اثر خونریزی داخلی فوت کرد.» علاوه بر این‌ها، شهروندان تکابی از آسفالت بی‌کیفیت خیابان‌های شهر هم گله‌مند هستند. کمال که راننده خطی است می‌گوید: «در هر شهری ورودی‌های شهر حکم ویتیرین را دارند و مسئولان سعی کنند حداقل این قسمت‌ها را تمیز و زیبا نگه دارند اما ورودی‌های تکاب با انبوه نخاله‌های ساختمانی و میادین آسفالت نشده، بیشتر شبیه میدان جنگ هستند». او البته می‌گوید شورا و شهرداری در سال‌های گذشته اقداماتی برای اصلاح آسفالت‌های شهری انجام دادند اما عبور ماشین‌های سنگین متعلق به معادن آق‌دره و زره‌شوران، سبب تخریب دوباره خیابان‌های شهر شده است.

### آیا مشکل تنها کمبود نقدینگی است؟

برخی از صاحب‌نظران شهر تکاب کمبود نقدینگی را به عنوان ریشه تمام مشکلات مطرح می‌کنند. یکی از معتمدان شهر در این باره می‌نویسد: «آنچه مشهود است اینکه شهرداری به دلیل افزایش هزینه‌ها و انباشت مطالبات و عدم وصول درآمدها و عدم تخصیص اعتبارات در موعد قانونی نفوس‌های آخر را می‌کشد و در این گیرودار شورای شهر و شهردار همدیگر به اهمال یا خدای ناکرده تمرد از قانون متهم می‌کنند که به نظر نگارنده این یک فرافکنی و فرار به جلو است، زیرا تمامی مشکلات و اختلافات شورای شهر و شهرداری به دلیل کمبود نقدینگی و عدم تامین اعتبارهای مصوب در موعد قانونی است». اما به اعتقاد برخی دیگر، مساله فقط کمبود نقدینگی نیست و تبعیض آشکاری در ارائه خدمات به محلات مختلف وجود دارد. کامل حسینی، عضو کمیسیون اجتماعی شورای شهر تکاب در نامه‌ای سرگشاده به شهردار مشکل را این‌گونه توضیح می‌دهد: «در حالی که حجم کار عمرانی در شهر بی‌سابقه بوده مردم هم چنان از عملکرد ناراضی و ناخشنودند آیا به نظر شما دوستان بزرگوار تبعیض و رابطه‌ای عمل کردن یکی از دلایلش نیست. شما اگر در محله‌های شهر بازدید میدانی به عمل آورید و با مردم صحبتی داشته باشید به این مهم خواهید رسید. هم اینکه در هر جایی که آقایان مسئول بخواهند کار انجام می‌شود و هر جایی نخواهند بهانه‌های مختلف برای انجام ندادن پیدا میشود از شکستن بلبرینگ و مشکل فینیشر و از خرابی کارخانه آسفالت و به مرخصی رفتن فلان راننده و... از جمله دلایل توجیهی است تا کار انجام نشود که همه این مسایل به ضعف نظارت و مدیریت بر میگردد».

### شورای جدید و مطالبات انباشته مردم

انتخابات شورای شهر تکاب کمتر از دو ماه برگزار خواهد شد. در مجموع ۷۶ نفر برای رقابت در این انتخابات ثبت نام کرده‌اند که هفت نفر از آن‌ها زن می‌باشند. تعداد کاندیداهای زن اگرچه هنوز بسیار اندک است اما نسبت به دوره قبل که تنها یک زن به عنوان کاندیدا در انتخابات شرکت داشت، پیشرفت قابل توجهی را نشان می‌دهد. از گفته‌های مردم و مشاهدات میدانی می‌توان این واقعیت را نتیجه گرفت که مطالبات شهری در تکاب روی هم انباشته شده است. در کنار محرومیت عینی از امکانات شهری، مقایسه وضعیت شهر با توجه به منابع معدنی و ثروت‌های موجود هم بیش از پیش مردم را آزار می‌دهد. پاسخ‌گویی به این حجم از مطالبات نیازمند شورا و شهرداری است که با شجاعت و سلامت اقتصادی حقوق و عوارض مربوط به شهر را از معادن و کارخانه‌های موجود دریافت کرده و این منابع را بدون تبعیض بین محلات، صرف بهبود وضعیت شهر کنند تا در آینده کسی از تکاب با عنوان آفریقای ایران یاد نکند.

## زلزله مشهد؛ آوار مدیریت شهری



۲۷۵



نویسنده: ماندگاری

استان: خراسان رضوی

شهر: مشهد

چالش‌ها:

- حوادث غیرمترقبه
- ضعف مدیریت بحران
- ضعف مدیریت شهری

مشهد که چهارشنبه گذشته با زلزله شش ریشتری لرزید، کمتر کسی فکر می‌کرد ماجرای ترسناک کش پیدا کند؛ حکایت اما با پس‌لرزه‌های پرتعداد ادامه یافت. ده‌ها پس‌لرزه با شایعاتی که دهان به دهان می‌چرخید و در کانال‌ها و گروه‌های تلگرامی منتشر می‌شد، همراه شد و بر هراس اهالی مشهد اضافه کرد.

دستورالعمل‌ها و توصیه‌های ایمنی و هشدارهای گاه و بی‌گاه برخی مسئولان مرتبط با ماجرا (از جمله رییس سازمان هلال احمر) از یک‌طرف آرامش‌بخش بود و از طرف دیگر، موجب تشدید دل‌نگرانی شهروندان از تکرار حادثه. پس‌لرزه شدید بامداد پنجشنبه گذشته، خیال خیلی از مشهدی‌ها را راحت کرد که چاره‌ای جز خروج از منزل ندارند. این درحالی بود که پیش از آن، ده‌ها هزار و بلکه صدها هزار مشهدی، از خانه‌های خود خارج شده و روانه پارک‌ها و حومه شهر و «زیر سقف آسمان» شده بودند.

## از نمایشگاه بین‌المللی تا حرم امام رضا

زمین‌لرزه شش ریشتری صبح چهارشنبه، از همان آغاز هرج و مرج را در شهر کلید زد. با تعطیلی مدارس و هجوم والدین برای بردن فرزندان خود، موجی از ترافیک به ترافیک بیمار و پرمشکل مشهد دامن زد.

از بازار رضا و خیابان تهران گرفته که مغازه‌دارها و فروشندگان پاساژها راهی خیابان شدند تا احمدآباد و میدان شریعتی و سجاد و خیام و اطراف حرم، همه‌جا، هرکس در خیابان بود، اسیر ترافیک سنگین شد.

ساعات نخستین شوک ترسناک که گذشت، و پس‌لرزه‌ها که با شایعات گره خورد، موج خروج از شهر هم شدت گرفت. خروجی‌های غربی و جنوبی مشهد، و شمالی و شرقی، همه شاهد ترافیک و هرج و مرج شدند. چیزی که نبود و پنهان بود و حتی زیر آوار زلزله، مشخص، فقدان مدیریت بحران توسط مسئولان شهر بود.

برخی مذهبی‌ها و بعضی از آن‌هایی که ماشین نداشتند، روانه حرم امام رضا شدند؛ گروهی روانه باغ وکیل‌آباد؛ بعضی در پارک‌های حاشیه شهر (از جمله بلوار فرودگاه) ساکن شدند؛ عده‌ای در بلوارهای شهر (از جمله بلوار راه‌آهن و بلوار فردوسی و بلوار وکیل‌آباد) زیر سقف آسمان ماندند؛ جماعتی هم روانه نمایشگاه بین‌المللی شدند که دره‌ایش را باز کرده بود تا خلق با چادرهای شخصی و مسافرتی، در سوله‌ها مستقر شوند.

در میان این بلبشو و گریز همگانی و فرار و جابجایی صدها هزار مشهدی، که از عصر چهارشنبه تا بامداد پنجشنبه به طول انجامید، آنچه نبود و مفقود بود، مدیریت شهری بود.

زهرآ، بانوی ۶۰ ساله مشهدی که همراه با سه فرزندش راهی باغ وکیل‌آباد شده بود می‌گوید: «بخشید؛ ولی نمی‌توانید تصور کنید من و فرزندانم چقدر در هوای سرد، برای استفاده از دستشویی عمومی معطل بودیم در صف شلوغ و ازدحام جمعیت. و تازه فهمیدم که چقدر امکانات اولیه و ضروری، کم است.»

فاطمه، دیگر بانوی ۵۵ ساله مشهدی، تجربه مشابهی در نمایشگاه بین‌المللی مشهد دارد؛ او که با همسر و دو فرزندش در چادری شب پنجشنبه را به صبح رسانده‌اند، تاکید می‌کند که تنها امکاناتی که در اختیار آنان قرار گرفته، درهای باز نمایشگاه بوده و «دیگر هیچ».

هم زهرآ و هم فاطمه از ترافیک سنگین و فقدان نیروهای انسانی کافی برای امدادرسانی در وضع بحرانی، انتقاد می‌کنند.

## کار سیاسی شهردار و شورای شهر وسط بحران و زلزله

هرچند اداره کل مدیریت بحران استان خراسان رضوی، زیر نظر استان داری تشکیل می‌شود و دامنه اختیارات و توانایی‌های شورای شهر و شهرداری مشهد در عمل چندان نیست؛ اما این به معنای منتفی شدن نقش مدیران شهری (شورا و شهرداری) نیست.

در ماجرای زلزله اخیر اما ظاهراً خبری از شهردار نبود. کمتر از ۲۴ ساعت طول کشید تا معلوم شود که آقای شهردار برای قرائت پیام ابراهیم ریسی و اعلام نامزدی وی برای انتخابات ریاست جمهوری، روانه نشست سیاسی در تهران شده است.

کمتر کسی از مشهدی‌ها بود که این خبر را شنید و متعجب و متاسف و خشمگین نشد.

بازتاب ماجرا خیلی زود در کانال‌ها و گروه‌های تلگرامی آشکار شد. به عنوان نمونه در یک کانال پرمخاطب تلگرامی محلی مشهد این خبر درج و منتشر شد: «در شرایطی که مردم مشهد ساعاتی بد در شرایط بحرانی زلزله را سپری نمودند و هنوز هم پس‌لرزه‌های آن باقی است، سیدصورت مرتضوی به جای باقی ماندن در شهر و کمک به عادی‌سازی شرایط ترجیح

داد به عنوان نماینده حجت الاسلام رئیسی راهی نشست جمنا شود!»  
 یک کانال تلگرامی دیگر هم محترمانه انتقاد کرد و نوشت: «زلزله در مشهد؛ شهردار مشهد در نشست انتخاباتی تهران! طنز تلخ...»  
 انتقادات اما همه این قدر مودبانه و توأم با طعن و غیرمستقیم، نبود؛ یکی صریح تر نوشت:  
 «اینکه شهردار مشهد نقش سخن گوی حجت الاسلام رئیسی را بازی می کند، نشان می دهد چرا مدتی است مدیریت شهری رها شده و بودجه ها سرگرم سیاسی بازی است.»  
 در نمونه ای مشابه هم، یکی از کانال های تلگرامی مشهد نوشت: «زلزله در مشهد؛ شهردار مشهد در نشست انتخاباتی تهران؛ ما شیفتگان خدمتیم؛ نه تشنگان قدرت.»  
 و نیز در شاهی دیگر، در یک کانال تلگرام آمده بود که «در مسئولیت پذیری سیاسیون موسوم به ارزشی همین بس که شهردار مشهد وسط این آشوب ول کرده رفته تهران واسه سهم گیری های سیاسی.»

در برابر موج انتقادات، شهرداری ناچار به توضیح شد؛ مدیرکل روابط عمومی شهرداری مشهد گفت که شهردار تا صبح پنجشنبه در مشهد بوده و «بعد از اینکه اطمینان حاصل کرد که خطری شهر مشهد را تهدید نمی کند، با اخذ مرخصی از شورای اسلامی شهر، مشهد را به مقصد تهران ترک کرد تا به عنوان معتمد سیاسی برای ساعاتی محدود در جلسه جبهه مردمی نیروهای انقلاب حضور یابد.»

توضیح شهرداری بجای آن که کار را درست کند، موجب واکنش های تندتر شد. بسیاری از کانال های تلگرامی و شهروندان مشهدی پرسیدند که «شهردار مشهد از کجا خبر داشته و اطمینان حاصل کرده که خطری شهر را تهدید نمی کند؟ مگر او علم غیب دارد؟ در چنین شرایط پرخطر و بحرانی، آیا مصالح یک جناح سیاسی به زندگی میلیون ها شهروند مشهدی ارجحیت دارد؟»

حیرت برانگیز آنجا بود که نه تنها هیچ صدای هم دلی از شورای شهر با مردم مشهد بلند نشد و نه تنها هیچ کدام از اعضای شورای شهر مشهد نسبت به رفتار سیاسی و بی مسئولیتی شهردار، انتقاد نکرد، که فراتر، رییس شورای شهر مشهد در مقام دفاع از شهردار به توجیه ماجرا پرداخت.

رییس شورای شهر مشهد با بیان اینکه شهردار برای سفر خود به تهران از شورا مرخصی گرفته، گفت: «شهردار مشهد از همان ابتدا برای تمام سفرهای خود به خارج از شهر با شورای اسلامی شهر هماهنگی کامل داشته است. برای سفر اخیر خود به تهران نیز مرخصی خود را از شورای شهر مشهد دریافت کرده و هیچ مشکلی قانونی در این ارتباط وجود نداشته است. نکته دوم اینکه خوشبختانه در زلزله روز گذشته هیچ آثار تخریبی در شهر مشهد وجود نداشته بلکه کانون این زلزله در ۸۴ کیلومتری شهر مشهد بوده است.»

## انتقاد کنش گران مدنی از شهردار و شورا

توضیحات شهرداری و شورای شهر اما به نظر می رسد که برای خیلی از شهروندان مشهدی قانع کننده، نبوده است.

خسرو از کنش گران مدنی مشهد می گوید: «از ترکیب سیاسی شورای شهر مشهد هیچ انتظاری بیش از این نیست. آقایان اذعان می کنند که در میانه بحران و هراس صدها هزار شهروند، به شهردار مرخصی داده اند تا در نشست های سیاسی حضور پیدا کند. آیا جان و مال مردم مشهد مهم تر بود و هست یا حضور در یک میتینگ انتخاباتی؟»

خسرو اضافه می کند: «توضیح شهردار و رییس شورای شهر مشهد، به جای آن که افکار عمومی

معترض و منتقد را راضی کند، بر تلخی ماجرا اضافه کرد.»

مازیار یکی از دیگر از کنش‌گران مدنی مشهد هم تاکید می‌کند: «این که شهردار مشهد آقای مرتضوی موقع بحران، شهر را رها کنند قبلاً هم سابقه داشته؛ اگر یادتان باشد موقع برف سنگین سه ماه پیش هم شهر را رها کرد و رفت برنامه تبلیغاتی شبکه دو تلویزیون.»

او اضافه می‌کند: «من ساعت‌ها در اطراف شهر و داخل آن چرخیدم؛ از بلوار وکیل آباد تا حرم و از بلوار فرودگاه تا جاده چناران؛ واقعا نبود مدیریت شهری محسوس بود و بهم ریختگی شهر و انسداد معابر شهری آشکار. صف ماشین‌ها برای سوخت پشت پمپ بنزین‌ها باورنکردنی بود؛ همان طوری که شنیدم خیلی از شهروندانی که شب را تا صبح در پارک‌ها و بلوارها به صبح رسانده بودند، از کمبود آب آشامیدنی و دستشویی، که چیزهایی ساده و اولیه است، ناراضی شده‌اند؛ ظاهراً هیچ کسی هم پاسخ‌گوی این وضع نبوده و نیست.»

مجید، مهندس راه و ساختمان است و سابقه همکاری با شهرداری مشهد را در کارنامه دارد؛ او می‌گوید: «هر مشهدی‌ای که می‌خواهد بداند رای او در انتخابات شورای شهر چقدر بر سرنوشتش موثر است می‌تواند ببیند الان که در بحران، شهردار شهرش کجاست؟»

او اضافه می‌کند: «حقیقتاً در این شورای شهر مشهد یک نفر نبود شهردار را به خاطر این بی‌مسئولیتی بازخواست کند؟ صرف مرخصی گرفتن او کافی است؟»

هر سه آن‌ها، ابراز امیدواری می‌کنند که با حضور فعال اکثریت بی‌تفاوت مشهدی‌ها در انتخابات آتی شوراها، ترکیب شورا از حالت سیاسی خارج شود و در اختیار افرادی قرار گیرد که دغدغه توسعه انسانی و پایدار مشهد را دارند و به مدیریت شهری از پشت عینک سیاسی نگاه نمی‌کنند؛ بلکه رویکردی تخصصی و علمی به مشکلات دارند و دارای سابقه مدیریت هستند.

## ضرورت تغییر اولویت شورا و شهرداری سقز



نویسنده: رژان حشمتی

استان: کردستان

شهر: سقز

چالش‌ها:

- حاشیه‌نشینی

- فقر

- ضعف مدیریت شهری

انتخابات شورای پنجم در سقز با کاندیداتوری ۱۱۸ نفر عملاً کلید خورده و حال و هوای شهر کم‌کم انتخاباتی می‌شود. یکی از ویژگی‌های جالب و تأمل‌برانگیز رفتار انتخاباتی مردم شهرستان سقز در سال‌های اخیر، افزایش مشارکت آن‌ها در انتخابات و افزایش علاقه آن‌ها به سازوکار انتخابات است. در آخرین انتخابات مجلس حدود هفتاد درصد مردم این شهرستان در انتخابات شرکت کرده و نامزد پیروز را با بیش از ۵۸ هزار رأی روانه مجلس کردند. به نظر می‌رسد مردم این شهرستان با وجود آگاهی از محدودیت‌ها و مشکلات ساختاری نهاد انتخابات در ایران، به این نتیجه رسیده‌اند که می‌توان از این سازوکار برای ایجاد تغییرات مثبت استفاده کرد. این بلوغ سیاسی، وظیفه منتخبان آینده شورای شهر را در ارائه خدمات به مردم این شهر دوچندان می‌کند. در این شرایط بررسی مشکلات و مطالبات مردم سقز، می‌تواند اولویت‌های این شهر، را نمایان سازد.

### حاشیه‌نشینی و چرخه فقر و محرومیت

شهرستان سقزی یکی از قدیمی‌ترین سکونت‌گاه‌های استان کردستان و حتی غرب ایران است. سابقه طولانی سکونت و کسب و کار در مرکز شهر از یک سو و عدم نوسازی بافت‌های این قسمت در سالیان متمادی از سوی دیگر، سبب شده است که سقزی یکی از بیشترین بافت‌های فرسوده را در استان دارا باشد. از مجموع ۳۰ هکتار مساحت کل شهرستان سقز ۱۰ درصد آن بافت فرسوده محسوب می‌شود. این درصد شاید زیاد به نظر نرسد اما تمرکز بافت‌های فرسوده در مرکز شهر آن را به مشکلی مهم تبدیل کرده است. به طور طبیعی با فرسوده شدن مراکز شهرها و بالا بودن هزینه نوسازی مردم به حومه‌نشینی روی می‌آورند. حومه شهرها اغلب مکان‌هایی دلپذیر برای زندگی هستند اما این مساله، در مورد سقز صادق نیست. در حقیقت، به جای حومه‌نشینی در سقز، ما با حاشیه‌نشینی روبرو هستیم. بنا به گفته معاون فنی و عمرانی فرمانداری سقز هم اکنون هشت محله حاشیه‌نشین در سقز وجود دارد که ۲۱ درصد جمعیت این شهر را در خود جای داده است. هر چند مسئولان شهری از بهبود مداوم وضعیت مردم در این محلات می‌گویند، اما گفته‌های مردم واقعیات دیگری را نشان می‌دهد. فرهاد، معلم جوانی که ساکن محله قوخ است می‌گوید: «محله قوخ از سال ۱۳۸۷ به محدوده شهری سقز اضافه شد اما هنوز با آن مثل یک روستا برخورد می‌شود. این محله از مشکلات عدیده‌ای از جمله کمبود آب آشامیدنی رنج می‌برد.» فرهاد در این باره می‌گوید: «لوله آب رسانی قوخ در ابتدا روستایی و کم‌اینچ بوده، در حالی که در ۱۵ سال اخیر جمعیت آن چندین برابر شده، ولی همان لوله‌کشی روستایی باقی مانده است. لذا در تابستان‌ها، سرجمع در شبانه روز ۲ ساعت بیشتر آب نداریم.» او هم چنین از آسفالت نبودن کوچه‌ها و معابر گله دارد و می‌گوید: «مسئولین حتی در دوران انتخابات برای نمایش هم که شده تلاشی برای حل مشکلات ما نمی‌کنند.»

### وضعیت در محله تازه آباد به مراتب بدتر است

محله تازه آباد که تنها سکونت‌گاه شهری سقز است که از مادرشهر جدا افتاده، از نبود حداقل امکانات زندگی شهری رنج می‌برد. با وجود سکونت ۱۳۰۰ خانوار در این محله هیچ خانه بهداشت یا مرکز درمانی وجود ندارد، این در حالی است که نبود آب آشامیدنی سالم و سیستم فاضلاب، نیاز به خدمات درمانی را برای مردم بیشتر کرده است. نسرين از اهالی تازه آباد با اشاره به نبود سامانه لوله‌کشی و آب بهداشتی شهری می‌گوید: «به دلیل استفاده خانواده‌ها از آب‌های غیربهداشتی، گاه شاهد شیوع بیماری‌های عفونی و واگیر در این محله هستیم.» او با اشاره به این که به دلیل آلودگی به بچه‌هایش اجازه بازی در کوچه را نمی‌دهد و آن‌ها تمام وقت در خانه می‌مانند، می‌گوید: «پرشدن چاه‌های فاضلاب سبب ایجاد باتلاق‌های بدبو و آلوده به انواع جانور و حشرات در این محله شده، که سلامت مردم را به خطر می‌اندازد.» یک دیگری از اهالی تازه آباد نیز با بیان اینکه قبلا از سوی اداره برق به حدود هزار خانواده در تازه‌آباد انشعاب برق واگذار شده، می‌گوید: «هنوز حدود ۳۰۰ خانوار دیگر از برق بی‌بهره‌اند و در این زمینه مشکلاتی وجود دارد.» محمد با اشاره به انشعاب‌های غیرمجاز موجود برق در این محله ادامه می‌دهد: «این تعداد خانواده که از برق بی‌بهره‌اند، برای تأمین انرژی مورد نیاز خود، از طریق کابل‌هایی از خانه‌های مجاور، برق‌رسانی کرده‌اند که این موضوع، مشکلات فراوانی مانند تحمیل هزینه بیشتر، غیراستاندارد بودن و خطر آتش سوزی را برای اهالی و ساکنان محله محروم تازه‌آباد ایجاد کرده است.»

### فعالین اجتماعی چه می‌گویند؟

نادر که یک فعال اجتماعی ساکن سقز است درباره مشکلات حاشیه‌نشینان به نکات جالبی اشاره می‌کند. او می‌گوید: «ساکنان این مناطق به لحاظ اقتصادی فقیر و بی‌بضاعت بوده و نبود امکانات بهداشتی و آموزشی هزینه مضاعفی را به آن‌ها تحمیل می‌کند. بیماری مداوم اعضای خانواده، علاوه بر تحمیل هزینه‌های گزاف عمل‌های اعضای فعال خانواده را برای مدتی از چرخه کار و کسب درآمد خارج کرده و بر فقر آن‌ها می‌افزاید. در دسترس نبودن امکانات آموزشی نیز امکان ادامه تحصیل کودکان را محدود کرده و فرصت ترقی اجتماعی را از آن‌ها می‌گیرد. به این ترتیب عدم رسیدگی به مشکلات مناطق حاشیه‌نشین به وسیله شورا و شهرداری در حقیقت به مشارکت در تولید فقر در میان ساکنان این مناطق منجر شده است.»

### ارزیابی مردم از شورا و شهرداری سقز

در ارزیابی عملکرد شورا و شهرداری، عبدالله شهروندی که ساکن محله گولان است می‌گوید: «والله سقز تو استان معروف شده به داشتن مجموعه پارک‌های توریستی (البته بیشتر توریست‌ها از دیواندره و تکاب و بانه هستند)، هر دوره شورا و شهرداری عوض می‌شه یک پارک جدید می‌سازند و فکر کنم از نظر سرانه فضای سبز در استان وضعیت مناسبی داشته باشه.» رسول هم که دانشجوی دانشگاه پیام نور است می‌گوید: «در این دوره مهم‌ترین کار شورا و شهرداری ساختن زیرگذر میدان آزادی و تبدیل آن به یکی از بزرگ‌ترین مجتمع‌های تجاری شهر بود.» او ادامه می‌دهد: «فکر می‌کنم در این کار بیشتر منافع شرکای تجاری مهم بود تا رفاه مردم.» رسول هم چنین به تمرکز پست‌های مدیریتی در دست اعضای یک خانواده انتقاد دارد. او می‌گوید: «برادران نعمانی مقام‌های شهردار و رئیس نظام مهندسی شهر سقز را بر عهده دارند و رئیس نظام مهندسی عضو شورای شهر هم هست. او با لحنی شوخی برادران نعمانی را با برادران لاریجانی مقایسه کرده و ادامه می‌دهد: «البته من چیزی درباره فساد اقتصادی آن‌ها شنیده‌ام اما آیا غیر از خانواده نعمانی، فرد شایسته دیگری در شهر وجود ندارد؟»

در مجموع، از گفته‌های شهروندان و فعالین اجتماعی چنین برمی‌آید که مشکلات حاشیه‌نشینان سقزی چندان در دستور کار شورا و شهرداری موجود قرار نداشته و تلاش‌ها و موفقیت‌های آنان بیشتر معطوف به گسترش فضای‌های تجاری و تفریحی در مناطق به نسبت برخوردار شهر بوده است. این رویکرد نه تنها در تضاد با عدالت و حق همگانی بر شهر قرار دارد بلکه با توسعه پایدار هم، همخوان نیست. بنابراین به نظر می‌رسد در این دوره سقز به شورای شهر و شهرداری نیاز دارد که با تغییر اولویت‌های خود، مسائل و مشکلات حاشیه‌نشینان این شهر را در مرکز توجه قرار دهد.

## اهواز آماده انتخابات شوراهانیست



### ناکارآمدی شورای چهارم و فساد در شهرداری

نویسنده: میری  
استان: خوزستان  
شهر: اهواز  
چالش‌ها:

- ناکارآمدی شورای شهر
- سیاسی‌کاری شورا
- فساد در شورا و شهرداری

با اطمینان می‌شود گفت که در فاصله کمتر از یک ماه و نیم تا انتخابات شوراهای پنجم، بحث شوراهای اهواز زیر سایه دو موضوع و تحت‌الشعاع دو مقوله است: اول، کارنامه ضعیف شورای چهارم و دوم، بازداشت شماری از مدیران شهرداری و شایعه بازداشت محتمل برخی اعضای شورای شهر اهواز.

در شهری که مطابق نتایج سرشماری اخیر مرکز آمار ایران، افزون بر یک میلیون و ۳۰۰ هزار نفر جمعیت دارد، متأسفانه هنوز که هنوز است، نه یک پارک درخور شهروندان برای استراحت و تفریح وجود دارد و نه خیابانی با حداقل استانداردها؛ و این درحالی است که اهوازی‌ها باید برای افتتاح یک پروژه ساده زیرگذر چند سال منتظر بمانند.

شورای شهری که اکثریت آن در اختیار اصول‌گرایان بود و افرادی که خود را مستقل می‌دانستند، متأسفانه کارنامه ضعیفی از خود بجای گذاشته‌اند؛ کارنامه‌ای که در انتهای سال گذشته (۱۳۹۵) ختم شد به خبرتاسف‌بار دیگری در رابطه با بازداشت برخی مدیران شهرداری. شهردار منطقه ۲، مدیر امور اداری شهرداری اهواز و مدیرعامل سازمان پسماند در میان بازداشت‌شدگان بودند؛ اتفاقی که به اعتماد و نگاه اهالی اهواز به شورا بیش از گذشته آسیب رساند.

### عاقبت ناگوار شورای چهارم اهواز

حمید، از کنش‌گران مدنی اهواز که با یکی از شرکت‌های پیمانکار شهرداری همکاری می‌کند، معتقد است که «عاقبت تلخ شورای چهارم اهواز و بعضی از اعضای آن، بر رغبت و انگیزه مردم در حضور فعال در انتخابات آتی اثر منفی خواهد داشت.» او تأکید می‌کند که «کارنامه ضعیف اعضای شورای چهارم و شهردار منتخب آن‌ها که باعث رکود شدید درآمد و حیف و میل‌های مختلف در سطح شهرداری شد، ضمن اینکه تخلفات متعدد در پروژه‌ها و هم‌چنین بحث استخدام‌های غیرقانونی و افزایش بی‌دلیل شمار کارمندان و به تعویق افتادن پرداخت حقوق و مزایا و نیز مطالبات شرکت‌های پیمانکاری، تصویر بد و ضعیفی از شورای چهارم اهواز برای شهروندان ثبت کرده است.» وی هم‌چنین به اختلال‌هایی که بعضی اعضای شورا در عملکرد مدیریت شهری و شهرداری ایجاد کردند، اشاره می‌کند و می‌گوید: «متأسفانه برخی اعضا که از حامیان دولت قبلی بودند، هم‌چنان به اولویت‌های سیاسی و پروژه‌های جناحی خود اولویت می‌دهند و به بهبود وضع زندگی شهروندان فکر نمی‌کنند. نتیجه این روش و اقدام آن‌ها، اتلاف وقت و سرمایه است و البته، نزول جایگاه شورا تا حد مکانی برای نزاع سیاسی.»

### بدون انباشت تجربه

تورج، کارشناس ارشد جامعه‌شناسی و از فعالان مدنی و سیاسی قدیمی اهواز معتقد است که با وجود سپری شدن چهار دوره شورا، هنوز انباشت تجربه لازم در این نهاد مهم مدنی صورت نگرفته است.

او به تکرار اشتباهات و تخلفات و کاستی‌ها در دوره چهارم، با وجود تجربه سه دوره قبل شورا اشاره می‌کند و می‌افزاید: «اهواز یک کلان‌شهر محسوب می‌شد اما متأسفانه عدم انسجام و نهادینه نشدن کار گروهی در میان اعضای شورا، و غلبه باندبازی و گروه‌گرایی و ترجیح منافع شخصی یا سیاسی جناحی بر مصالح و اولویت‌های شهر و شهروندان، باعث شده که کارنامه شورا مطلوب نباشد.»

او می‌پرسد: «این خیلی مهم است که بدانیم چرا با وجود بودجه افزون بر ۱۳۰۰ میلیارد تومانی شهرداری اهواز، شهروندان مایه‌آزای خوبی را مشاهده نکرده‌اند.»

وی به پروژه روگذر چهارشیر و سرعت پایین پیشرفت آن اشاره می‌کند و می‌گوید: «متأسفانه نه مسئولان پاسخ‌گو هستند و نه پرسشگری جدی از سوی شهروندان مشاهده می‌شود.»

وی از این‌که نوعی «مسئولیت‌گریزی» در شهروندان اهوازی هم گسترش یافته و «مطالبه‌گری» کم شده است، انتقاد می‌کند و می‌گوید: «من در پی ریشه‌یابی این واقعیت‌ها نیستم؛ اما هرچه باشد، نتیجه این وضع، سوءاستفاده افراد یا باندها از قدرت و امکانات در اختیار است و اتلاف سرمایه و نهادی به نام شورا.»

### ضعف بیش از دو سوم اعضای شورای چهارم

ملیحه دکترای مدیریت دارد و مدرس دانشگاه است؛ او می‌گوید که «با اطمینان می‌توانم بگویم که بیش از دو سوم اعضای شورای چهارم اهواز، کارنامه‌ای ضعیف داشته‌اند و ناکارآمد نشان داده‌اند. آن‌ها فاقد نگاه استراتژیک و نیز بدون برنامه میان‌مدت و درازمدت هستند.»

وی از این‌که انتخاب‌های قومی و قبیله‌ای و یا باندی و سیاسی منجر به تشکیل چنین شورایی شده، انتقاد می‌کند و می‌افزاید: «نباید مردم به نامزدهایی که بدون برنامه هستند، رأی بدهند؛ صرف شعارهای جذاب و بدون پشتوانه تخصصی و امکان اجرایی شدن، نباید موجب رأی‌آوری شود.»

او هم چنین با اشاره به بودجه خوبی که در اختیار شورا و شهرداری اهواز بوده، می‌گوید: «به خروجی شورا و شهرداری نگاه کنید و آن را با برخی شهرهای بزرگ کشور مقایسه کنید؛ نتیجه واقعا ناامیدکننده است. عدم بهره‌وری از نیروی انسانی مجرب و برنامه‌محور در پست‌های مدیریتی اهواز کاملاً محسوس است.»

ملیحه به یک مورد جدید اشاره می‌کند: کلنگ‌زنی کمربندی غرب اهواز؛ او می‌گوید: «این کمربندی، پروژه جدید است؛ اما تا جایی که خبر دارم قرار است از زمین چمن و پیست اسب سواری عبور کند. آیا این درست است و مطابق لوازم توسعه پایدار که زمین ورزشی برای تاسیس جاده خراب شود؟ آن هم در شهری مثل اهواز که امکانات این‌چنینی کم دارد.»

### شورا نباید یک‌دست باشد

توفیق، از فعالان مدنی اهواز که معلم است به نکته مهم دیگری اشاره می‌کند؛ او معتقد است که «تنوع قومیتی در خوزستان و نیز اهواز وجود دارد. اگر این واقعیت خودش را در شورا و نهادهایی مانند شورا و نیز در سطوح مدیریتی شهر بازتاب ندهد، نتیجه خوبی را شاهد نخواهیم بود.»

وی اضافه می‌کند: «بالاخره بدون هم‌دلی و همکاری شهروندان، پروژه‌ها خوب پیش نخواهد رفت. و این منوط به این است که مردم احساس کنند بین آن‌ها و مدیران، شکافی وجود ندارد و منتخبان آن‌ها در شورای شهر یا بازوی اجرایی آن، شهرداری، حضور دارند.»

به باور توفیق: «شورا نباید حالت یک‌دست داشته باشد؛ چه از جهت سیاسی، چه از جهت جنسیتی، و چه از جهت قومیتی.» هرچند که او تأکید می‌کند: «اولویت با تخصص و توان مدیریت شهری و نیز پتانسیل کار جمعی و نگاه درازمدت و داشتن برنامه است.»

### تقلیل اعضای شورا از ۲۱ نفر به ۱۳ نفر

رضا، فعال فرهنگی و رسانه‌ای اهوازی با اشاره به کاهش تعداد اعضای شورای شهر اهواز از ۲۱ نفر به ۱۳ نفر در دوره آتی، می‌گوید: «این اتفاق می‌تواند عوارضی دربرداشته باشد و با بی‌حاشیه باشد. اگر انتخاب خوبی توسط مردم صورت نگیرد، شورای پنج‌م می‌تواند برای ۱۳ عضو، امکانی مساعدتر برای سوءاستفاده باشد. اما اگر انتخاب درست و خوبی صورت بگیرد، تقلیل تعداد اعضای شورا، مهم نخواهد بود و تاثیری بر کارنامه شورا و عملکرد آن نخواهد داشت. بهمانند که ممکن است ائتلاف وقت و حاشیه‌های شورا را کمتر کند و روند اتخاذ تصمیم را سریع‌تر کند.»

او با تأکید بر این نکته که «شورای چهارم اهواز از ضعیف‌ترین شوراهای شهر بوده» می‌گوید: «کارنامه شورای چهارم قابل دفاع نیست و تغییر مثبت مهمی را در اهواز در چهار سال گذشته شاهد نبوده‌ایم. اما این به معنای آن نیست که هر ترکیب دیگری، بهتر از این شورا خواهد بود.»

وی هم چنین از این که شورا به رسانه ها و طبیعتا به جامعه پاسخگو نبوده، انتقاد می کند. قریب به اتفاق مطلعان و شهروندان پیگیر شورا در اهواز، با نگرانی به انتخابات شورای پنجم این شهر نگاه می کنند. آن ها امیدوارند که شهروندان دلزده از کارنامه شورای چهارم، میدان رقابت را به نامزدهای فاقد تخصص و برنامه و توان برای اداره شهر، واگذار نکنند؛ نامزدهایی که فقط با شعار و وعده های غیرقابل تحقق، وارد گود انتخابات می شوند و هدفی جز نشستن بر کرسی شورا و کامیابی شخصی یا گروهی ندارند.

## وظیفه شورا در قبال مدارس زندان گونه شهر بهارستان



نویسنده: سعید دهقانی

استان: تهران

شهر: بهارستان

چالش‌ها:

• مدارس

• زیرساخت‌های شهری

• فساد

اگر از بازارهای پر زرق و برق میل و موبایل یافت آباد، که در یک دهه گذشته مثل قارچ از زمین سر بلند کرده‌اند عبور کنید، وارد جاده ساوه می‌شوید. جاده‌ای که از قلب شهرستان‌های جنوب تهران عبور کرده و چهار دانگه و اسلام شهر را به شهرستان بهارستان وصل می‌کند. بهارستان یکی از آخرین نتایج تقسیمات شهری استان تهران است که از سه شهر نسیم شهر (اکبرآباد)، گلستان، و صالحیه تشکیل شده است.

این مناطق بیش از هر چیز با شورش‌های شهری اوایل دهه هفتاد به یاد آورده می‌شوند. این شورش‌ها به بهانه اعتراض به افزایش کرایه تاکسی‌ها و در حقیقت به علت فشار ناشی از مشکلات حاشیه‌نشینی آغاز و دامنه آن تا جنوب تهران کشیده شد. در روزگاری که اینترنت وجود نداشت و روزنامه‌ها اجازه فعالیت مستقل نداشتند، سرکوب خونین این شورش به دست قرارگاه ثارالله، تقریباً بی‌سروصدا انجام شد و از آن پس، این مناطق به جولانگاه و یکی

از مراکز فعالیت نیروهای سپاه و بسیج و نهادهای فرهنگی و مذهبی وابسته به آن‌ها در استان تهران تبدیل شده است.

بیشتر جمعیت ۷۰۰ هزار نفری این شهرستان مهاجر هستند. آن‌ها عمدتاً از شهرها و روستاهای آذربایجان، اردبیل، زنجان و همدان به امید یک زندگی بهتر به اینجا مهاجرت کرده‌اند. اما امید بسیاری از آن‌ها ناامید شده است. رکود اقتصادی در سال‌های اخیر، باعث بی‌کاری بسیاری از ساکنان این شهر شده به طوری که اغلب آن‌ها به شغل‌هایی مانند مسافرکشی و دست‌فروشی روی آورده‌اند. مشاهدات میدانی واقعیات این شهر را بسیار بهتر از آمارهای دولتی نشان می‌دهد: اگر کنار جاده ساوه منتظر ماشین بایستید به طور هم‌زمان چند نفر برای شما توقف می‌کنند: همه مسافرکش شده‌اند.

### اینجا جایی برای کودکان نیست!

بهارستان مانند بیشتر شهرستان‌های جنوب تهران از بحران حاشیه‌نشینی و کمبود امکانات شهری رنج می‌برد. تنها اشاره به این نمونه که شهرستان ۷۰۰ هزار نفری بهارستان، تنها دارای یک بیمارستان است که آن هم سال پیش افتتاح شد، عمق فاجعه را نشان می‌دهد. اما مشکلی که بهارستان را از شهرهای دیگر متمایز می‌کند وضعیت اسفناک مدارس این شهرستان است. وضعیتی که زندگی هزاران دانش‌آموز این مناطق را تحت تأثیر قرار داده است. بسیاری از مردم این شهر امید خود را برای زندگی بهتر از دست داده و تنها به آینده فرزندان‌شان فکر می‌کنند اما نگاهی به وضعیت فاجعه بار مدارس این شهرستان جایی برای امیدواری باقی نمی‌گذارد.

### مدارسی که شبیه زندان هستند

بنا به آمار، بهارستان دارای ۲۶۲ مدرسه است که به هیچ وجه جواب‌گوی جمعیت رو به افزایش آن نیست. این منطقه از نظر تعداد دانش‌آموزان در یک کلاس بالاترین تراکم را در کشور دارد. اما حتی این تراکم بالا هم مشکل کمبود فضاهایی آموزشی را حل نکرده، به طوری که بسیاری از مدیران مدارس این شهرستان، کتابخانه‌ها، سالن اجتماعات، کارگاه‌ها، آزمایشگاه‌ها و برخی حتی نمازخانه‌هایشان را با کمدهای فرسوده انباری‌ها، نصف کرده و به کلاس درس تبدیل کرده‌اند.

معاون پرورشی یکی از مدارس قلعه میر می‌گوید: «کلاس‌های درس ما بیشتر به زندان شبیه هستند و دانش‌آموزان در آن‌ها نفس تنگی می‌گیرند، با این اوضاع نمی‌توان انتظار بازده زیادی از مدارس داشت.» حسین هم که در یکی از مدارس سه راه آدران تدریس می‌کند، در این باره می‌گوید: «از یک طرف تقریباً تمام مدارس این منطقه دوشیفته هستند و از طرف دیگر تعداد دانش‌آموزان در هر کلاس بین ۳۵ تا ۴۰ نفر است. این تراکم عملاً امکان تدریس را از معلمان گرفته و ما در کلاس فقط مبصری می‌کنیم.» به عقیده او مسئولان برای جبران کمبود نیرو و مدرسه به جای ساختن مدارس و استخدام معلمان جدید، هر سال تراکم دانش‌آموزان را در کلاس‌ها بالا می‌برند.

یکی از مدیران مدارس متوسطه اول مدارس سلطان آباد با تایید مشکل تراکم بالای دانش‌آموزان به ابعاد دیگری از فاجعه اشاره می‌کند. او می‌گوید: «سرانه دولت برای مدرسه ۴۰۰ نفری ما ۹۰۰ هزار تومان بوده و این در حالی است که فقط هزینه تعمیر شوفازخانه برای ما پنج میلیون تومان تمام شد.» او در پاسخ به این پرسش که هزینه‌ها را چگونه تأمین می‌کنید، می‌گوید: «مجبوریم از دانش‌آموزان پول بگیریم و این کار خیلی سختی است چون از یک طرف

صدا و سیما هر روز تبلیغ می‌کند که مدارس حق گرفتن کمک به مدرسه از دانش آموزان را ندارند از طرف دیگر ما حتی پول کافی برای خرید برگه‌های امتحانی را هم نداریم.»

کلاس‌های درس در مدارس بهارستان نه تنها از هیچ امکانات جدید آموزشی بهره‌مند نیستند بلکه حتی میز و صندلی مناسبی هم برای دانش آموزان ندارند. جواد که در مدرسه راهنمایی شهید بختیاری در قلعه میر درس می‌خواند، در این باره می‌گوید: «همه ما روی نیمکت‌های سه نفره می‌نشینیم، خیلی سخت است. ما بزرگ هستیم و توی نیمکت‌ها جا نمی‌شویم، اغلب دستمان به هم می‌خورد و نوشته‌هایمان خط می‌افتد یا اینکه وسیله‌هایمان روی میز جا نمی‌شود و به روی زمین می‌افتد.» او با اشاره به این که برای ۵۰۰ دانش آموز مدرسه تنها چهار سرویس بهداشتی وجود دارد، می‌گوید: «زنگ تفریح برای رفتن به دستشویی دعوا می‌شود و خیلی‌ها سر این با هم کتک‌کاری می‌کنند.»

### بیرون از مدرسه چه می‌گذرد؟

وضعیت فاجعه بار شهرستان بهارستان برای دانش آموزان تنها به کلاس‌های شلوغ و تنگ و تاریک محدود نمی‌شود. اغلب مدارس این شهرستان در مکان‌هایی واقع شده‌اند که هم به لحاظ بهداشتی و هم اجتماعی آلوده و جرم خیز بوده و به هیچ عنوان برای یک مکان آموزشی مناسب نیستند. دبیرستان‌های امام حسین و شریعتی، تنها نمونه‌هایی برای این مشکل هستند.

دبیرستان امام حسین در سه راه آدران و در یکی از شلوغ‌ترین و آلوده‌ترین مناطق شهر واقع شده است. یکی از معلمان این دبیرستان در توصیف این منطقه می‌گوید: «مدرسه ما به وسیله زمین‌های خاکی که پر از نخاله‌های ساختمانی و زباله است احاطه شده. دانش آموزان بعد از عبور از این زمین‌ها به سه راه آدران می‌رسند که بسیار شلوغ و بی‌نظم است و خطر تصادف وجود دارد. سه راه آدران همین طور پاتوق اوباش منطقه هم هست و دانش آموزان اغلب از آن‌ها الفاظ رکیکی یاد می‌گیرند.»

سعید هم که اهل کردستان است و به عنوان نیروی انتقال موقت در این مدرسه تدریس می‌کند، می‌گوید: «بیشتر معلمان از وضع تربیتی دانش آموزان ناله می‌کنند اما با اوضاعی که این منطقه دارد من به دانش آموزان حق می‌دهم. الگوی آن‌ها در این منطقه بزهکاران و فروشندگان مواد مخدر هستند.»

دبیرستان شریعتی هم که در سلطان آباد واقع شده از این نظر وضع بدتری دارد. این مدرسه در انتهای یکی از کوچه‌های خیابان سی متری و درست کنار رودخانه فصلی قلعه میر ساخته شده است. این رودخانه به گفته مردم محلی، یکی از آلوده‌ترین رودخانه‌های کل منطقه است. انبوهی از زباله و فاضلاب درست پشت دیوار مدرسه در این رودخانه روی هم تلنبار شده که دیدن آن هر ناظری را به تاسف وامی‌دارد.

یکی از والدین دانش آموزان این مدرسه می‌گوید: «با توجه به این که این رودخانه به محل انتقال فاضلاب خانگی و صنعتی تبدیل شده، به دلیل آلودگی سمی جان شهروندان به ویژه کودکانی که هر روز از کنار این رودخانه رد می‌شوند در خطر است.» او ادامه می‌دهد: «به دلیل رشد آلودگی، رودخانه، قلعه میر عملاً تبدیل به زیستگاه موجودات موزی از جمله موش‌های چند کیلویی شده که حتی گربه‌ها نیز از دست این موش‌ها فراری می‌شوند.»

سجاد هم که در دبیرستان شریعتی تدریس می‌کند، با انتقاد از عدم رسیدگی مسئولان به این مشکل می‌گوید: «به محض این که هوا کمی گرم می‌شود دیگر نمی‌توانیم پنجره کلاس‌ها را باز کنیم، چون بوی تعفن تمام کلاس را فرا می‌گیرد.»

### چه کاری از شورا و شهرداری برمی آید؟

یکی از اقدامات مثبت شهرداری های مناطق مختلف بهارستان برای کمک به حل بحران آموزش و پرورش در این منطقه اختصاص زمین برای ساخت مدارس جدید بوده است. در این زمینه شهرداری صالحیه سال گذشته ۲۱۰۰ مترمربع زمین را برای ساخت فضای آموزشی اختصاص داد. اما در نهایت بیشتر مسئولین شهری حل مشکلات را به خیرین مدرسه ساز، حواله کرده و از خود سلب مسئولیت می کنند.

عباس که خود معلم و کاندیدای انتخابات شورای شهر صالحیه است، می گوید: «البته ساختن مدارس و فضاهای آموزشی جدید از وظایف اصلی شورا و شهرداری نیست، اما سالم سازی محیط های اطراف مدارس باید جزو وظایف و اولویت های شهرداری ها تعریف شود. دانش آموزان حق دارند در محیط های تمیز و به دور از آلودگی ها صوتی و زیست محیطی درس بخوانند.» اقدام دیگری که شورا و شهرداری برای تخفیف مشکل مدارس بهارستان می توانند انجام دهند، ساخت مراکز ورزشی مختص به دانش آموزان است. در سال ۱۳۹۴ سرانه فضای ورزشی در شهرستان بهارستان برای هر نفر کمتر از یک موزاییک بود. ناگفته پیداست که دانش آموزان سهمی از این فضای ناچیز نمی برند. عباس که خود دبیر ورزش است، می گوید: «با توجه به حیاط های کوچک و تعداد بالای دانش آموزان، امکان ورزش در مدرسه بسیار محدود است و وجود مراکز ورزشی بیرون از مدرسه می تواند تا حدی مشکل را رفع کند.»

در مجموع، از گفته ها و شنیده ها می توان نتیجه گرفت که شرایطی که دانش آموزان بهارستانی در آن درس می خوانند بسیار بحرانی است. حل این بحران به ویژه از این جهت ضروری است که دام هایی مانند اعتیاد و بزه کاری در مسیر کودکان و نوجوان این مناطق پهن شده و آن ها را به سادگی جذب خود می کنند. تاکنون تنها توقع مسئولین از مدارس این بوده که دانش آموزان را در راهپیمایی های ۲۲ بهمن و ۱۳ آبان و در حمایت از حکومت به خیابان ها بیاورند. به نظر می رسد زمان یک تجدید نظر اساسی در این نگاه فرارسیده است. منتخبان جدید شورای شهر در گلستان، نسیم شهر و صالحیه می توانند و باید با در اولویت قرار دادن بحران آموزش و پرورش در این شهر، به نماینده این تغییر نگاه تبدیل شوند.

## امید به تغییر، تنور انتخابات را گرم کرده است



### اشتیاق برای پایان عمر شورای چهارم و شهردار شاهرود

نویسنده: راضیه شکوهی

استان: سمنان

شهر: شاهرود

چالش‌ها:

• رقابت‌های انتخاباتی

• کارگران

• شورا و سیطره سپاه بر آن

برگزاری محافل و جلسات محلی و غیررسمی اما پرتعداد، در گوشه و کنار شاهرود، حاکی از انتخاباتی شدن این شهر پرجمعیت، استان سمنان است. براساس آمار فرمانداری شاهرود، ۱۲۸ نفر برای تصدی کرسی‌های شورای این شهر ثبت نام کرده‌اند که ۲۱ نفر آن را زنان تشکیل می‌دهند. آمار قابل توجه زنان می‌تواند از اثرات انتخاب یک زن به عنوان نفر اول انتخابات دوره چهارم باشد. اتفاقی که انگیزه را برای مشارکت بیشتر زنان ایجاد کرده است.

اما انتخابات این دوره شورای شهر شاهرود به تبع عملکرد نه چندان موفق شهرداری و شورای چهارم، می‌تواند متمایز جلوه کند. چراکه اکثریت ناراضی شهر، با اشاره به انتخاب ابهام برانگیز شهردار و پیرونده جناحی خرید مجموعه البرز شرقی، چشم به تحرکات سازمان یافته‌تر احزاب و گروه‌های سیاسی و مدنی و معرفی ائتلاف‌های قوی‌تر و ورود نیروهای متخصص به حوزه مدیریت شهری هستند.

### شهرداری که با تک رای خود انتخاب شد

شورای چهارم، اولین و مهم‌ترین گام خود، یعنی انتخاب شهردار، را بسیار متزلزل برداشت. حال آن‌که انتظار می‌رفت شورا، با انتخاب فردی شایسته و توانمند، گام مهمی برای توسعه و آبادانی شهر بردارد ولی این انتظار بیهوده بود.

یکی از نشریات محلی شاهرود داستان انتخاب شهردار را این‌گونه توضیح می‌دهد: حدود ۲ تا ۳ ماه زمان لازم بود که مهم‌ترین تصمیم این شورا گرفته و شهردار انتخاب شود که البته این زمان آبستن اتفاقات جالبی در درون خود بود. از جمله اینکه یکی از اعضای شورای شهر یعنی مهندس میرفانی خود کاندیدای تصدی میز شهرداری شاهرود بود. اما این اتفاق زمانی جالب‌تر شد که اولین عضو علی‌البدل شورا، برادر رمضانعلی باقری، رئیس شورا بود.

بعد از گذشت زمانی نسبتاً طولانی و بعد از دعوت از کاندیدهای مورد نظر و شنیدن نظرات و طرح‌های آن‌ها روز تصمیم‌گیری فرا رسید و ماحصل آن بعد از کشیده شدن انتخاب شهردار به دور دوم انتخاب مهندس میرفانی با ۶ رای به عنوان شهردار شاهرود بود. در واقع پنج نفر از اعضای شورا به کاندیداهای دیگر رای داده و آقای میرفانی با تک رای خود توانست اکثریت را به دست آورد. این انتخاب هم‌چنین زمینه ورود علی باقری برادر رئیس شورا را به شورای شاهرود فراهم کرد.

کامران یکی از فعالین اجتماعی شاهرود با انتقاد از این شیوه انتخاب شهردار می‌گوید: «در واقع انتخاب آقای میرفانی حاصل بده بستان دو ائتلاف اصلی درون شورا یعنی ائتلاف سابقون و ائتلاف پیشگامان تحول و توسعه بود. در نتیجه این همکاری، یکی از اعضای سابقون شهردار شد و ائتلاف پیشگامان تحول و توسعه هم اکثریت را در شورا به دست آورد».

کامران با اشاره به سوابق مدیریتی رئیس شورا، می‌پرسد: «آیا ورود برادر ایشان به داخل شورا اینقدر ارزش داشت که چشم خود را بر اعتماد مردم ببندد؟» به عقیده او این شیوه انتخاب شهردار از همان ابتدا مردم را نسبت به شورا و شهرداری بدبین کرده و راه هم‌دلی بین مردم و شورا را بست.

### کارگران ناراضی، خزانه شهرداری خالی!

یکی از جنجال‌برانگیزترین اقدامات شورا و شهرداری، خرید زمین‌ها و تأسیسات شرکت زغال سنگ البرز شرقی بود. این شرکت که زمانی یکی از بزرگ‌ترین تامین‌کنندگان زغال سنگ صنایع ذوب آهن ایران بود، در سال‌های اخیر با بحران روبرو شده و مسئولین تصمیم به خصوصی‌سازی آن گرفتند. شهرداری شاهرود در اقدامی تامل‌برانگیز، بخشی از زمین‌ها و تأسیسات این شرکت را به قیمت ۷۲ میلیارد تومان خریداری کرد.

رئیس شورا با دفاع از خرید این مجموعه، می‌گوید: «با توجه به اینکه ۲۰ هکتار فضای سبز این مجموعه در ۴۲۲ هکتار مساحت پخش است و امکان تفکیک آن وجود نداشت، شهرداری ملزم به خرید کل مجموعه شده است.» باقری با اشاره به اینکه با خرید این مجموعه تمامی

سازمان‌های شهرداری در این مکان استقرار پیدا خواهد کرد، اضافه می‌کند: «با فروش مکان‌های قبلی، ارزش افزوده زیاده بدست می‌آید که شهرداری می‌تواند بسیاری از مشکلات شهر را حل کند.»

اما فعالین سیاسی و اجتماعی شاهرود به توانایی شهرداری برای این اقدامات به دیده تردید می‌نگرند. غلامی یکی از معتمدین شاهرود معتقد است: «آقای شهردار با خریدن البرز شرقی نه تنها در جهت رشد و توسعه شهر قدمی برداشت، بلکه با بلوکه کردن تمامی درآمد و دارایی شهرداری، فاتحه هرآنچه که باید در آینده جهت حل مشکل ترافیک و زیبایی شهر صورت پذیرد را خواند.»

ابراهیمی یکی از فعالین اصلاح طلب شاهرود هم که به گفته خود بر این پرونده اشراف دارد، می‌گوید: «این شورا، به گواهی اسناد، بدهکارترین شهرداری دوران تاریخ شاهرود را مدیریت می‌کند. آن‌ها پول‌های مردم را به روش‌هایی غیرکارشناسی در خرید مجموعه ذغال سنگ البرز شرقی بلوکه کرده و با پرداخت سودهای هنگفت بابت وام‌هایی که از بانکها دریافت کرده‌اند، عملاً خزانه شهرداری را خالی کرده‌اند.»

پرونده واگذاری مجموعه البرز شرقی ابعاد دیگری هم دارد که به نارضایتی کارگران این مجموعه بر می‌گردد. سعید که دانش‌آموخته علوم انسانی است و سابقه عضویت در شورای یکی از شهرهای کوچک استان سمنان را هم دارد، مساله را این‌گونه توضیح می‌دهد: «شورای شهر معامله تاسیسات مربوط به شرکت معادن زغال سنگ البرز شرقی را به قیمت ۷۰ میلیارد تومان برای شهرداری انجام داد، در حالی که ارزش واقعی آن تاسیسات بالای ۲۰۰ میلیارد بود و از آنجایی که ۱۰ درصد سهام آن شرکت حق کارگران معادن این شرکت بود، با پایمالی حقوق این افراد، طی سه سال گذشته، شاهد اعتصابات سراسری کارگران بودیم. الان هم با رفتن کاظم جلالی-نماینده سابق شاهرود و نماینده فعلی تهران- به تهران، صحبت از لغو این قرارداد بصورت یک طرفه است. این در حالی است که کارگران آن شرکت شش ماه است، حقوق نگرفته‌اند.»

### شورای شهر در جنب‌بازنشسته‌های سپاه و نزدیکان نماینده مجلس

به عقیده فعالان محلی، یکی از بزرگ‌ترین موانع تشکیل شورای تخصصی در شاهرود، تلاش نهادهای نظامی و امنیتی از یک طرف و نماینده مجلس از طرف دیگر برای کنترل و به دست گرفتن شورا است. سعید با اشاره به تجربه خود به عنوان عضو شورا در استان سمنان می‌گوید: «متأسفانه تجربه‌ای که من داشتم، خیلی تجربه تلخ و ناموفقی بود. شورا در شهرهای کوچک عموماً یا آلت دست یک سری نهادهای انقلابی و ائمه جمعه‌اند یا دنبال منافع شخصی و بستن بار خود. در کل نه از تخصص خبری است و نه کارایی چندان مفیدی دارند. الان هم که می‌بینم عموماً بازندگان انتخابات مجلس، فارغ از محل سکونت‌شان که در تهران است یا شهرستان، به انتخابات شوراها هجوم آورده‌اند که اغلب از طیف نظامیان هستند. مثلاً در شاهرود در دوره فعلی بیشتر اعضای شورای شهر سپاهی و بازنشسته سپاه بودند و رابطه نزدیکی با نماینده وقت شاهرود، جلالی داشتند.»

او با تأسف از ظرفیتی که در حال از دست رفتن است ادامه می‌دهد: «در کل، شوراها ناکارآمدی‌شان بیشتر است. او دلیل این امر را سیاسی شدن شوراها و قرار گرفتن آن‌ها در جنبه نهادهای نظامی و انتصابی می‌داند.»

### جدال لیست‌ها در انتخابات پنجم

به عقیده فعالین محلی، کارنامه نامناسب شورای چهارم در زمینه انتخاب شهردار، داشتن کارکرد سیاسی به جای کارکرد مدیریتی، بدهکاری عظیم به بانک‌ها بابت تملکی که تکلیف آن مشخص نیست، حضور پررنگ افراد وابسته به نهادهای نظامی و انتصابی و از همه مهم‌تر، عدم پاسخ‌گویی به افکار عمومی بابت عملکردها، از مهم‌ترین مواردی است که باعث ایجاد انگیزه در بین مردم برای ایجاد تغییرات در ترکیب شوراها شده است.

از این رو، گروه‌های مختلفی در حال چانه زنی و بسیج امکانات و نیروها، برای بستن لیستی از نیروهای متخصص و کارآمد هستند تا منسجم‌تر در انتخابات مشارکت کنند. اصلاح‌طلبان و هواداران دولت اعتدال هم یکی از این گروه‌ها هستند. گروهی که در انتخابات گذشته این منطقه و در همین طور انتخابات مجلس شورای اسلامی، برغم محدودیت‌هایی که برای آن‌ها به وجود آمده بود، تنها و در مدت چند روز توانستند به انسجام قابل قبولی برسند. یکی از نشریات محلی شاهرود که به آینده فعالیت اصلاح‌طلبان این شهر خوش بین است، می‌نویسد: «کسب رای دوم در انتخابات مجلس در شهر شاهرود، برای این گروه با تمام محدودیت‌های فکری و مالی که برای آن‌ها وجود دارد، نوید بخش روزهای خوب برای کسب کرسی‌های متعدد شورای شهر است.»

در مجموع، هر چند که رایزنی‌ها و گفت‌وگوها برای حضور افراد در لیست‌های مختلف ادامه دارد اما به نظر می‌رسد در این دوره حضور در لیست‌های منسجم و شناسنامه دار نقش مهمی در نتیجه انتخابات خواهد داشت و این را باید تحولی مثبت ارزیابی کرد.

## اعضای شورا مشغول دعوا بودند، آذرشهر را آب برد



۲۹۴



نویسنده: مینا بدیعی  
استان: آذربایجان شرقی  
شهر: آذرشهر  
چالش‌ها:

- حوادث غیرمترقبه
- ضعف مدیریت بحران
- ناکارآمدی شورا

سیل در آذربایجان پدیده‌ای ناآشنا نیست تا جایی که به داستان‌ها و ترانه‌های فولکلور این منطقه ترک زبان کشور راه یافته و زیباترین نواهای موسیقی مثل افسانه «سارای و خان چوبان» را خلق کرده است؛ اما آنچه در این روزها درد مضاعفی را به جان آذربایجان تحمیل کرده بی‌فکری و ندانم‌کاری مدیران و مسئولان منطقه است.

در حالی که با پیشرفت علم، پیش‌بینی هواشناسی از چندین روز پیش از حوادث طبیعی مانند سیل و طوفان میسر است و در اغلب کشورهای جهان با اندیشیدن تدابیر مدیریت شهری از صدمات و آسیب‌ها جلوگیری می‌شود. شهرداری‌ها و شوراهای شهر با تشکیل فوری ستاد بحران برای مقابله با این نوع بلایا، خود و مردم را آماده می‌کنند، اما متأسفانه در کشور ما چنین اتفاقی نمی‌افتد. آخرین نمونه، تلفات سنگین جاری شدن سیل در استان‌های غربی کشور بود که جان بیش از ۴۰ تن از هموطنانمان را گرفت. ۳۵ تن از قربانیان از استان آذربایجان

شرقی در شهرهای عجب‌شیر و آذرشهر بودند. اما چرا یک بحران طبیعی قابل پیش‌بینی تا این حد می‌تواند برای مردم ایران مرگ‌بار باشد؟

### تجاوز به حریم رودخانه‌ها

بر خلاف آنچه که در رسانه‌ها می‌گویند و تبلیغ می‌کنند، بارش اخیر در آذربایجان بی‌سابقه نبود و نهایتاً در ۱۵ سال گذشته اتفاق نیفتاده بود. پیمان آذری، کارشناس محیط‌زیست، با بیان این که جغرافیای آذربایجان و به طور عام، غرب ایران با بارش‌های فصلی و موسمی ناآشنا نیست، می‌گوید: «در اغلب شهرها و مناطق آذربایجان رودخانه‌ها و مسیل‌هایی وجود دارد که در بیشتر ایام سال خشک است. این مسیل‌های دست‌ساز و یا رودخانه‌های طبیعی مسیر گذر بارش‌های موسمی و جاری شدن آب ناشی از آب شدن برف‌های سرکوه است و وجود آن اهمیت بسیاری دارد، اما وجود ساخت‌وسازهای نا به جا و تجاوز به حریم رودخانه‌ها باعث افزایش امکان خطر جانی برای مردم است که متأسفانه نسبت به آن کم توجهی می‌شود.»

به گفته آقای آذری، آذربایجان در چند سال گذشته با خشک‌سالی رو به رو بوده و امسال بخشی از این خشک‌سالی جبران شده، اما حادثه تلخ سیل و کشته شدن تعداد قابل توجهی از همشهریان، شادی بارش برکت از آسمان را به کام مردم زهر کرد. به نظر می‌رسد این خشک‌سالی چند ساله سبب شده مدیران فراموش کار و بی‌تجربه یادشان برود که در آذربایجان، گاه بارش بهاری مفصل داریم یا فکر کرده‌اند دیگر در آذربایجان مثل قدیم‌ها بارندگی نداریم و بر همین اساس بارش بهاری امسال را به عنوان تغییر اقلیم ناشی از تغییرات جوی جهانی معرفی می‌کنند و با بی‌سابقه جلوه دادن آن سعی دارند کم‌کاری خودشان را توجیه کنند.»

آقای آذری که خودش یکی از شهروندان آذرشهر است، می‌گوید: «تعداد قابل توجهی از جان‌باختگان سیل اخیر مردمی بودند که از منطقه گردشگری قزل داغ که چشمه‌های آب گازدار دارد، بر می‌گشتند. خودروها در این مسیر باید از جاده سرپل روستای قلعه زار بگذرند. چند سال پیش بریده‌ای در انتهای پل قلعه زار وجود داشت که ماشین‌ها از آن جا تردد می‌کردند اما برای جلوگیری از تصادفات جاده‌ای آن بریدگی را مسدود کردند. انسداد آن بریدگی کار درستی بود، اما راه‌کاری که جایگزین آن کردند اشتباه بزرگ‌تری بود. مسئولان به جای احداث یک زیرگذر یا روگذر برای خودروهایی که از مسیر قزل داغ می‌آیند، یک راه میان‌بر از یکی از دهنه‌های پل باز کردند و در واقع مسیر ماشین‌ها را به داخل رودخانه که آن موقع خشک بود تغییر دادند. ماشین‌هایی که در روز سیل اخیر گرفتار شدند، دقیقاً در همان راه خروجی منطقه قزل داغ و روستای قلعه زار بودند.» به گفته آقای آذری قربانیان آذرشهر در واقع قربانی سیل نشدند بلکه قربانی بی‌تدبیری و بی‌توجهی مسئولانی شدند که ساده‌ترین راه را به جای امن‌ترین راه حل مشکلات مردم انتخاب می‌کنند.

او اضافه می‌کند: «ساخت‌وساز خانه در مسیر گذر رودخانه‌های فصلی از دیگر دلایل افزایش تلفات سیل اخیر است که این هم باز مسئولیتش بر عهده شهرداری است. حتی خانه‌هایی که بدون مجوز ساخته شده‌اند، شهرداری مسئول جلوگیری از ساختن آن‌ها بوده که متأسفانه با اهمال در انجام وظیفه، این ساخت‌وسازها انجام می‌شود و گاه حتی با پرداخت مبلغی به شهرداری به عنوان جریمه، پایان کار و جواز هم می‌گیرند. در چنین مواردی نمی‌توان مردم را مقصر دانست. بلکه مسئولیت آگاه‌سازی و هم‌چنین نظارت بر ساخت‌وساز اصولی، وظیفه شهرداری و شورای شهر است.»

## نوش دارو پس از مرگ سهراب

کریم پ. شهروند ساکن عجب شیر، که علاوه بر صدمات جدی به خانه و کشاورزی اش، چند تن از اقوامش را در جریان سیل اخیر از دست داده است، می گوید: «کسی برای این حد از بارندگی و وقوع سیل هشدار جدی به ما نداده بود. تنها خبری که ما دریافت کردیم همان اخبار هواشناسی معمول در تلویزیون بود و هیچ آماده چنین وضعی نبودیم. در حالی که خیلی ساده با استفاده از شبکه های مجازی و پیامک تلفن همراه می شد از چند روز قبل به مردم هشدار داد. اگر چنین چیزی بود ما خانه هایمان را ترک می کردیم یا دست کم برای سیل آمادگی داشتیم.»

او هم چنین می گوید: «شهرداری هم پیش از بارندگی ها هیچ کاری نکرده بود. نه هشدار داده بود نه راه ها و مسیرهای پرخطر را بسته بود و نه امکانات و نشانه هایی درباره سیل و بارندگی در سطح شهر گذاشته بود. مردم از کجا باید می دانستند چنین بلایی قرار است نازل شود؟» آقای کریم پ. با گلایه از عملکرد ضعیف مدیریت شهری، می گوید: «شهرهای بزرگ تر مثل تبریز که امکانات بیشتر و ساخت و ساز شهری اصولی تری دارند هم به اندازه آذرشهر و عجب شیر بارندگی داشتند اما صدمه ای به کسی وارد نشد. چرا؟ چون آن شهر متولی دارد، اما در شهرهای کوچک نیروی کارآمد کم است و شهرداری و شورای شهر یا به وظیفه اش آگاه نیست و یا آگاه است و عمل نمی کند. به هر حال می بینیم که هر چه مصیبت است از آن مناطق دورتر و محروم تر است.»

او با اشاره به حضور هیات ها و گروه هایی از سوی دولت، استان داری و شهرداری و شورای شهر در روزهای بعد از سیل در منطقه می گوید: «حالا که ما خانه زندگی مان را از دست داده ایم و عزیزانمان جان شان را از دست داده اند، آمدن این ها و کمک های تبلیغاتی شان به چه دردی می خورد؟ این نوش داروی بعد از مرگ سهراب است و دردی از ما دوا نمی کند.»

## ناتوانی مسئولان برای امداد رسانی بر خورد قهرآمیز با نیروهای مدنی داوطلب

بهروز ج. فعال مدنی و از امدادگران داوطلب هلال احمر با تاکید بر نقش نهادهای مدنی داوطلب در کمک رسانی بعد از حوادث طبیعی می گوید: «در تجربه زلزله اهر و ورزقان با آمدن نیروهای داوطلب از شهرهای دیگر که انگیزه و توان ستادی خوبی داشتند، سرعت کمک رسانی اولیه خیلی خوب و کیفیت آن هم مفید بود و به همین دلیل از صدمات ثانویه به خوبی جلوگیری شد. امدادگران داوطلبی که یا خودشان تجربه کمک رسانی در حوادث دیگری را داشتند یا با بهره مندی از شبکه امدادی از تجربیات قبلی دیگران استفاده کردند، اما متأسفانه با آن ها برخورد قهری شد. به همین دلیل است که در حوادثی چون سیل سیستان و بلوچستان و یا اکنون در آذربایجان کسی برای کمک نیست.»

او با اشاره به حضور هیات ویژه دولتی پس از سیل در آذربایجان تاکید می کند: «حضور این هیات به لحاظ بیان توجه دولت به چنین حوادثی خوب است، اما از طرفی در آستانه انتخابات، به نوعی تبلیغاتی جلوه می کند و مقامات محلی نیز به جای رسیدگی بیشتر به مردم، مشغول مهمان داری می شوند.»

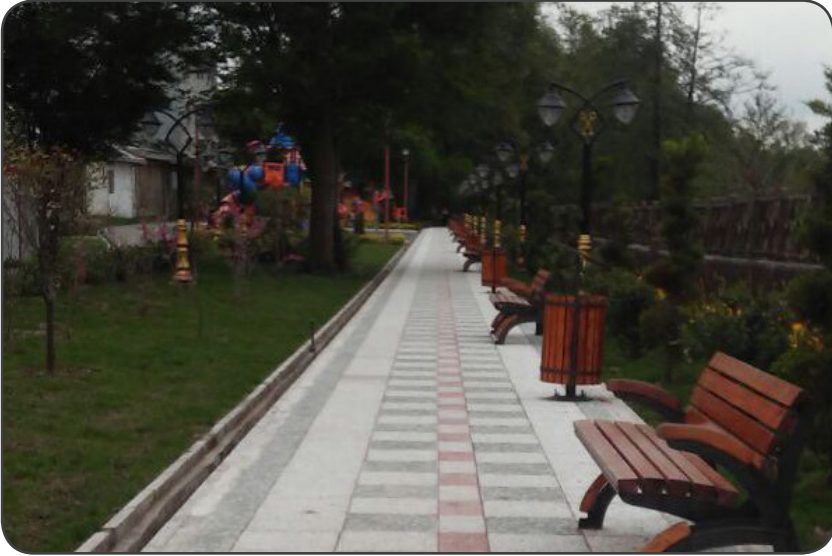
آقای بهروز ج. درباره اختلافات اعضای شورای شهر آذرشهر می گوید: «شورای شهر آذرشهر مشغول دعوای داخلی خود است و حتی جلساتهش هم به درستی تشکیل نمی شود و هر یک از اعضای آن به جای رسیدگی به وضعیت شهر در آستانه انتخابات دارد سنگ خود را به سینه می زند. متأسفانه اختلاف بین اعضای شورا صحت دارد. سه تن از اعضای شورا در اعتراض به عدم تمکین رییس شورا به دستور فرماندار و استان داری جلسات شورا را تحریم کرده اند.



رئیس شورا با وجود دستور اکید استان داری هم چنان جلسات را داخل ساختمان شهرداری برگزار می‌کند که این خلاف قانون است. همین مسئله و البته مسائل دیگری که وجود دارد موجب اختلاف بین دو گروه از اعضای شورا شده و سبب شده اصلا جلسات تشکیل نشود و در چنین وضعیت و شرایطی شورای شهر آذرشهر نمره خوبی از مردم نمی‌گیرد.»

مردم ناکارآمدی شهرداری و شورا را عامل ورود خسارات جانی و مالی فراوان به عجب شیر و آذرشهر می‌دانند و معتقدند زیر سایه نزاع اعضای شورا، شهر را آب برد. آیا شورای پنجم می‌تواند ندانم کاری‌های موجود را جبران کند؟

# گزارش تصویری از پروژه‌های بازآفرینی شهر رشت



نویسنده: امین محسنی

استان: گیلان

شهر: رشت

چالش‌ها:

- نوسازی شهر
- توسعه و عمران
- زیباسازی شهر

زیباسازی و بازآفرینی بخش‌های مختلف شهر رشت یکی از وعده‌های مدیران شهری و شهردار رشت در دوره مدیریت‌اش بود که بخش‌هایی از آن به ثمر نشسته است. پیاده‌روسازی، تبدیل فضاهای حاشیه رودخانه داخل شهر به پارک، زیباسازی میدان‌های اصلی شهر و بهره‌گیری از هنرمندان مجسمه‌ساز مجموعه‌ای از طرح‌های شهرداری بود که با وجود بحث‌های مختلف تا حدودی به ثمر رسیده و یا در حال انجام است. حالا که روزهای انتخابات شوراهای شهر و روستا نزدیک شده‌ایم و تغییرات احتمالی در ترکیب اعضای شورا می‌تواند بر ترکیب مدیران شهری هم تأثیر بگذارد، شهر رشت هم شاهد تسریع برخی از این پروژه‌هاست. کاش همیشه سال منتهی به انتخابات باشد!



# آبادان در چنبره مشکلات؛ محتاج

## شورای قوی



نویسنده: میری  
استان: خوزستان  
شهر: آبادان  
چالش‌ها:

- رقابت‌های انتخاباتی
- رقابت‌های قبیله‌ای
- نهادهای مدنی

قریب به سه دهه پس از پایان جنگ هشت ساله با عراق، آبادان هم چنان درگیر هزار و یک مشکل است. شهری که از مهم‌ترین شهرهای استان خوزستان محسوب می‌شود. آبادان یکی از شهرهایی بود که بیشترین آسیب و زیان را از جنگ دید.

شهری که زمانی نه چندان دور از سرآمدترین شهرهای ایران محسوب می‌شد، حالا برای رفع نیازهای اولیه مردمانش، از آب و برق گرفته تا کار و کشاورزی با مشکلات جدی دست به گریبان است. مجموعه اقدامات دولتی و نیز تلاش‌های چهار شورای شهر آبادان، هنوز که هنوز است شهر را به وضع قابل قبول نرسانده است.

نماینده آبادان در مجلس تصریح می‌کند که وجود مشکلات فراوان در حوزه‌های مختلف، سبب بی‌انگیزه‌گی آبادانی‌های مهاجر برای بازگشت به شهرستان، به‌رغم گذشت ۲۷ سال از پایان جنگ تحمیلی شده است. وی هم‌چنین در گزارشی تأسف بار از وجود ۲۴ هزار نفر تحت

پوشش سازمانهای حمایتی بهزیستی و کمیته امداد خبر داده است. آبادان پس از اهواز و دزفول، و در کنار ماهشهر با حدود ۳۰۰ هزار نفر جمعیت، سومین شهر بزرگ استان خوزستان است؛ اما گلایه‌مندی شهروندان آبادانی از وضع زندگی‌شان در این شهر، فراگیر و قابل توجه است. انتقادهایی که بخشی از آن‌ها متوجه شورای شهر می‌شود.

### مشارکت پایین، شورای ضعیف

مازیار از کنش‌گران مدنی شهر آبادان معتقد است که یکی از دلایل مهم ناکارآمدی یا خروجی ضعیف شورای شهر آبادان، انتخاب گزینه‌های نامناسب در نتیجه مشارکت پایین اهالی شهر است؛ او تأکید می‌کند: «انتخابات شوراها در چهار دوره گذشته در آبادان به شکل محسوسی با مشارکت پایین مردم همراه شد.»

او معتقد است که «به احتمال زیاد در انتخابات شوراها پنج‌م هم چنین وضعی را شاهد خواهیم بود؛ اما امیدوارم این پیش‌بینی به‌وقوع نپیوندد، و مردم شهر با مشارکت فعال، ترکیب شورا را کارآمدتر کنند.»

وی ملاحظه مهم دیگری را مطرح می‌کند: «ترکیب چهار شورای پیشین به شکل برجسته‌ای نشان‌دهنده هم‌سویی اعضای شورا با نمایندگان مجلس بوده و کمتر شهروند مستقل و متخصصی پا به شورا گذاشته است.»

او سیستم مدیریتی شهر را «بیمار» توصیف و از «باندبازی»های مسلط انتقاد می‌کند و می‌افزاید: «حضور فعال شهروندان و کنش‌گران مدنی می‌تواند به این وضع بیمارگونه پایان دهد.»

### سیطره روابط قومی قبیله‌ای

غلامرضا، یکی دیگر از کنش‌گران مدنی آبادان هم از زاویه مشابهی به ترکیب شورای شهر و انتخابات آن در چهار دوره قبل نگاه می‌کند و می‌گوید: «واقعیت تلخ، سیطره مناسبات قومی قبیله‌ای در انتخابات آبادان است.»

وی با ابراز امیدواری نسبت به تغییر این وضع در انتخابات پیش‌رو، می‌افزاید: «واقعیت این است که نامزدهای شورای پنج‌م باید بدانند در رقابت و انتخاباتی گام خواهند گذاشت که چه بسا اختلاف رأی نفر اول با نفر دهم شاید هزار رأی نیز نباشد.»

او توضیح می‌دهد: «این اختلاف کم ممکن است خطرناک باشد و برخی نامزدها را به جای پی‌گیری برنامه‌ها و پروژه‌هایشان، به لابی و زد و بند با نیروهای سیاسی مسلط بر شهر و بازیگران اصلی سوق دهد. اتفاقی که استقلال آن‌ها را به حاشیه خواهد برد.»

غلامرضا با اشاره به کاهش تعداد اعضای شورای شهر آبادان از ۱۳ عضو به ۹ نفر، می‌گوید: «این وضع طبیعتاً باعث افزایش نفوذ مناسبات عشیره‌ای و قبیله‌ای و قومی و خانواده‌ای خواهد شد، و کمتر نامزدی می‌تواند از این وضع خود را کنار کشد؛ مگر کسانی که واقعا دغدغه بهبود وضع آبادان دارند و متخصص و مردمی هستند و به منافع شخصی و مصالح باندی فکر نمی‌کنند.»

### ناهماهنگی شهردار و شورا

فائزه، مهندس عمران است و با شهرداری آبادان در تماس؛ او که اطلاعات خوبی از مناسبات شهرداری و شورای شهر آبادان دارد می‌گوید: «متأسفانه عملکرد شهردار با شورای آبادان، نه در مورد قبل و نه در مورد جدید، هماهنگ نیست؛ نمونه‌اش انتقال پارک بانوان بدون هماهنگی با شورای شهر؛ آن هم پارکی که حدود ۲ میلیارد تومان برایش هزینه صرف شده بود.»

وی اضافه می‌کند: «متأسفانه شهرداری هرکاری که بخواهد بدون هماهنگی با شورای شهر

انجام می‌دهد و پروژه‌های خود را بدون اینکه مصوب شده باشد و شورا درباره آن‌ها نظارت استراتژیک داشته باشد، اجرایی می‌کند.»

او معتقد است که شورا و شهرداری هیچ‌کدام دارای برنامه میان‌مدت و درازمدت نیستند و همفکری و همکاری لازم میان آن‌ها وجود ندارد. وی هم‌چنین به چالش‌های جدی در جلسات رسمی و غیرعلنی میان شهرداری و شورای شهر اشاره می‌کند.

فائزه از تغییر مسیر ناگهانی و نه چندان مهندسی‌شده برخی خیابان‌ها و کوچه‌های شهر (مانند خیابان امیری) و عدم اطلاع‌رسانی به موقع و کافی به شهروندان آبادان در این خصوص، به عنوان یک نمونه اشاره، و از آن انتقاد می‌کند. علاوه بر این، وی به قطع درختان برخی خیابان‌ها توسط شهرداری بدون مجوز از شورا و نیز کاشت نخل در زمان غیرمناسب و هم‌چنین بدون هماهنگی با شورا اشاره می‌کند.

او هم‌چنین می‌افزاید که «شورای شهر و شهرداری آبادان چنان که باید به فکر عمران و آبادانی شهر نبوده‌اند و بیشتر به فکر ظاهر و اقدامات صوری بوده‌اند. حتی مبلمان شهری هم چنان که باید نیست.» وی هم‌چنین از بلا تکلیف و معطل ماندن بسیاری از پروژه‌های سال‌های ۹۴ و ۹۵ در آبادان خبر می‌دهد و آن را شاهد مهمی از کارایی ضعیف شورا و شهرداری آبادان می‌داند، آن‌هم در حالی که «آبادان نخبگان و متخصصان زیادی دارد.»

این مهندس شهرسازی می‌گوید: «تا جایی که خبر دارم بیش از ۱۸۰ شرکت از شهرداری آبادان طلبکار هستند؛ بخشی از این وضع البته به بحران اقتصادی حاکم بر کشور مربوط است اما قطعاً بخشی از آن هم به سوءمدیریت برمی‌گردد.»

### کنش‌گران مدنی و نخبگان و انتخابات شورای پنجم

پتانسیل کنش‌گری مدنی و فارغ‌التحصیلان دانشگاه و نخبگان آبادان چنان هست که شورایی بهتر از چهار دوره قبل را سامان دهد.

شورایی که بتواند به مشکلاتی چون فاضلاب شهر که تبدیل به مشکلی قدیمی و بسیار جدی شده، ترافیک و دست‌فروش‌ها و وضع اسف‌بار حاشیه‌نشین‌های شهر رسیدگی بهتر داشته باشد و آن‌ها را به طور محسوس تغییر دهد.

شورای کارآمد می‌تواند نه فقط سیمای شهر را دگرگون کند بلکه از جهت عمرانی و زیرساخت‌های توسعه‌ای، آبادان را تکان دهد و با پی‌گیری جدی و تخصصی، رفاه بیشتری برای صدها هزار شهروند رنج‌کشیده ایجاد کند. شهروندانی که آسیب‌های فراوان و محرومیت‌های پرشماری را از جنگ هشت ساله هم‌چنان حمل می‌کند.

# انتخابات و چالش حمایت از حقوق همجنس‌گرایان



نویسنده: تیرداد شایان

استان: اصفهان

شهر: اصفهان

چالش‌ها:

• حقوق اقلیت‌ها

• همجنس‌گرایان

• انتخابات شورای پنجم

شاید این پرسش از نامزدهای انتخاباتی شوراها در ایران خیلی لوکس به نظر برسد، اما وقتی دغدغه تعداد قابل توجهی از شهروندان است، باید به آن توجه شود. همجنس‌گرایان می‌پرسند: جایگاه اجتماعی ما کجاست و چه کسی در ایران متولی حمایت از حقوق شهروندی و انسانی ماست؟

رسانه‌ها در روزهای گذشته از دستگیری ۳۰ مرد جوان در یک مهمانی شبانه در باغ بهادران اصفهان خبر دادند. یکی از معدود مهمانانی که موفق شده بود از دست ماموران فرار کند گفته بود که نیروی انتظامی مهمانان را با کتک و خشونت دستگیر کرده و حتی تیره‌وایی هم شلیک کرده است. گزارش دیگری از انتقال این افراد به زندان دستگرد به اتهام «لواط، مشروب خواری و مصرف مواد روان‌گردان» خبر داده‌اند. کسانی که موفق به فرار شده‌اند با رد این اتهامات گفته‌اند خانواده برخی از دستگیرشدگان از همجنس‌گرا بودن فرزندان‌شان بی‌خبرند و

این باعث نگرانی آن‌ها از تاثیر روی زندگی خصوصی‌شان شده است. گرایش جنسی که در واقع شکل پایدار تمایل جنسی یک فرد به افراد جنس مخالف، موافق و یا هر دو جنس است، یک ویژگی یا انتخاب شخصی مربوط به حوزه خصوصی انسان‌ها است اما در برخی کشورها از جمله ایران به رسمیت شناخته نمی‌شود. شاید در گذشته‌ای نه چندان دور به دلیل نبود آگاهی افراد همجنس‌گرا هویت خود را پنهان و کتمان می‌کردند و یا حتی از هویت جنسی خود آگاه نبودند، اما در حال حاضر بسیاری از همجنس‌گرایان در ایران ضمن آگاهی به هویت جنسی خود، خواستار احترام اجتماعی و حقوق برابر هستند. میترا ۲۵ ساله است. تا مقطع کارشناسی ارشد درس خوانده و شاغل است. او همجنس‌گراست و درباره مشکلاتی که جامعه همجنس‌گرایان در ایران دارند، می‌گوید: ما هنوز در ایران با مشکلات پایه‌ای مثل به رسمیت شناخته شدن از سوی خانواده‌ها مواجهیم. ما حتی حتی مثل احترام و اجازه علنی کردن گرایش جنسی‌مان در محدوده اطراف خودمان مثل محیط کار را نداریم و راه زیادی داریم تا مراحل بعدی مثل داشتن حق ازدواج یا فرزندخواندگی. در حال حاضر مسئله ما رعایت حقوق انسانی ما در جامعه اطرافمان است. همین که به ما نگویند «بیمار» و در پی «درمان» بیماری ما نباشند، پله اول احترام به حقوق ماست. او می‌گوید که اهل مهمانی رفتن با آدم‌هایی که نمی‌شناسد نیست و از همین رو تا کنون به مهمانی‌های عمومی همجنس‌گرایان نرفته است. میترا ادامه می‌دهد: حقوق شهروندی ما تا وقتی گرایش جنسی‌مان علنی نشود، در حد دیگران رعایت می‌شود و مهمانی معمولی یا قرارهای دوستانه معمولی داریم اما نه به عنوان همجنس‌گرا. ما هنوز حق آشکار کردن هویت جنسی‌مان را نداریم.

ماهان ۲۳ سال دارد؛ ساکن گوهردشت است و از ۱۷ سالگی به هویت جنسی خود آگاه شده و دو سال است که با کمک مشاور روانشناسی آن را با خانواده‌اش در میان گذاشته و هنوز روند مشاوره ادامه دارد. او می‌گوید: پدر و مادر من هر دو تحصیل کرده هستند و با وجود مشکلاتی که هنوز بین ما حل نشده باقی مانده، اما در میان همجنس‌گرایان در ایران من فکر می‌کنم از این نظر یکی از خوشبخت‌ترین‌ها هستم که خانواده‌ام هویت مرا پذیرفته‌اند. بسیاری از دوستانم متأسفانه حتی این شانس را ندارند.

او می‌گوید: قوانین کشور ما همجنس‌گرایی را به رسمیت نمی‌شناسد و به آن یا به چشم بیماری نگریسته می‌شود و یا گناه و جرم. در حالت اول پس از اثبات، اجازه جراحی و تغییر جنسیت کامل داده می‌شود و در حالت دوم برخورد قهرآمیز در حد ۱۰۰ ضربه شلاق و بعد اعدام. این خیلی غیر منصفانه است. این یعنی من که مرد بودنم را دوست دارم، اما به مردان گرایش دارم یا باید همیشه به خودم دروغ بگویم و هویت خود را کتمان کنم و یا باید شلاق بخورم و کشته شوم؟ ماهان با اشاره به فتوای آیت الله خمینی در سال ۶۰ توضیح می‌دهد: در آن زمان اجازه عمل تغییر جنسیت به طور رسمی صادر شد، اما حالا ۳۵ سال از آن زمان گذشته و باید قوانین پیشرفته‌تری داشته باشیم و با این موضوع انسانی‌تر و علمی‌تر برخورد کنیم. اکنون کشورهای پیشرفته همجنس‌گرایان حق ازدواج و داشتن فرزند دارند و شغل‌های مهمی مثل شهردار و وزیر دارند و مثل بقیه مردم طبیعی زندگی می‌کنند. چرا ما نباید چنین حقوقی داشته باشیم؟ چرا ما باید فقط به خاطر شرکت در یک مهمانی بازداشت شویم و حتی تا پای اعدام برویم؟ ماهان با گلایه از محدودیت‌های همه جانبه برای همجنس‌گرایان می‌گوید: ما همیشه باید پنهان زندگی کنیم و وانمود کنیم کسی هستیم که نیستیم. در مدرسه و دانشگاه، در اتوبوس و خیابان، در مهمانی و اجتماع، هیچ جایی از شهریه ما تعلق ندارد و حتی زندگی خصوصی ما نیز در تیررس قوانین همجنس‌گراستیز است. وقت آن رسیده که این وضعیت تغییر کند.

به گفته این فرد همجنس‌گرا، تغییر قوانین به نفع افراد دارای هویت جنسی متفاوت به زمینه‌سازی و آگاهی‌رسانی نیاز دارد و باید به طور علمی و پایه‌ای با آن برخورد کرد. او می‌گوید: من این تغییر را در محدوده کوچک خودم با کمک یک متخصص یعنی مشاور روانشناسم شروع کردم و با کمک او به جای کتمان هویت خودم و پنهان کردن آن از اطرافیانم، با مجازا رو به روشم و سعی کردم با دادن آگاهی به خانواده‌ام به آن‌ها نشان بدهم که من مجرم یا بیمار نیستم، بلکه تنها هویت جنسی متفاوتی دارم.

### کمیسیون بهداشت شوراها به مساله همجنس‌گراها ورود کند

محمدرضا ش. روانشناس، با اشاره به لطمات جدی روحی بر برخی از مراجعانش در پی عمل تغییر جنسیت، می‌گوید: وقتی کسی با هویت جنسی‌اش مشکلی ندارد و می‌تواند همان طور که هست خوشحال زندگی کند، این ستم است که آن‌ها را مجبور کنند بین دروغ گفتن به خود و یا عمل تغییر جنسیت یکی را انتخاب کند. همجنس‌گرایانی که بر اثر فشار درونی و یا بیرونی مجبور به ازدواج با غیرهمجنس خود شده‌اند، زندگی موفق و شادی ندارند و این در کل به جامعه هم لطمه می‌زند.

او با تاکید بر نقش رشد آگاهی اجتماعی بر پذیرش همجنس‌گرایان در جامعه‌ای مثل ایران می‌گوید: ایجاد پیوند بین متخصصان و مردم، کار نهادهای مدنی و نهادهایی مثل شوراها است. شوراها کمیسیون بهداشت دارند و به لحاظ حفظ سلامت جسمی و روحی شهر موظفند به موضوع همجنس‌گرایان بپردازند. با متخصصان امر در رشته‌های مختلف علمی جلساتی برگزار کنند و برای آگاه‌سازی مردم برنامه‌ریزی کنند و در عین حال با رایزنی با نمایندگان مجلس و بدنه مدیریتی کلان در سطح کشوری ایجاد تغییرات در قوانین به نفع همجنس‌گرایان را زمینه‌سازی کنند.

سمیرا، فعال مدنی در کرج می‌گوید: این روزها که در کنار انتخابات ریاست جمهوری، انتخابات شوراها و شهر و روستا نیز در جریان است، توجه مردم به مسائل و مشکلات شهری و حقوق شهروندی جلب شده و طبیعی است که هر گروهی از شهروندان با توجه به نیازها و علایق‌شان مسائلی را مطرح کنند و خواستار امکاناتی شوند که زندگی‌شان را راحت‌تر و شادتر کند. اگر شرکت در انتخابات نتواند تاثیر مثبتی بر زندگی افراد داشته باشد، اصلا مردم برای چه باید به خود زحمت بدهند؟ همجنس‌گرایان نیز مانند بقیه اقلیت‌های اجتماعی حقوقی دارند که باید به رسمیت شمرده شود.

او که خودش همجنس‌گرا نیست، تاکید می‌کند: برای من دغدغه‌مندی نامزدهای شورا ملاک است. طبعاً اگر کاندیداهایی باشند که به حقوق اقلیت‌ها، از جمله همجنس‌گرایان، اهمیت بدهد و برایش برنامه داشته باشند، طبعاً انتخاب اول من این نامزدها خواهند بود. یک جامعه پیشرفته جامعه‌ای است که در آن حقوق اقلیت‌ها در آن محترم شمرده شود و بر همین اساس فکر می‌کنم اهمیت دادن اعضای شورای شهر بعدی به حقوق اقلیت‌ها به بلوغ اجتماعی شهر کمک خواهد کرد.

احترام به حقوق همجنس‌گرایان در کشورهایی که اکنون حق ازدواج و فرزندخواندگی و کلا حقوق برابر شهروندی دارند، ساده به دست نیامده است. جنبش‌های مدنی فعال در این حوزه راه درازی را طی کرده‌اند و هم‌چنان برای برابری تلاش می‌کنند. در ایران نیز از مجازات شلاق و اعدام برای همجنس‌گرایی تا تامین حقوق شهروندی آنان به طور کامل راهی دراز در پیش است که بخشی از آن به نهادهای غیرسیاسی مثل شوراها و شهر مربوط است.

# کرمانشاه نیازمند کمپین «نه به آزادی»

## «قبیله‌ای»



۳۰۶

شهروند

نویسنده: هیوا محمدیان

استان: کرمانشاه

شهر: کرمانشاه

چالش‌ها:

• رقابت‌های قبیله‌ای

• انتخابات شورای پنجم

• فساد در شورا و شهرداری

فاصله دکه‌ها و چرخ‌های فلافل فروشی از یکدیگر در خیابان‌های مرکزی کرمانشاه و در مناطق تفریحی مانند طاق بستان و پارک کوهستان به چند متر هم نمی‌رسد، انبوه دست‌فروشان پیاده‌روهای شهر را اشغال کرده‌اند و صدها جوان سوار بر ماشین‌های از رده خارج شده در حال مسافرت‌کنی هستند. این‌ها واقعیت اشتغال جوانان در کرمانشاه است. شهری که به اعتراف مسئولین بالاترین نرخ بی‌کاری را در کشور دارد.

اما کرمانشاه تنها از نظر بی‌کاری نیست که مقام اول را در کشور کسب کرده است. افتخار دیگری که به همت مسئولین، نصیب این شهر شده سکونت بیش از سیصد هزار نفر یعنی ۳۰ درصد از جمعیت شهر در محلات حاشیه‌نشین است. از این نظر هم کرمانشاه مقام اول را در کشور دارد. اگر این آمار تکان دهنده درباره بی‌کاری و حاشیه‌نشینی را در کنار آمار بالای اعتیاد و بزهکاری در شهر قرار دهیم به این نتیجه می‌رسیم که کرمانشاه شاید بیش از هر شهر دیگری در ایران

نیازمند مدیریت شهری کارآمد، متخصص و متعهد به مردم است. اما متأسفانه سوابق مدیریت شهری کرمانشاه به ویژه شورای شهر و شهرداری در دو دوره گذشته تصویر دیگری را نشان می‌دهد.

### شبح انحلال بر فراز شورای شهر کرمانشاه

شورای شهر چهارم کرمانشاه، نام خود را به عنوان یکی از خبرسازترین شوراهای شهر بر سر زبانها انداخت. خبر تخلفات متعدد و متفاوت، پرونده‌های قطور از سوی شاکی‌های خصوصی و غیر خصوصی علیه شورا و بازداشت برخی اعضای شورای شهر بیش از پیش اذهان عمومی مردم کرمانشاه را درباره‌ی مدیریت این شهر تیره و تار کرد.

یکی از آشکارترین تخلفات شورای شهر کرمانشاه انتقال یکی از حساب‌های اصلی شهرداری به بانک صادرات بود. این شورا در اقدامی تامل برانگیز به جای انتقال درآمدهای شهرداری به یک حساب سپرده سرمایه‌گذاری که به آن سود پرداخت می‌شود، این درآمدها را به یک حساب جاری منتقل کرد. بعدها مشخص شد که بانک صادرات به پاس این خوش خدمتی به همه اعضای شورای شهر و وام‌های ۳۰۰ میلیون تومانی پرداخت کرده است. بر ملا شدن این تخلف شورای شهر کرمانشاه را تا آستانه انحلال پیش برد و شاید اگر تجربه انحلال شورای شهر در دوره سوم نبود، این شورا هم منحل می‌شد.

علاوه بر این، صلاحیت سه نفر از اعضای شورای شهر هم از همان آغاز به دلیل آنچه دو شغله بودن و دریافت دو حقوق از شهرداری و انعقاد قرارداد کاری با بستگان درجه یک در شهرداری عنوان شده چندین بار رد شد و هر بار این اعضا با شکایت به دیوان عدالت اداری و دیگر مراجع قضایی به شورا بازگشته‌اند. آخرین نمونه از حاشیه‌های شورای شهر و شهرداری کرمانشاه هم بازداشت تعدادی از افراد مرتبط با کمیسیون ماده ۱۰۰ شهرداری و پلمپ دفاتر این کمیسیون در تعدادی از مناطق شهرداری است.

همه این موارد نشان می‌دهد که شورا و شهرداری در چهار سال گذشته، مانند دوره‌های قبل، به جای تمرکز بر حل مشکلات عدیده‌ی شهری وقت خود را صرف منافع شخصی اعضای شورا، باند بازی، و اختلافات درونی کرده است. در گفت‌وگو با تعدادی از شهروندان و صاحب‌نظران کرمانشاهی سعی کردیم به ریشه‌یابی ناکارآمدی شورا و راه‌های عبور از این وضعیت بپردازیم.

### فرهنگ انتخاباتی مردم باید تغییر کند

فائزه که یکی از کنش‌گران مدنی کرمانشاه است ریشه اصلی مشکل را در فرهنگ انتخاباتی و اندیشه قومی و قبیله‌ای مردم کرمانشاه می‌داند. به گفته او «معمولاً کسانی به شورای شهری مثل کرمانشاه راه می‌یابند که یا دارای پایگاه قومی و قبیله‌ای بوده و یا افراد مشهوری مانند هنرمندان و ورزشکاران هستند که هیچ برنامه و سیاستی برای توسعه شهر ندارند.» او معتقد است که ملاک انتخاب مردم کرمانشاه به هیچ وجه تخصص و تجربه مدیریتی نیست. به گفته او «به دلیل فقر و بی‌کاری، مردم دوست دارند کسی از قوم و ایل خودشان انتخاب شود تا شاید برای آن‌ها کاری انجام دهد و اشتغال‌زایی کند.»

کمال هم که به تازگی برای تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد از کرمانشاه به تهران آمده، ضمن تایید نظرات فائزه می‌گوید: «غیر از کسانی که به اتکای روابط قومی وارد شورا می‌شوند کسانی هم هستند که پایگاه رای دهنده مانند قوم و قبیله ندارند ولی ثروت دارند و متأسفانه به دلیل فقر و بی‌کاری توانایی خرید رای هم دارند.» او ادامه می‌دهد: «مردم محروم و بی‌کار شهری مثل کرمانشاه به شعارهای احزاب گوش نمی‌دهند. در این شهر حتی برخی معلمان هم که باید

هدایت گرو و الگوی جامعه باشند به دلیل فقر رای خود را که همان شخصیت، هویت و عزت نفس آن‌ها است به قیمت ارزانی می‌فروشند.»

سهراب هم که به شکل قراردادی با شهرداری کرمانشاه همکاری می‌کند، در این باره می‌گوید: «در شهرهایی مثل کرمانشاه، لیستی در انتخابات ارائه نمی‌شود به این دلیل که تبلیغات در این شهر به صورت محفلی و خصوصی است و نامزدها با ۲۰ تا ۳۰ هزار رای هم به شورا راه می‌یابند و نیازی به تبلیغات عمومی و گسترده ندارند. در این حالت، وقتی کاندیدایی انتخاب شد، بیشتر خودش را به پایگاه آرایش متعهد و مسئول می‌داند تا به منافع شهر و نیز منافع شهر را فدای منافع افراد ذی نفع می‌کند. در نتیجه شورا بیشتر به شرکت سهامی تبدیل می‌شود و هر عضوی سهم خود را از آن می‌خواهد.»

او با اشاره به هزینه‌های بالای فقدان تخصص در شورای شهر، به عنوان یک نمونه به پروژه منوریل کرمانشاه اشاره می‌کند. به گفته او مسئولین کرمانشاه در یک تصمیم‌گیری نسنجیده و غیرتخصصی و بدون توجه به منابع مالی و اولویت‌های شهر تصمیم به اجرای پروژه منوریل گرفتند. کلنگ آغاز این پروژه در سال ۱۳۸۶ به زمین زده شد و قرار بود ظرف ۴۲ ماه تکمیل شود، اما حالا بعد از گذشت ده سال این پروژه تنها ۱۲ درصد پیشرفت داشته است. او ادامه می‌دهد: «بعد از مشخص شدن ناتوانی مالی و فنی برای احداث منوریل و نیز نامناسب بودن آن برای شهر، مسئولان شهری این پروژه را به قطار شهری تغییر دادند. اما معلوم نیست که ترکیب منوریل با قطار شهری چگونه از آب در می‌آید.»

### کمپینی علیه آرای قومی و قبیله‌ای

فائزه با اشاره به این که در دوره‌های گذشته مردم اغلب به شیوه قومی و قبیله‌ای و به امید یافتن شغل یا گرفتن امتیاز در انتخابات رای داده‌اند، می‌گوید: «وضعیت مردم کرمانشاه نشان می‌دهد که این شیوه رای دادن خودش یکی از دلایل مشکلات است. مردم یک بار برای همیشه باید با این شیوه رای دادن خداحافظی کنند.»

کمال اما با اشاره به فقر اقتصادی و فرهنگی بخش زیادی از جمعیت کرمانشاه معتقد است، فعالین مدنی نقش مهمی در روشن کردن مردم دارند و آن‌ها باید نتایج نامطلوب آرای قومی و قبیله‌ای را برای مردم عادی توضیح دهند. در ادامه او پیشنهاد جالبی را مطرح می‌کند. به گفته او «امروز حتی فقیرترین افراد هم به موبایل و کانال‌های تلگرامی دسترسی دارند و از این طریق می‌توان چیزی شبیه به یک کمپین علیه رای قومی و قبیله‌ای در شهر ایجاد کرد.»

پیشنهاد کمال بسیار جالب و عملی به نظر می‌رسد. فعالین سیاسی و مدنی کرمانشاه می‌توانند با یادآوری مشخص مشکلات ناشی از عدم تخصص در شورای شهر و شهرداری، مردم را به تغییر رفتار انتخاباتی‌شان تشویق کنند. پرسشگری از ۲۹۰ کاندیدایی که برای انتخابات شورای شهر کرمانشاه تایید صلاحیت شده‌اند هم می‌تواند بخش دیگری از این کمپین باشد.

یکی از فعالین اجتماعی کرمانشاه مهم‌ترین پرسش‌های پیش روی کاندیداها را این‌گونه بیان می‌کند: «نقش شورای شهر کرمانشاه در برابر بی‌کاری، بداشتغالی، فقر اقتصادی و معیشتی و فقر مسکن چه خواهد بود؟ دیدگاه آتی شورای شهر کرمانشاه در برابر ۳۳ محله مساله دار که بالای ۱۰ محله آن اسکان نامتعارف است، بایستی چگونه باشد و حمایت از کدام جریان و دیدگاه در انتخابات اردیبهشت می‌تواند به قرار گرفتن در مسیری که منجر به تحقق عدالت شهری شود کمک کند؟»

شهروندان کرمانشاهی برای چند دوره بیشتر بر اساس علایق و وابستگی‌های قومی و محلی به کاندیداها شورای شهر رای داده‌اند، اما این شیوه رای دادن نه تنها تغییری در وضعیت



شخصی آن‌ها ایجاد نکرده، بلکه با سپردن شهر به دست افراد غیر متخصص آینده جمعی مردم را هم تیره و تار کرده است. انتخابات پنجمین دوره شورای شهر کرمانشاه فرصت مهمی برای تجدید نظر در این رفتار انتخاباتی است.

# خرمشهر هم چنان جنگ زده؛ در انتظار شورا



نویسنده: میری  
استان: خوزستان  
شهر: خرمشهر  
چالش‌ها:

- ناکارآمدی شورا
- محیط زیست
- بحران آب و فاضلاب

از پایان جنگ و اعلام پذیرش قطعنامه ۵۹۸ در تیرماه ۱۳۶۷ حدود ۲۷ سال می‌گذرد؛ خرمشهر اما که یکی از آسیب‌دیده‌ترین شهرهای کشور در دوران جنگ هشت ساله با عراق محسوب می‌شود هم چنان رنجور از خسارت‌های هولناک وارده در اثر بمباران و جنگ است. شهری که حدود ۵۷۸ روز در اشغال نیروهای عراقی بود، هنوز که هنوز است تمام و کمال بازسازی نشده، و آثار جنگ و تخریب در بندری که زمانی نه چندان دور بزرگ‌ترین بندر ایران بود، محسوس است.

منازل مسکونی که ۲۷ سال پس از پایان جنگ هم چنان خراب و آسیب‌دیده، نشانه‌های محرومیت و مظلومیت اهالی منطقه را چنان سندهایی برجسته، به تصویر می‌کشند. طنز تلخ آن است که خرمشهر با ۱۶۳ هزار نفر جمعیت، در چهار سال گذشته، یا بدون شورای شهر و شهردار اداره شده و یا در میانه نزاع و چالش و حواشی پرهزینه و انرژی‌بر (هم چون دعوا

بر سرانتخاب شهردار یا بازداشت دو نفر از اعضای شورا).  
 خرمشهری که پیش از جنگ با جمعیتی افزون بر ۲۰۰ هزار نفر در رفاه و آبادانی اکثریت بود، حالا شاهد انواع و اقسام مشکلات و کاستی‌ها (از بی‌کاری بسیار زیاد تا فاضلاب و خیابان‌های بدکیفیت) است؛ مشکلاتی که هرچند حل و رفع آن‌ها نیاز به عزم و مداخله جدی و تمام‌قد دولت و دستگاه‌های حکومتی متعدد و اعتبارات کافی دارد، اما در نبود شورای شهر فعال و پویا و توانمند، به شکل فزاینده‌ای زندگی روزمره اهالی خرمشهر را دچار محدودیت و کاستی و مشکل کرده است.

### خرمشهر، بی‌خبر از توسعه

عبدالله یکی از کنش‌گران مدنی شهر که مدیر یک شرکت مهندسی مشاور است و درگیر برخی پروژه‌های عمرانی، می‌گوید: «با کمال تأسف و بنا به اذعان مقام‌های مسئول (از جمله نماینده خرمشهر در مجلس) اعتبارات بازسازی شهر، حدود ۱۰ سال است که قطع و منتفی شده؛ بدیهی است که نبود این اعتبارات آسیب زیادی به روند نوسازی و توسعه شهر می‌زند، و دست مقام‌های محلی از جمله شورا و شهرداری را می‌بندد».

وی با تأکید بر این نکته که متأسفانه خیلی از اهالی برخوردار و متمکن خرمشهر و صاحبان سرمایه رغبتی برای بازگشت به شهر نشان نمی‌دهند، می‌افزاید: «اگر شورای شهری وجود داشت و بستر خوب و امیدوارکننده‌ای را برای سرمایه‌گذاران فراهم می‌کرد، وضع فرق داشت. متأسفانه مشکلات متعدد شورا و شهرداری شهر باعث شده که رغبت به فعال کردن سرمایه‌ها و پتانسیل‌های محلی زیاد نباشد».

عبدالله هم چنین به وجود ساختمان‌های مخروبه پرشمار در سطح شهر اشاره و اضافه می‌کند: «متأسفانه در سطح شهر تعداد خانه‌هایی که هم‌چنان از دوران جنگ ویرانه مانده‌اند، کم نیست؛ خانه‌هایی که یا مالکان آن‌ها تمایلی به بازسازی‌شان ندارند و یا صاحبان آن‌ها معلوم نیست. طبیعی است که این وضع، به پی‌گیری جدی مدیریت توانمند شهر نیاز دارد؛ چیزی که از مدتها پیش در خرمشهر مفقود است».

### درد؛ از آب تا فاضلاب

معصومه، معلم است؛ او متولد خرمشهر است و تا امروز که حدود ۴۵ سال سن دارد، جز خوزستان در جایی زندگی نکرده است. وی به مشکل آب شیرین و سالم در خرمشهر اشاره می‌کند و می‌گوید: «برای کسانی که از دور به خرمشهر نگاه می‌کنند، شاید باورکردنی نباشد؛ ولی این واقعیت دارد که در خیلی از بخش‌های خرمشهری که کنار آبرودروند و کارون است، از آب سالم و شیرین خبری نیست».

او می‌افزاید که «در خیلی از مناطق شهری و حاشیه خرمشهر، مردم آب شیرین را از تانکرها و فروشندگان سیار و یا با کمک دستگاه‌های تصفیه آب خانگی، تهیه می‌کنند».

معصومه هم چنین از بیماری‌های پوستی و گوارشی می‌گوید که شمار نه چندان اندکی از کودکان خرمشهری را مبتلا کرده است. او معتقد است که طرح آب‌رسانی غدیر با وجود تمام تبلیغاتی که در سال‌های پیش برای آن شده، هنوز نتوانسته مشکل آب شرب شیرین و سالم خرمشهر را حل و رفع کند.

وی هم چنین از ناتمام و معلق ماندن پروژه فاضلاب شهری خرمشهر می‌گوید و می‌افزاید: «من می‌دانم که مسئولیت آب و فاضلاب به‌طور مستقیم با شورای شهر نیست؛ اما اگر شورای درست و حسابی در کار بود و فعال، پیگیر این حقوق اولیه اهالی مظلوم شهر می‌شد».

او اضافه می‌کند: «دست‌کم در سه منطقه صد دستگاه، عباره و ۱۲۰ هکتاری، مشکل فاضلاب چنان جدی می‌شود که در برخی مقاطع، دانش‌آموزان برای آمد و شد به مدرسه دچار مشکل حاد می‌شوند. این وضع در خیلی نقاط دیگر شهر (مثل خیابان ناصر خسرو، کوی معین یا منطقه مولوی) هم وجود دارد. بوی تعفن و بد همراه با جانوران موذی، زندگی را در برخی مقاطع سال بسیار سخت می‌کند.»

این آموزگار از کمبود میز و نیمکت و صندلی و دیگر تجهیزات اولیه در مدارس خرمشهر انتقاد و اضافه می‌کند: «بدیهی است که ترمیم این وضع برعهده آموزش و پرورش است اما تاکید می‌کنم که اگر شهر شورایی فعال و خوب داشت امکان بهبود و تغییر بیشتر و سریعتر می‌شد.»

### تندروهایی که می‌تازند

طاهره فارغ‌التحصیل عکاسی است و در آتلیه‌ای کار می‌کند و از جشن‌ها و مراسم عروسی عکس و فیلم می‌گیرد؛ او به مشکل دیگری اشاره می‌کند که قابل تأمل است: «عده‌ای تندرو در خرمشهر فضا را برای گردشگران و حتی اهالی منطقه، تنگ و سخت و ناامن کرده‌اند. اینها خودشان را "حزب‌اللهی" می‌خوانند ولی با افراطی‌گری، زندگی روزمره مردم را سخت می‌کنند.» وی می‌گوید: «به دلیل پاره‌ای سخت‌گیری‌ها و ناامنی‌ها و تهدیدهای ایجاد شده توسط این تندروها، برخی از اهالی خرمشهر جشن‌ها و مراسم عروسی خود را در آبادان برگزار می‌کنند. این درحالی رخ می‌دهد که شورای شهری در کار نیست که پیگیر حقوق مردم باشد و نیروی انتظامی هم خود را از موضوع کنار می‌کشد.»

طاهره می‌افزاید: «اگر مدیریت شهری متخصص و کارآیی در خرمشهر حاکم بود، تنها با تکیه به پتانسیل گردشگری شهر می‌توانست آبادانی و رفاه بیشتری برای اهالی منطقه ایجاد کند.»

### شهری بدون شورا

ماه‌هاست که خرمشهر بدون شورای شهر اداره می‌شود. از فروردین ۱۳۹۴ که شهردار خرمشهر برکنار و سرپرستی برای شهرداری انتخاب شد، چالش جدی و دعوا بر سر انتخاب شهردار و ادامه کار مدیریت شهری، گسترش یافت.

اختلاف‌های گسترده و جدی اعضای شورای اسلامی شهر برای انتخاب شهردار خرمشهر چنان حاد شد که پس از چند ماه کش و قوس، سرانجام و به دستور استان دار خوزستان، شورای اسلامی خرمشهر منحل شد و این شهر در عمل بدون شورا و شهردار شد.

اعتراض اعضای شورا و پی‌گیری‌های بعدی از طریق بازرسی کشور و دیوان عدالت اداری و دیگر مراجع نیز ظاهراً بی‌نتیجه ماند. این چنین، شهر بدون شورا و شهردار به بقای پر حاشیه و مشکل خود ادامه داد و در انتظار انتخابات شوراها پی‌نجم نشست.

کم نیستند شهروندانی که در انتظار انتخابات شوراها پی‌نجم ایستاده‌اند و استقرار شورای آتی؛ شاید که تغییر و بهبودی در وضع اسف‌بار آنان به وجود آید. به خصوص که مشکل فقر و بی‌کاری در شهر محسوس است.

مسلم، فارغ‌التحصیل مهندسی است و بیکار؛ او می‌گوید: «به شکل عجیبی برخی از کارها و پروژه‌های ساده، مانند جدول گذاشتن کنار خیابان یا ترمیم پیاده‌روها و موارد مشابه، به پیمانکاران غیربومی داده شده و نیروی کار خارج از شهر؛ درحالی‌که حتی مراجع رسمی، آمار بیکاران جوان شهر را بیش از ۳۰ درصد می‌دانند و پتانسیل و نیروی کار جوان و متخصص در شهر زیاد است.»

کم نیستند کنش‌گرانی که معتقدند اگر مدیریت شهری کارآمد و متخصص و مجربی در خرمشهر

برسر کار باشد و در شورا مستقر، و اگر دلبسته خرمشهر باشد و به فکر اهالی آن، و نه در اندیشه مصالح سیاسی و جناحی و باندی و قومی و قبیله‌ای، می‌شود به خیلی از مشکلات شهر پایان داد. نه ساختن پیاده‌رو برای بلوار نقدی و خیابان‌های دیگر کار دشواری است؛ نه اصلاح وضع خیابان‌ها و ترمیم آسفالت آن‌ها اقدامی غیرممکن است؛ نه سامان دادن به ایستگاه‌های تاکسی و دست‌فروش‌ها و دیواره ساحلی و جمع‌آوری زباله‌های کنار آن سخت خواهد بود؛ نه بهبود بخشیدن به بازار صفا و بازار روز و بلوار امام کار پیچیده‌ای است؛ و نه تغییر وضع جاده پشت اداره آگاهی و جاده محرزی و آلبونایی به برنامه‌ریزی زمان‌بر نیاز دارد؛ و نه دیگر کاستی‌ها و مشکلات خرمشهر.

کاش مدیریت شهر و شورای خرمشهر در اختیار متخصصان دلسوزی قرار گیرد که برای بهبود زندگی مردمان منطقه، وقت بگذارند؛ و نه آن‌که شورای پنجم بهانه‌ای شود و دست‌آویزی برای سودجویی شخصی و باندی و منازعه‌های بی‌حاصل.

## شورایه برای نجات «اراک» از افسردگی



نویسنده: آسیه نظری

استان: مرکزی

شهر: اراک

چالش‌ها:

• ناکارآمدی شورا

• افسردگی

• نوسازی شهر

در دنیای امروز، شهر تنها مکانی برای فعالیت اقتصادی، تحصیل و خرید نیست. شهر باید مکانی برای زندگی و آرامش باشد، مکانی که در آن مردم می‌توانند برای ساعاتی فارغ از کار و دغدغه‌های اقتصادی، در مکان‌های عمومی با هم تفریح کنند، با هم فکran و دوستان‌شان معاشرت کنند و از این طریق بار خستگی کار روزانه را از شانه‌هایشان بردارند. اما اینها دقیقا ویژگی‌هایی هستند که نمی‌توانید در شهر اراک پیدا کنید. شاید به همین دلیل است که افسردگی و اندوه در چهره شهر و مردمانش، توجه هر تازه‌واردی را به خود جلب می‌کند. اراک شهری است که با سرب و دود آمیخته شده است. این شهر طی سال گذشته، ۱۰۵ روز آلودگی و هوای ناسالم را پشت سر گذاشت و براساس یک محاسبه، این آلودگی که عمده‌ترین ناشی از بی‌مسئولیتی صنعتگران شهر است، سالانه به قیمت جان ۳۰۰ نفر از مردم اراک تمام می‌شود. اما این تنها آلودگی نیست که چهره شهر را غبار آلود و غمگین کرده است. بیشتر

شهروندان اراکی به این سوال که چرا مردم اراک ناراحت و افسرده هستند، به اتفاق یک جواب می‌دهند: اراک هیچ مکان تفریحی ندارد.

سوالی که شهروندان اراکی را آزار می‌دهد این است که با وجود این همه آلودگی و هزینه‌هایی که به خاطر صنایع این شهر پرداخت می‌کنند، چرا باید اراک از نظر سرانه فضای سبز و مکان‌های تفریحی یکی از پایین‌ترین رتبه‌های کشور را داشته باشد؟ این سوالی است که مستقیماً به وظایف نمایندگان شورای شهر و شهرداری مربوط می‌شود و هنوز بی‌پاسخ مانده است.

### سرگردان بین خیابان ملک و عباس آباد

محمود که دانشجوی دانشگاه آزاد اراک است، می‌گوید: «همه مسئولان شهر از امام جمعه گرفته تا فرماندهان سپاه و بسیج مدام از ما انتقاد می‌کنند که چرا جوانان اراکی مدام در خیابان‌های ملک و عباس آباد قدم می‌زنند، اما یکی نیست به آن‌ها بگوید شما که نگران جوان‌ها هستید چرا در مرکز شهر فضاهای تفریحی و فرهنگی نمی‌سازید؟ در حال حاضر خیابان‌های شهر برای نسل جوان تبدیل به تنها محل گذراندن وقت‌شان شده و این مهم نتیجه چند سال عملکرد خود آن‌ها است.»

او ادامه می‌دهد: «در اراک جز موزه حمام چهارفصل و یک پارک بدون دار و درخت، مکان تفریحی دیگری وجود ندارد. دیدن موزه هم مگر چندبار می‌تواند جذاب باشد.»

سمانه هم که در یکی از محدود کتابفروشی‌های شهر کار می‌کند، درباره مشکل افسردگی اراکی‌ها می‌گوید: «روزهای تعطیل و خصوصاً جمعه‌ها در خانه کلافه می‌شویم اما دریغ از پیدا کردن یک مکان تفریحی مناسب که بتوانیم به آنجا برویم و روز خود را در آن بگذرانیم. چهره شهر در روزهای تعطیل آنقدر افسرده و دل‌مرده و غرق در سکوت است که اگر بیرون برویم، بی‌اختیار غم بیشتری به سراغمان می‌آید.»

الهام هم که مادر و خانه‌دار است با اشاره به این که به علت آلودگی هوا و ترافیک، بیشتر ترجیح می‌دهد در خانه بماند، می‌گوید: «تنها تفریح ما در این شهر دود زده، رفتن به کوه سرخه یا پارک جنگلی است. کوه سرخه که فاقد هرگونه امکانات رفاهی است و پارک جنگلی هم تکراری و کسل‌کننده شده است.»

### بی‌تعارف، شهر زشت و بدقواره است

احسان، جوانی ۳۲ ساله که مدتی در اراک دانشجوی بود با اشاره به تجربه شخصی خود به نکته مهمی درباره سیمای شهر اراک اشاره می‌کند. او می‌گوید: «دو سال پیش بعد از ده سال برای گرفتن مدرک تحصیلی‌ام از دانشگاه دوباره به شهر اراک رفتم. چیزی که شاهدش بودم این بود که شهر تقریباً هیچ تغییری از نظر امکانات شهری، وضعیت خیابان‌ها، و مکان‌های تفریحی نکرده بود و فقط همان چیزهایی که قبلاً وجود داشت کهنه‌تر و فرسوده‌تر شده بود.»

او ادامه می‌دهد: «بی‌تعارف، اراک یکی از بی‌قواره‌ترین شهرهایی است که من دیده‌ام و این شایسته مردم مهربان و خونگرم این شهر نیست.»

سمانه هم با تایید نظرات احسان می‌افزاید: «خانه‌های بدون نما، دیوارهایی که روی‌شان آگهی نصب شده، ماشین‌های قراضه، خانه‌های بدقواره، سنگ‌فرش‌های نامرغوب که هنوز یک ماهی از نصب آن‌ها نگذشته شکسته می‌شوند و چاله‌ای از آب در بارندگی می‌شوند، آسفالت‌های تکه تکه و سطوح زباله سرریز شده که مردم به جای انداختن آشغال‌هایشان درون آن، اطرافش را پر از زباله می‌کنند و درختان بریده شده، همه باعث از شکل افتادن شهر شده‌اند. با دیدن این‌ها فقط دلمان می‌گیرد.»

### پارک بانوان، راه حلی ایدئولوژیک و ناقص

مشکل افسردگی مردم اراک که در کنار دیگر مشکلات شهری ناشی از نبود امکانات تفریحی است چیزی نیست که از نظر مسئولان شورای شهر و شهرداری دور مانده باشد. ایجاد «پارک بانوان» به عنوان مکانی که اختصاصاً برای تفریح و سرگرمی زنان است، یکی از راه حل های شورا و شهرداری اراک در دوره های گذشته بوده است. بحث راه اندازی این پروژه، تقریباً از دو دهه پیش آغاز شد و در دوره سوم شورای شهر در سال ۱۳۸۶ شکل اجرایی به خود گرفت. به گفته اشرف بهادری از اعضای شورای شهر اراک، این پارک در ماه های آینده در دسترس شهروندان اراکی قرار خواهد گرفت. اما زنان اراکی نظرات متفاوتی درباره این پارک دارند.

شیوا که از فعالین اجتماعی اراک است با انتقاد از ایجاد پارک تک جنسیتی در این شهر و بیان اینکه علاقه ای به رفتن به این پارک ندارد، می گوید: «می گویند این پارک برای حفظ امنیت و آرامش روانی زنان است. زنان مگر در زندگی روزمره شهری امنیت دارند؟ به نظر من این پارک ها بیشتر توهین به زنان است. آیا زنان باید محصور باشند تا جامعه در امنیت باشد؟ این دیگر امنیت نیست. در واقع با این کار، زنان را از دسترس مردان دور نگه می دارند تا مردان نتوانند امنیت آن ها را تهدید کنند.» به عقیده او، به جای درست کردن حصارهای عمومی برای زنان، باید مردان را آموزش داد تا از نگاه های جنسیتی به زنان دست بردارند.

زهرآ اما نظر دیگری دارد. به عقیده او در شهری مثل اراک با توجه به نبود هیچ گونه امکانات تفریحی و همین طور فرهنگ سنتی جامعه، این نوع پارک ها فعلاً تنها امکان زنان برای تفریح و سرگرمی هستند. با این حال او هم معتقد است که جدا کردن زنان از مردان راه حل نیست. زهرآ می گوید: «این پارک شاید نیازهای فردی زنان را پاسخ بدهد اما در نهایت یک امکان ناقص است چون من نمی توانم همراه دختر و همسرم و به شکل خانوادگی تجربه اش کنم.»

### اراک نیازمند شورایی متفاوت

شیوا معتقد است که بی توجهی مسئولان شهری اراک به ایجاد مکان های تفریحی و سرگرمی برای زنان و جوانان بیش از آن که ناشی از کمبود بودجه باشد، ناشی از ذهنیت بسته و ایدئولوژیک آنان است. او می گوید: «حتی بدون صرف بودجه زیاد و با برگزاری جشن ها و فستیوال های مختلف هم می توان شور و شادی را به شهر بازگرداند.»

به عقیده شیوا انتخابات پیش رو، فرصتی برای فرستادن افرادی به صحن شورا، که نگاه متصلبی به تفریح و سرگرمی جوانان و زنان نداشته و مشکل افسردگی مردم را به عنوان یک اولویت در نظر بگیرند. او با اشاره به تجربه حضور خانم فربیا آباقری در شورای شهر اراک در دوره های پیش می گوید: «ایشان به لحاظ فکری از بسیاری از اصلاح طلبان هم پیشروتر بود و این نشان می دهد که می توان با فرستادن افرادی مانند او به شورا، زمینه را برای تحول در شهر فراهم کرد.»

البته او خاطر نشان می کند که مشکل افسردگی جوانان اراکی فقط با ایجاد مراکز تفریحی و پارک ها حل نمی شود، بدون حل مشکلات ساختاری مثل آلودگی، فقر و بی کاری نمی توان به ترغیب جوانان به ماندن در شهر و مهاجرت نکردن، امیدوار کرد.

# شوراهای روستایی و واسطه‌گری در

## فروش املاک



۳۱۷



نویسنده: حمیدی

استان: مازندران

شهر: نوشهر و چالوس

چالش‌ها:

• فساد در شورا

• شوراهای روستایی

• واسطه‌گری در فروش املاک

از اولین تجربه شورا با نام انجمن‌های اسلامی در روستاها از ابتدای استقرار جمهوری اسلامی تا امروز و این دوره، که پنجمین انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا در آخر اردیبهشت ماه جاری برگزار خواهد شد، شورای اسلامی روستاها تفاوت‌های بسیاری به خود دیده و روند خاصی را طی کرده است.

رشد آمار جوانان تحصیلکرده در روستاها از یک سو، و نیز گسترش تکنولوژی ارتباطات و افزایش ضریب نفوذ و حضور ابزارهای اطلاع‌رسانی از سوی دیگر، به عنوان برخی از علل و دلایل تغییر و تحول در فضای روستاها و نیز به تبع آن در شوراها قابل اشاره هستند.

دیگر موسی‌آباد نوشهر و الف‌کلای چالوس، روستاهای دور افتاده‌ای محسوب نمی‌شوند که برخی شهرنشینان بخواهند به کنایه از آن‌ها نام ببرند.

نکته اینکه تقریباً تمامی روستاها به مدد شبکه‌های اجتماعی دارای صفحه‌های فیسبوک

و اینستاگرام و کانال‌های تلگرامی اطلاع‌رسانی از سوی علاقمندان و جوانان آن دیار و یا دهیاری‌ها و شوراهای شده‌اند؛ امکان و وضعی که توان و ظرفیت و همین‌طور عملکرد شوراهای را به تفصیل توضیح می‌دهند یا در معرض نقد و ارزیابی و داوری شهروندان و اهالی منطقه و محل قرار می‌دهند.

بافت جغرافیایی شمال ایران و حاشیه دریای مازندران، روستاهای این منطقه را پرشمارتر از خیلی نقاط دیگر ایران کرده است. شمار ایرانیانی که به دلیل آب و هوای خاص شمال کشور به این مناطق سفر می‌کنند نیز کم نیستند؛ به خصوص در ایام تعطیلات، و از پایتخت. شمال ایران البته روزگاری نه چندان دور، سبزتر از امروز بوده؛ تغییرات اقتصادی و خیز بساز و بفروش‌ها و زمین‌بازان به این منطقه، تغییرات نه چندان اندکی در آن ایجاد کرده است؛ آنجا که اهمیت و توجه بیشتر و دقیق‌تر به جایگاه شوراهای روستایی و دهیاران، هر دوره که پیش می‌رود حساس‌تر و ملموس‌تر می‌شود.

### هجوم به سرزمین سبز و خوش آب و هوا

هجوم گسترده برای خرید و تملک زمین‌های سبز حاشیه جنگل و مراتع تا نقطه صفر ساحلی در شمال کشور که متأسفانه دست‌کم دو دهه‌ای است روندی فزاینده یافته، به طور جدی و محسوس و مشدد از اوایل دهه نود خورشیدی وارد فاز جدیدی شده و با افسوس باید گفت که با شتاب بیشتری هم‌چنان پیش می‌رود.

در مقیاس‌های کلان این خرید و یا تصاحب زمین‌های سرسبز و مراتع بی‌شک در سایه همراهی یا سکوت توأم با رضایت برخی مراکز قدرت و ثروت رخ می‌دهد؛ این وضع ناگوار در کمال تأسف چندان جای نظارت ندارد؛ به خصوص که دستگاه قضایی مستقل و شجاع و بی‌طرفی در کار نیست. نهادهای مرتبط با حکومت به خصوص سازمان‌های نظامی و شبه‌نظامی صاحب اختیارند و دستی گشوده برای اقدام خودسرانه و غیرقانونی یا فراقانونی دارند.

اما در لایه‌های دیگر (میانی و پایین دست) برای خرید و تغییر کاربردی زمین‌های بکر و ناب کشاورزی و مراتع نیاز به تایید و همراهی شوراهای روستایی برای این مهم، است.

به همین جهت در سال‌های اخیر جریانی غریب و پیچیده و مدیریت شده و دقیق، به شکلی «خودجوش»! و سازمان یافته از اعضای شوراهای روستاها با کارشناسان اراضی ادارات جهاد کشاورزی و بخشدارهای منطقه و همین‌طور با واسطه‌گری مشاوران املاک که به فراوانی و متنوع در حاشیه جاده‌های ساحلی و کوهستانی و حتی دورافتاده‌ترین روستاهای کوهستانی فعال هستند و بسیار یافت می‌شوند شکل گرفته است؛ جریانی که براحثی با دریافت ارقامی نجومی از خریدار با قول انجام مراحل دریافت مجوز تغییر کاربری و ساخت بنا، اقدام به فروش زمین‌های کشاورزی و مراتع سرسبز می‌کند.

### شوراهای و غارت فضای سبز شمال

در متن و بستر پیش‌گفته نباید از نقش شوراهای متخلف یا برخی اعضای شوراهای، غفلت کرد؛ در زنجیره‌ای که از آن یاد شد، نقش شورا بسیار موثر و کارساز است؛ چرا که شوراهای به عنوان نماینده فرمانداری‌ها و در واقع دولت، قدرت تایید و رد درخواست‌های اینچنینی را دارا هستند. از سویی دیگر، بنا بر مصوبه‌ای که از دوره دوم شوراهای تصویب شد، می‌بایست دو درصد از مبلغ نهایی فروش زمین‌های حوزه روستایی به حساب درآمد شوراهای واریز شود؛ این یعنی انگیزه شوراهای روستایی در تشویق و تسریع فروش زمین‌ها برای رسیدن به درآمدی که مصوب شده و وجهی قانونی یافته است. درآمدی که منافع و مصالح درازمدت اهالی و منطقه و کشور را

قربانی منافع و مصالح کوتاه مدت و زودگذر شوراها می‌کند. هرچند در ظاهر به نظر می‌رسد که عملکرد شوراهای روستایی در این بخش و عرصه قانونی است؛ اما جستاری میدانی و کاوشی در مناطق شمال کشور موارد بسیاری را نشان می‌دهد که در این مدل خرید و فروش‌ها مبالغ قابل توجه و گاهی غیرقابل باور جابجا و دست به دست می‌شود؛ مبالغی که گاه نجومی می‌شود و برای پیشبرد مقاصد خریدار/خریداران زمین، فراتر از دو درصد مصوب شده، به حساب شخصی عضو یا اعضا شورا واریز می‌شود. حسن یکی از کنش‌گران مدنی مازندران، ضمن تاکید بر این نکته، گزارش می‌دهد: «متأسفانه خبر موثق دارم که در روستایی حاشیه شهری مرکزی در استان مازندران، و تنها در یک فقره، شورای اسلامی ۷۰۰ میلیون تومان غیرقانونی دریافت کرده است؛ در موردی دیگر و در روستایی با کمتر از هزار نفر جمعیت در فروش زمین کشاورزی به مساحت ۵۰۰۰ متر مربع فقط بابت موافقت با تغییر کاربردی مبلغ ۲۰۰ میلیون تومان از خریدار توسط اعضا شورا دریافت شده است.»

وی تاکید می‌کند: «متأسفانه این مبالغ با هماهنگی انجام شده بین شورا و کارشناسان محترم آراضی تقسیم می‌شود.»

این کنش‌گر مدنی مطلع از تحولات مزبور و منتقد وضع اسف‌بار، اضافه می‌کند: «فراش و نکیم که این دریافتی‌ها جدا از مابه‌التفاوت قیمت معامله‌ای است که فروشنده (کشاورز) دریافت می‌کند و خریدار می‌پردازد. یعنی برای مثال، زمینی به قیمت مترمربعی ۱۰۰ هزار تومان فروخته می‌شود ولی کشاورز صاحب زمین گاهی نصف و یا کمتر از نصف را دریافت می‌کند و باقی بین شورا و مشاور املاک تقسیم می‌شود.»

محمد یکی دیگر از کنش‌گران مدنی منطقه نیز ضمن تایید این ارزیابی، با انتقاد از وضع جاری می‌افزاید و تکمیل می‌کند که «این مدل امروزه یکی از رایج‌ترین کارهایی است که در سیستم شوراهای روستایی در شمال کشور از گیلان و مازندران و نیز گلستان معمول است.»

او اضافه می‌کند: «متأسفانه به همین دلیل است که از منطری، رقابت در رسیدن به کرسی شوراها در روستا در این مناطق اگر اهرمیتی کمتر از رقابت برای راه‌یابی به شوراهای شهرها نداشته باشد، کمتر از آن هم نیست.»

وی از همین زاویه می‌گوید: «واقعیت تلخی است؛ اما چه بسا امروزه افراد تحصیلکرده بسیاری با مدارک تحصیلی کارشناسی ارشد و حتی در مواردی دانشجوی دکترا هم دیده شده که در این مناطق، برای انتخابات شوراها نام‌نویسی کرده‌اند.»

محمد تصریح می‌کند که «من نمی‌خواهم بگویم همه نامزدها انگیزه مالی و دلیل اقتصادی برای ثبت نام در انتخابات شوراها دارند یا در پی سودجویی از این نهاد مهم هستند؛ اما بالاخره اگر برخی در پی منزلت هستند و یا گروهی در پی قدرت ناشی از ورود به این نهاد و نیز بعضی به دنبال خدمت‌رسانی به اهالی محل، واقعیت ناگوار این است که جماعتی نه چندان کم شمار هم مقاصد و انگیزه‌هایی ناصواب و نادرست، به خصوص مالی و اقتصادی دارند.» جواد یکی دیگر از کنش‌گران مازندران نیز با تایید ملاحظات دوستان خود، اضافه می‌کند: «اگر قرار باشد این روند ادامه یابد فاجعه‌ای به تمام معنا پیش از موعد فرا خواهد رسید؛ تبدیل زمین‌های شمال ایران به ویلاهای رنگارنگی که مانند قارچ از زمین سر در می‌آورند و در آینده‌ای نزدیک روستاییان و کشاورزان دیروز بایست نقش سرایدار را برای آپارتمان‌ها و ویلاها و مجتمع‌های مسکونی جدید، در زمین‌های دیروز خود، ایفا کنند.»

وی هم چنین می‌گوید: «مشکل اشتغال جوانان اعم از تحصیلکرده و یا غیر آن، هزینه بالای تولید از نهاده‌ها و ماشین آلات در بخش کشاورزی، و نبود مدیریت و ساختاری درست از طرف